

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هزینه استفاده از این جزوه، برای دانش‌آموزان، دبیران و دیگر علاقه‌مندان به ادبیات شیرین فارسی، قرائت یک فاتحه به نیت پدر و مادر مرحوم است.

همه می‌دانیم امکانات آموزشی در همه جای کشور یکسان نیست. می‌دانیم در شهرهای کوچک و مناطق محروم امکانات آموزشی ضعیف است. در فضای مجازی پیام‌هایی از دانش‌آموزان روستایی دریافت کرده‌ام که از ناتوانی مالی برای خرید کتاب و جزوه و ... حکایت می‌کرد. تعارف که نداریم؛ خوب می‌دانیم این اوضاع اقتصادی حال شهری‌ها را هم خراب کرده است. از نابرابری‌ها و بالاخص نابرابری‌های آموزشی هر چه بگویم کم گفته‌ام. با این حال من یک دبیرم و آنچه از دست من برمی‌آید جزوات بنده است که به طور رایگان در اختیارتان قرار می‌گیرد.

۱ - با مطالعه بخش‌بخش و جزء‌جزء این جزوات خواهید فهمید که این جزوات کامل‌ترین درس‌نامه‌ها را دارند. برای بنده خیلی راحت و اقتصادی‌تر بود که این جزوات را در اختیار موسسه و انتشاراتی قرار دهم و از مزایای مادی و معنوی آن برخوردار شوم. ولی در این صورت اجازه نداشتم که این جزوات را در کانال قرار دهم تا همه افراد به صورت رایگان از پی‌دی‌اف آن استفاده کنند.

۲ - قطعا برای تالیف هر جزوه و کتابی، زحمات بسیاری کشیده می‌شود. با نگاهی سطحی بر این جزوه و دیگر جزوات بنده خواهید دید که برای تالیف آن زحمت بسیاری کشیده شده است. اینجانب علاوه بر ساعت‌ها تمرکز و نوشتن، برای تایپ و صفحه‌آرایی این جزوه و جزوات دیگر، مبلغ قابل توجهی هزینه کرده‌ام.

۳ - پارسال دبیری پیام داد و گفت: «با اجازه شما این جزوات را داده‌ام تایپ کرده‌اند و در انتهای جزوه از شما یاد خواهم کرد!!!» به چند دلیل این کار دور از انصاف و ناصحیح بوده‌است؛ اول اینکه بنده اصلا همچین اجازه‌ای به هیچ دبیری نداده‌ام. دوم اینکه با این تایپ و صفحه‌بندی زیبا چه لزومی داشت مجدد تایپ شود جز اینکه قضیه‌ای در کار بوده باشد؟ سوم اینکه بسیاری افراد به اعتبار علمی یک مؤلف آن اثر را می‌خوانند و با حذف نام بنده از هر صفحه و انتقال آن به آخر جزوه، عملا با یک غلط‌گیر - توسط هر فردی - این اثر بی‌شناسنامه خواهد شد. چهارمین دلیل که از دلایل دیگر بسیار مهمتر است این است که صادقانه و حقیقتا خدمتتان عرض می‌کنم که پس از تایپ این جزوات توسط تایپست‌های گران‌قیمت موسسات مطرح، برای ویرایش و صفحه‌بندی هر کدام، حداقل بیش از ۳ ماه وقت گذاشته‌ام (اگر ملاحظه کنید می‌بینید در تمام این جزوه حتی «تشدید» و «نیم‌فاصه» و دیگر علائم ویرایشی رعایت شده است تا زیبایی جزوه، مطالعه را برای دانش‌آموز دلنشین‌تر کند). تالیف این جزوات، اینطور نبوده که پس از تایپ با یک ویرایش خدمتتان ارائه شده باشد. اگر آن دبیر محترم، نهایت انصاف را به خرج دهد و نام بنده را هم در هر صفحه جزوه بیاورد، باز هم در حق من جفا کرده است، چرا که قطعا قطعا جزوه‌ای خواهد بود با هزار غلط تایپی و ... با توجه به ۳ مورد فوق، از دبیران ارجمند، صمیمانه خواهشمندم، برای ارج‌نهادن به تالیف و کار بنده، از کپی کردن جزوات اینجانب، بدون نام بنده خودداری کنند و از همین پی‌دی‌اف استفاده کنند.

معرفی و سوابق علمی و آموزشی

ابوذر احمدی پُرگو؛ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

کارشناسی: دانشگاه علامه طباطبایی (سراسری)، کارشناسی ارشد: دانشگاه خوارزمی (سراسری)، دکتری: اراک (سراسری)
۱۷ سال سابقه تدریس دروس عمومی و تخصصی زبان و ادبیات فارسی، تالیف (۵ جلد) و همکاری (در بیش از ۱۵ جلد) کتاب کمک آموزشی، طراح سوالات نرم‌افزار آموزشی «مُنتا»، طراح سوال سابق آزمون‌های مدرّسان شریف در مقطع کارشناسی ارشد و ...

مدرّس دبیرستان‌های برتر تهران از جمله: دبیرستان ماندگار البرز، دبیرستان رشد، دبیرستان فرهنگ، دبیرستان خوارزمی، دبیرستان سلام، دبیرستان شاهد، دبیرستان سرای دانش (قلم‌چی) و دیگر مدارس برتر تهران و مدرّس کلاس‌های کنکور موسسات و مدارس تهران و شهرستان‌ها.

شاعر، نویسنده، منتقد ادبی و استاد کلاس‌ها و کارگاه‌های شعر و ترانه

***توجه:** این جزوات برای پاسخ‌گویی به سوالات سخت کنکوری تألیف شده‌اند اما دانش‌آموزان غیر کنکوری و علاقه‌مندان به ادبیات فارسی نیز می‌توانند از آن بهره ببرند.

***توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار تومان و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سماعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را با کمترین هزینه تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

موفق و سربلند باشید

دکتر ابوذر احمدی

مهر ماه ۱۴۰۰

فهرست مطالب

| | |
|----------|------------------------------------|
| ۴ | کلیات |
| ۵ | تشبیه (انواع تشبیه) |
| ۹ | استعاره (انواع استعاره) |
| ۱۷ | مجاز |
| ۲۳ | کنایه |
| ۲۵ | نماد |
| ۲۸ | واج آرای |
| ۲۹ | تکرار (واژه آرای) |
| ۳۱ | سجع |
| ۳۲ | موازنه و ترصیع |
| ۳۴ | جناس و اشتقاق |
| ۳۷ | حُسن تعلیل |
| ۴۰ | حس آمیزی |
| ۴۲ | پارادوکس (تناقض، متناقض‌نما) |
| ۴۴ | تضاد |
| ۴۶ | ایهام و ایهام تناسب |
| ۵۵ | اسلوب معادله |
| ۵۸ | تلمیح |
| ۵۹ | تضمین |
| ۶۱ | اغراق |
| ۶۳ | لف و نشر |
| ۶۴ | مراعات نظیر (تناسب) |
| ۶۶ | مَثَل (تمثیل یا ارسال المثل) |
| ۶۶ | تَخْلَص |
| ۶۸ | تست جامع و جمع بندی |

آرایه‌های ادبی

کلیات: آرایه‌های ادبی در یک نگاه کلی به دو بخش بیان (یا صَوْر خیال) و بدیع تقسیم می‌شود.

بیان (صَوْر خیال)

آرایه‌هایی را می‌گویند که کار تصویرسازی و مخیل کردن شعر را بر عهده دارند و در سطح کنکور موارد زیر را شامل می‌شود.

تشبیه: تشبیه کامل، تشبیه بلیغ (تشبیه بلیغ اسنادی و تشبیه بلیغ اضافی یا اضافه تشبیهی)
استعاره: استعاره مصرّحه، استعاره مکتبّه (اضافه‌ی استعاره‌ی، تشخیص)
مجاز: با علاقه‌های شباهت، محلیّه، کلیّه، جزئیّه و لازمیّه، آلت و ...
کنایه
نماد

بدیع

آرایه‌هایی را می‌گویند که موسیقی لفظی و معنوی را افزایش می‌دهند و به دو دسته **بدیع لفظی** و **بدیع معنوی** تقسیم می‌شود.
بدیع لفظی: آرایه‌هایی هستند که موسیقی لفظی کلام را افزایش می‌دهند و یکسانی یا مشابهت لفظی به وجود می‌آورند. مثلاً دو کلمه «دَسْت و مَسْت» از نظر معنایی با هم ارتباطی ندارند ولی **تلفّظ** آن‌ها شبیه به هم است و این **تلفّظ** مشابه، صدای یک‌نواختی دارد و موسیقی کلام را افزایش می‌دهد. بدیع لفظی در سطح کنکور، موارد زیر را شامل می‌شود.

بدیع لفظی تکرار، واج‌آرایی، سجع، جناس و اشتقاق.

موازنه و ترصیع نیز دو آرایه بدیع لفظی هستند که مخصوص رشته انسانی‌اند.

بدیع معنوی: آرایه‌هایی هستند که با توجه به روابط معنایی کلمات و عبارات حاصل می‌شوند و یک نوع موسیقی معنوی ایجاد می‌کنند. مثلاً وقتی «گل و باغ و شبنم» را در شعری به کار می‌بریم، این کلمات از نظر لفظی مشابهتی با هم ندارند، ولی **از نظر معنایی** در ارتباط هستند و یک هماهنگی در ذهن شنونده ایجاد می‌کنند که سبب لذت ادبی می‌شود، این کارکرد را بدیع معنوی می‌گویند. بدیع معنوی در سطح کنکور، موارد زیر را شامل می‌شود.

بدیع معنوی: حس آمیزی، حُسن تعلیل، پارادوکس، تضاد، ایهام و ایهام تناسب، اسلوب معادله، تلمیح، تضمین، مراعات نظیر، لف و نشر، اغراق، مَثَل و تَخَلّص.

توجه: برای پاسخگویی به تست‌های ترکیبی، سعی کنید ابتدا با گروه اول پاسخ بدهید و اگر نشد با گروه دوم و تا جای ممکن سمت گروه سوم نروید! گروه چهارم هم معمولاً یا در تست‌ها نمی‌آیند و یا بی‌تاثیر هستند.

| | |
|------------|--|
| گروه اول | حس آمیزی، پارادوکس، حُسن تعلیل، اسلوب معادله |
| گروه دوم | جناس، تلمیح، اغراق، تضاد |
| گروه سوم | انواع تشبیه، انواع استعاره، انواع مجاز، کنایه، ایهام و ایهام تناسب |
| گروه چهارم | مراعات نظیر(تناسب)، تکرار، واج‌آرایی، سجع، تضمین، نماد و ... |

بیان

تشبیه

تشبیه مهم‌ترین بخش بیان یا صور خیال است. تشبیه هنگامی است که شاعر دو چیزی را که در اصل به هم شبیه نیستند، به هم تشبیه کند. مثلاً «تو ماه هستی» تشبیه است، اما «تو یار غمگسار هستی» تشبیه نیست، زیرا واقعیت است. ابتدایی‌ترین و کامل‌ترین تشبیه که به آن تشبیه کامل یا گسترده می‌گویند، تشبیهی است که ۴ رکن دارد: «مشبّه، ادات تشبیه، مشبّه‌به، وجه‌شبه». ولی شاعران برای خیال‌انگیز کردن کلام، گاهی ادات تشبیه یا وجه شبه را حذف می‌کنند که این حالت را نیز تشبیه کامل می‌گویند و یا هر دوی آن‌ها را حذف می‌کنند و از تشبیه فقط مشبّه و مشبّه‌به (طرفین تشبیه) باقی می‌ماند، که به آن تشبیه بلیغ یا فشرده می‌گویند.

| | |
|---------------------------------|-----------------------------------|
| بلم آرام چون قویی سبکبار | به نرمی بر سر کارون همی‌رفت |
| مشبّه: بلم (قایق) | مشبّه‌به: قو |
| ادات تشبیه: چون | وجه شبه: به نرمی رفتن |
| گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم | ورت به دست نیاید، چو سرو باش آزاد |
| مشبّه: (تو) | مشبّه‌به: نخل |
| ادات تشبیه: چو | وجه شبه: کریم و بخشیدن بودن |
| گرم و روشن بود | همچون شرم |
| مشبّه | مشبّه‌به |
| وجه‌شبه | ادات تشبیه |

تشبیه بلیغ: هرگاه از ارکان تشبیه، فقط مشبّه و مشبّه‌به یعنی فقط طرفین تشبیه آمده باشد آن تشبیه را، تشبیه بلیغ می‌گویند. تشبیه بلیغ به دو شکل می‌آید.

تشبیه بلیغ اسنادی: مشبّه + مشبّه‌به + فعل اسنادی: عشق آتش است، تو کوهی، سروی
 تشبیه بلیغ اضافی «اضافه تشبیهی»: مشبّه‌به + - یا ی + مشبّه: آتش هجران، کمند زلف

*توجه: اضافه تشبیهی، در معدود مواردی به صورت «مشبّه - یا ی + مشبّه‌به» می‌آید. یعنی مشبّه، جلوتر از مشبّه‌به می‌آید. مانند: لب لعل و قد سرو، روی ماه...

*توجه: درک تشبیه بلیغ، نسبت به تشبیه کامل، سخت‌تر است، در کنکور نیز بیشتر از تشبیه بلیغ استفاده می‌کنند.

| | |
|-----------------------------------|-------------------------------------|
| این عشق آتشی است که جان مرا گرفت | داغی به دل نهاد و دلم زان نشان گرفت |
| تو بهاری، تو بُتی، آتش جانی، سروی | من همان خاک رهم، آتش عشقت کفتم |
| هر چند زمین‌گیر بود دانه‌ی آمید | دست گرم ابر گهریار بلند است |
| تا خارِ غم عشقت، آویخته در دامن | کوتاه‌نظری باشد، رفتن به گلستان‌ها |

***توجه:** بعضی از تشبیه‌های اسنادی، کمی دریا تر می‌باشند و به دقت بیشتری نیاز دارند.

وصل، هجران است اگر دل‌ها ز یکدیگر جداست هجر، باشد وصل اگر دل‌ها به هم پیوسته است

ادات تشبیه: چو، چون، همچو، مثل، مانند، نظیر، به‌سان، به کردار، شبیه، به گونه‌ای که، آن‌سان که، به شیوه‌ی، به طرز، و ...

و فعل‌های «مانستن، ماند، گویی و گفتم» و موارد مشابه نیز می‌توانند ادات تشبیه باشند. همچنین کلماتی مانند «به رنگ، به

جای، در حکم، در حق و ...» نیز می‌توانند ادات تشبیه باشند و تشبیه بسازند. «آب در جای نور است»

«از عکس ریاحین او، پر زاغ چون دُم طاووس نمودی و در پیش جمال او دُم طاووس به پر زاغ مانستی.»

با اهل فنا دارد هر کس سر یک‌رنگی باید که به رنگ شمع از رفتن سر خندد

***نکته بسیار مهم:** تشبیه ممکن است به صورت یک واژه‌ی مشتق (وندی) و با پسوندهای شباهت مانند: «وش، گون، وار، سا،

آسا، دیس، انه و ...» آمده باشد.

از سوی خانه بیامد خواجه‌اش بر دکان بنشست، فارغ، خواجه‌وش

***نکته بسیار مهم:** تشبیه ممکن است به صورت یک واژه‌ی مرکب آمده باشد که قسمت دوم، مشبّه و قسمت اول مشبّه‌به

می‌باشد. مانند: سیم‌تن، سروقد، شاه‌خصلت، درویش‌مسلک، گدامنش و ...

ای سیم‌تن سیاه گیسو از فکر سرم سیاه کردی

وقتی که چاره‌ی دل عشاق می‌کنی درد مرا به نیم شکرخنده چاره کن

***توجه:** «چو» یا «چون» اگر معنای «وقتی یا وقتی که یا زیرا که» بدهند، ادات تشبیه نیستند و تشبیه نمی‌سازند.

چون نداری ناخن درنده تیز با ددان آن‌به، که کم‌گیری ستیز

چو آگاه شد دختر گزدهم که سالار آن انجمن گشت کم

***نکته:** تشبیه (مخصوصاً اضافه تشبیه‌ی) در نثر نیز بسیار به کار می‌رود.

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

فرآش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه‌ی ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد. درختان را به

خلعت نوروزی قبای سبز ورق در برگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.

باران رحمت: رحمت خداوند مانند باران گسترده است.

خوان نعمت: نعمت خداوند مانند خوان (سفره) پهن شده است.

فرآش باد صبا: باد صبا مانند فرآش (فرش گستراننده) در خدمت بود ...

دایه‌ی ابر بهاری: ابر بهاری مانند یک دایه در پرورش بود ...

بنات نبات: نباتات (گیاهان) مانند بنات (دختران) زیبا بودند و ...

مهد زمین: زمین مانند گهواره محل آرامش است.....

قبای سبز ورق: ورق (برگ‌ها) مانند پیراهنی سبز رنگ هستند که ...

اطفال شاخ: شاخه‌ها همچون کودکانی هستند که ...

کلاه شکوفه: شکوفه‌ها همچون کلاه هستند که ...

* توجه: مشبه، گاه ضمیر محذوف است که از شناسه فعل دریافت می‌شود.

خروشان و جوشان به کردار موج فراز آمدند از کران فوج فوج

(آن‌ها) به کردار موج خروشان و جوشان جمع شدند.

مشبه ادات تشبیه مشبهه وجه شبه

چون سیل ز پیچ و تاب صحرا می‌رفت همراه سحر، به فتح فردا می‌رفت

(او) چون سیل از پیچ و تاب صحرا می‌رفت.

مشبه ادات مشبهه وجه شبه

* نکته: در اضافه تشبیهی ممکن است واژه‌ای بین مشبهه و مشبه باید. در ترکیب «قبای سبز ورق»، «ورق» به «قبا» تشبیه شده است. و «سبز» صفت مشبهه است. در واقع «قبای ورق» اضافی تشبیهی است.

* توجه: کنکور، کوچکترین شباهت و تشبیهی را «تشبیه» می‌گیرد. مثلا عبارت «من مانند رضا مهربان هستم» در محیط دانشگاهی غالبا تشبیه گرفته نمی‌شود؛ چرا که به واقعیت نزدیک است ولی کنکور این را تشبیه می‌گیرد.

* نکته بسیار مهم: اخیرا کنکور «تشبیه مضمّر» یعنی تشبیه پنهانی و نامحسوس را، در سوالات کنکور می‌آورد. مثلا: دوست داشتم ماه را ببینم و عکست را دیدم. اینجا در ظاهر با تشبیه و ساختار تشبیه روبه‌رو نیستیم و ادات تشبیه هم نمی‌بینیم. (یعنی نه حالت تشبیه گسترده می‌بینیم و نه اضافه تشبیهی) ولی مشخص است که عکس یا چهره او به ماه تشبیه شده است. اینگونه تشبیه را که در ظاهر با ساختار تشبیه سروکار ندارد، تشبیه مضمّر می‌گویند.

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

چنین که سجده برم بی‌حفاظ پیش جمالت به عالمی شده روشن که آفتاب پرستم

۱- رکن نخست تشبیه در عبارت زیر، رکن دوم تشبیه در بیت گزینه‌ی است.

«چون به بصره رسیدیم، از برهنگی و عاجزی به دیوانگان مانده بودیم و سه ماه بود که موی سر، باز نکرده بودیم و می‌خواستیم

که در گرمابه روم؛ باشد که گرم شوم، که هوا سرد بود.»

زیر هر مویش دلی دیوانه در زنجیر بود
پیوسته چه چو ما در طلبِ عیش مدام است
هچو تو زُتار بر بندیدیم ما
دیوان خود به آه سحر می‌بریم ما

۱) چنگ در زنجیر زلفش چون زدم دیوانه‌وار
۲) با محتسبم عیب مگوید که او نیز
۳) این چنین تنهات نپسندیم ما
۴) هر کس به ما کند ستمی، همچو عاجزان

۲- در همه ابیات، تعداد تشبیه‌ها، یکسان است؛ به جز

پر چو پروانه کنم باز به پرواز امشب
بلبل ساز تو را دیده هم‌آواز امشب
چو آفتاب به افسر فرونمی‌آید
بلبل طبع مرا قافیه‌پرداز امشب

۱) گرد شمع رخت ای شوخ من سوخته‌جان
۲) مرغ دل در قفس سینه من می‌نالد
۳) سری که داغ جنون برگرفت از خاکش
۴) کرد شوق چمن وصل تو ای مایه‌ی ناز

۳- «وجه شبه» در همه ابیات محذوف است به جز

غمزه‌های تو طیبیب دل بیماران‌اند
بر من آمد وقت سپیده‌دم به سلام
بر مه کشید چنبر و در شیب فکند تاب
کوه را کی در رُباید تند باد

۱) طره‌های تو کمندافکن طراران‌اند
۲) بنفشه زلف من آن سروقد سیم‌اندام
۳) دیشب درآمد آن بُت مه‌روی شب‌نقاب
۴) کوه نی‌آم، کوهم، ز صبر و حلم و داد

۴- بخش مشخص‌شده‌ی گزینه‌ی ، رکن متفاوتی از ارکان تشبیه‌ی است.

(تیغ) صیدی که از کمندت، آزاد رفته باشد
(من) تاخت بر ملک سلیمان می‌زنم
(او) در خون نشسته باشم، چون باد رفته باشد
(ثنا) بر کُمیت خامه جولان می‌زنم

۱) خونش به تیغ حسرت، یا رب حلال بادا
۲) مورم و گر لطف او باشد رفیق
۳) آه از دمی که تنه‌ها، با داغ او چو لاله
۴) روز و شب در صحن میدان ثناش

استعاره

استعاره در لغت یعنی «به عاریت گرفتن و قرض گرفتن» اما در اصطلاح ادبی، آرایه‌ای است که یک واژه در معنای واژه‌ی دیگر به کار می‌رود. مثلاً بگوئیم «سرو» و منظورمان «معشوق» باشد.

***توجه:** این تعریف مشابهتی به مجاز دارد و درست هم است. زیرا استعاره در واقع، مجازی است که رابطه بین واژه‌ی آمده و واژه‌ی مد نظر «شابهت» است. به هر حال استعاره، هم از راه مجاز قابل فهم است، هم از راه تشبیه. که در این بخش از راه تشبیه به آن پرداخته‌ایم.

***توجه:** قبل از این که وارد بحث شویم ذکر این نکته ضروری است که دو نوع استعاره وجود دارد. استعاره مصرّحه (آشکار) و استعاره مکنّیه (پنهان). منظور از استعاره، معمولاً استعاره مصرّحه است. اما اگر در کنکور به نوع آن اشاره نشده باشد، استعاره مصرّحه و یا مکنّیه را استعاره می‌گیریم.

۱- استعاره مصرّحه

گفتم که استعاره از تشبیه حاصل می‌شود و هرگاه شاعر از ارکان تشبیه، فقط مشبّه‌ه را بی‌آورد استعاره مصرّحه می‌شود.

سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند / همدم گل نمی‌شود، یاد سمن نمی‌کند

شاعر برای خلق مصراع اول، ابتدا در ذهن خود این تشبیه را ساخته است:

معشوق من که مانند سرو راست قامت و بلندقامت است چرا...
مشبه ادات تشبیه مشبّه‌ه وجه شبه

سپس از این تشبیه فقط مشبّه‌ه را خارج کرده و در شعر به کار برده است. این کار را استعاره مصرّحه یا با تخفیف «استعاره» می‌گویند.

سؤالی که پیش می‌آید این است که از کجا بدانیم «سرو»، مشبّه‌ه یک تشبیه است و در معنای اصلی خود به کار نرفته است؟

پاسخ راحت است. زیرا وجود کلمه «چمان» به معنی «رونده» اعلام می‌دارد که «سرو» در معنای واقعی خود به کار نرفته است. مثلاً در عبارت «من سروی دیدم» ما نمی‌توانیم ادعا کنیم که «سرو» استعاره از «معشوق» است. چون هیچ قرینه‌ای وجود ندارد که ما را از معنای وضع شده و قاموسی برای «سرو» منصرف کند. اما در ترکیب «سرو چمان» واژه‌ی «چمان» نشانه‌ای (قرینه‌ی صافه) است که ما را از معنای اصلی «سرو» منصرف می‌کند. در واقع برای به کارگیری استعاره مصرّحه یا باید قرینه‌ای در لفظ کلام باشد یا این که محتوای کلام نشان بدهد که آن کلمه در معنای اصلی خود به کار نرفته است. مثلاً در بیت زیر واژه‌ای وجود ندارد که نشان دهد «اژدها» معنای استعاری دارد، اما با توجه به داستان جنگ خندق، می‌دانیم که حضرت علی (ع) با اژدها مبارزه نکرده است و «اژدها» استعاره از عمرو بن عبدود است.

به جز بازوی دین و شیر خدا که شد طالب رزم آن **اژدها** شاعر «اژدها» را از همچنین ترکیبی خارج کرده است.

عمرو بن عبدود مانند **اژدها** خطرناک بود. مشبه ادات تشبیه **مشبه‌به** وجه شبه

***نکته بسیار مهم:** ما می‌توانیم به معشوق بگوییم: چشمت، زلفت، لبت و ... ولی ترکیباتی مانند: **نرگست، کمندت، لعلت، سنبلت، شکر، یاقوت** و ... استعاره مصرّحه می‌باشند.

نمونه‌های دیگر استعاره مصرّحه:

ای شمع که ما را به سخن شیفته کردی **معشوق**
پروانه خود را مکش از چرب‌زبانی **عاشق**

خمارین نرگسان را کرد پُرآب **چشم**
به گل بر ریخت مروارید خوشاب **گونه، صورت** **اشک چشم**

یکی درخت گل اندر میان خانه ماست **معشوق**
که سروهای چمن پیش قامتش پستند

۲- استعاره مکنیه

در مبحث استعاره مصرّحه گفتیم که شاعر ابتدا یک تشبیه در ذهن خود می‌سازد و از آن تشبیه، **مشبه‌به** را خارج می‌کند. در استعاره مکنیه نیز شاعر ابتدا یک تشبیه در ذهن خود می‌سازد و از آن تشبیه، **مشبه** و **وجه شبه** را خارج می‌کند و در جمله‌ای به کار می‌گیرد.

به جمله مقابل توجه کنید. «دستِ سرنوشت ما را از هم جدا کرد.»

سرنوشت مانند انسان با دستش ما را از هم جدا کرد. **مشبه** ادات تشبیه **مشبه‌به** **وجه شبه یا ویژگی مشبه‌به**

***توجه:** هر استعاره‌ای، چه مصرّحه و چه مکنیه، برای اینکه نشان بدهند در معنای حقیقی به کار نرفته‌اند، به **قرینه‌ی صارفه** نیاز دارند. در عبارت فوق، وجود «دست» برای قضا و قدر، قرینه است. از این قرینه در می‌یابیم که در ذهن شاعر تشبیهی رخ داده است و آن تشبیه را بازسازی می‌کنیم.

همان‌طور که می‌بینیم از تشبیه فوق «**مشبه** و **ویژگی مشبه‌به**» آمده است. این ترکیب را استعاره مکنیه می‌گویند. در واقع استعاره مکنیه آرایه‌ای است که به موجب آن شاعر «**مشبه** و **ویژگی مشبه‌به**» را در تشبیهی که در ذهن ساخته است در عبارتی دیگر به کار می‌گیرد.

«و مرگ به روی آن‌ها لبخند می‌زد»

قرینه صافه در عبارت فوق این است که «مرگ نمی‌تواند لبخند بزند». پس در ذهنمان با همچین زیرساختی روبه‌رو می‌شویم. همانطور که می‌بینیم در متن مدّ نظر «مشبه و ویژگی مشبه به» آمده است.

| | | | | | |
|------|------------|---------|--------------|---------------|--------|
| مرگ | مانند | انسانی | به روی آن‌ها | لبخند | می‌زد. |
| مشبه | ادات تشبیه | مشبه به | | ویژگی مشبه به | |

به استعاره‌های مکنیه زیر دقت کنید.

۱- بشنو از نی چون حکایت می‌کند از جدایی‌ها شکایت می‌کند

نی نمی‌تواند از موضوعی حکایت و شکایت کند. ← نی مانند یک انسان حکایت یا شکایت می‌کند ← استعاره مکنیه
۲- به صحرا شدم عشق باریده بود.

عشق نمی‌تواند ببارد. ← عشق مانند باران باریده بود. ← استعاره مکنیه

۳- پرید از رخ کفر در هند رنگ تپیدند بت‌خانه‌ها در فرنگ

کفر رخ ندارد. ← کفر مانند یک انسان، رخ دارد که رنگ از آن می‌پرد ← استعاره مکنیه

۴- در آفاق گشاده است، ولیکن بسته است از سر زلف تو در پای دل ما زنجیر

آفاق در ندارد. ← آفاق مانند یک خانه، دری دارد که باز شده است. ← استعاره مکنیه

چه تفاوتی در مثال‌های ۱ و ۲ با مثال‌های ۳ و ۴ وجود دارد؟

استعاره مکنیه در مثال‌های ۳ و ۴ به صورت **اضافه‌ی استعاری** و در مثال‌های ۱ و ۲ **غیراضافی** و آمده است.

چه تفاوتی در مثال‌های ۱ و ۳ با مثال‌های ۲ و ۴ وجود دارد؟ مشبه به محذوف در مثال‌های ۱ و ۳ انسان می‌باشد و در مثال‌های ۲

و ۴ غیر انسان. هرگاه در استعاره مکنیه، مشبه به محذوف «انسان» باشد، آن استعاره مکنیه، **تشخیص** هم دارد.

با توجه به مثال‌های فوق، چهار حالت برای استعاره مکنیه وجود دارد:

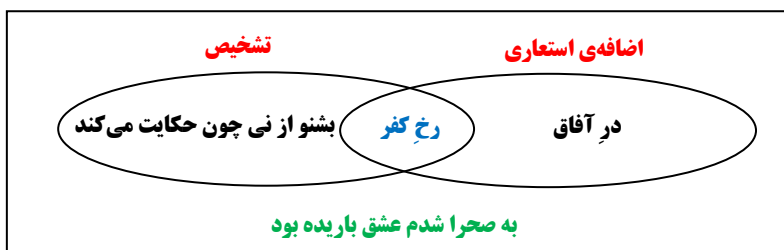
الف - استعاره مکنیه: **اضافه استعاری** باشد، **تشخیص** هم باشد. (مثال ۳)

ب - استعاره مکنیه: **اضافه استعاری** باشد، **تشخیص** نباشد. (مثال ۴)

ج - استعاره مکنیه: **اضافه استعاری** نباشد، **تشخیص** باشد. (مثال ۱)

د - استعاره مکنیه: **اضافه استعاری** نباشد. **تشخیص** هم نباشد. (مثال ۲)

انواع استعاره مکنیه



***توجه:** هرگاه غیر جاندار منادا قرار بگیرد، تشخیص و استعاره مکنیه می‌باشد.

ای نسیم سحر، آرامگه یار کجاست منزل آن مه عاشق‌کش عیار کجاست

صبا بر آن سر زلف ار دل مرا بینی ز روی لطف بگوش که جا ننگه دارد

***نکته بسیار مهم:** وقتی می‌گوییم «ای ماه فدای چشم مست» در این حالت استعاره مصرحه داریم. چون ما با خود ماه صحبت

نمی‌کنیم. ولی در مصراع «امشب ای ماه به درد دل من تسکینی» اینجا استعاره مکنیه داریم. زیرا شاعر با خود ماه دارد صحبت می‌کند.

***یادآوری:** هر تشخیصی استعاره مکنیه است ولی هر استعاره مکنیه‌ای، تشخیص نیست.

***یادآوری:** هر اضافه استعاری‌ای، استعاره مکنیه است ولی هر استعاره مکنیه‌ای، اضافه استعاری نیست.

***نکته:** در اضافه‌ی استعاری، ممکن است واژه‌ای بین «ویژگی مشبه‌به» و «مشبه» آمده باشد. در ترکیب «دست سبز روزگار»، «دست»

ویژگی مشبه‌به، «روزگار» مشبه و «سبز» صفت است. در واقع «دست روزگار» اضافه‌ی استعاری است.

«اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.»

نکته: باید استعاره‌های مصرحه پُر کاربرد یا واژگان مستعد استعاره را را بشناسیم.

سرو: قد معشوق نرگس: چشم معشوق لعل: لب معشوق سنبل: موی معشوق یاقوت: لب معشوق کمند: موی معشوق

شکر: لب معشوق زرد: چهره زرد عاشق مس: چهره شاداب مروارید: اشک بادام: چشم انار: لب سیب: صورت یا گونه

زاله: اشک گل: صورت یا گونه شب: موی معشوق روز: صورت کفر: موی معشوق ایمان: صورت معشوق

***توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست

کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث

عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سمعی).

در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام

ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات

به آیدی بنده در تلگرام (@aboozar_ahmadi۶۳) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

استعاره‌های به کار رفته در ابیات زیر را مشخص کنید.

- ۱ - در قدم‌های خیال تو به دامن هر دم
چشم دریادل من لولو لالا می‌ریخت
- ۲ - چو در رویت بخندد گل مشو در دامش ای بلبل
که بر گل اعتمادی نیست گر حسن جهان دارد
- ۳ - به نرگس گل و ارغوان را بشسست
که بیمار بد نرگس و گل درست
- ۴ - کشته چاه زنخندان تو آم کز هر طرف
صد هزارش گردن جان زیر طوق غنغ است
- ۵ - بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایه‌بان دارد
بهار عارضش خطی بسه خون ارغوان دارد
- ۶ - زاله از نرگس فرو بارید و گل را آب داد
وز تگرگ روح پرور مالش عتاب داد
- ۷ - ماهم این هفته برون رفت و به چشمم سالی است
حال هجران تو ندانی که چه مشکل حالی است
- ۸ - ببین که مرغ چمن دم‌به‌دم هزار سلام
به دست باد صبا می‌کند به باغ ابلاغ
- ۹ - می اندر کف ساقی بی‌حجاب
سهیلی است در پنجه آفتاب
- ۱۰ - کشتی خرد است دست در وی زن
تا غرقه نگردي اندر این دریا
- ۱۱ - سبک در خواب چشم نرگس مست
ز آشامیدن رطل گران شد
- ۱۲ - در وداع شب همانا خون گریست
روی خون‌آلود زان بنمود صبح
- ۱۳ - چه خفته‌اند در این کاروانسرا مردم
که این محل عبور است نه مکان حضور
- ۱۴ - ای بسا شب که من خشک‌لب از حسرت تو
بر زمین ریختم از دیده‌ی تر مروارید
- ۱۵ - یا رب این آتش که پنهان دارمش در لوح سینه
گر برافروزد بسوزد بند بند استخوان را
- ۱۶ - عاقبت دست بدان سرو بلندش برسد
هر که را در طلب همت او قاصر نیست
- ۱۷ - منم چو شمع و غم عشق دوست چون آتش
مرا نصیبه از آن آتش است سوز و گداز
- ۱۸ - غلام نرگس مست تو تاجدارنند
خراب باده‌ی لعل تو هوشیارانند

نرگس مخمور را میخانه‌ای در کار نیست
در جهان آب و گل آزاده‌ای چون من کجاست
کیمیای شعله خس را آتشین سیما کند
بباید ساخت با جوری که از باد خزان آید
شکر بریزد از آن پسته دهان که تو راست
از تیره‌شب بپرس که او نیز محرم است
تشنه است کاندرا آبخور آتشین گریخت
سرد کن زان سان که کردی بر خلیل
مشک اگر در حلقه آید بشکند بازار خویش
گل دست گشوده است که دامان تو گیرد
من که عمری شد بلای آسمانی می‌کشم
به خدمت تو که از بنده گشته‌ای آزاد
کز این روشن بیان فانوس شمع طور شد گوشم
در کشوری که برق هوادار خرمن است
بادهی صاف دایمت در قدح و پیاله باد
و گر نه شرح دهم با تو داستان فراق
زیرا که آن مه بیشتر در ابرها پنهان شود
این مست دل‌سیه را من هوشیار کردم

۱۹- چهره گلرنگ را پیمانهای در کار نیست
۲۰- سایه‌آم چون سرو بر دوش گلستان بار نیست
۲۱- لاله‌زاری شد به چشم من جهان از نور عشق
۲۲- زمین باغ و بستان را به عشق باد نوروزی
۲۳- به خنده، ای بت بادم‌چشم شیرین‌لب
۲۴- خواهی چو روز روشن دانی تو حال من
۲۵- خاکی دلم که در لب آن نازنین گریخت
۲۶- یا رب این آتش که در جان من است
۲۷- در سر بازار چین با سنبل سوداگرت
۲۸- از بس که شتابان و گریزان چون نسیمی
۲۹- دست و پا گم می‌کنم زان نرگس نیلوفری
۳۰- به قامت تو که شد سرو سرکشش بنده
۳۱- مشو از حرف عشق ای خامه‌ی آتش‌زبان خامش
۳۲- طالع نگر که کشت امیدم ز آب سوخت
۳۳- ای مه برج منزلت چشم و چراغ عالمی
۳۴- زبان خامه ندارد ســـــر بیان فراق
۳۵- دانی چرا چون ابر شد در عشق چشم عاشقان
۳۶- هرگز به خون مردم مایل نبود چشمش

که رستم از همه تا صيد اين کمند شدم
 هم خسته کمانيم هم بسته کمنديم
 به مرگي که بي دوستان زيستم من
 آسمان چون ديده قربانيان حيران اوست
 که در ميان دو دريـاي خون فتاده نشستم
 خورشيد رفته است سر شب سراغ ماه
 اما دريغ زهره درياشـدن نداشت
 خسروي بايد که نوشم زان لب شيرين‌شکر
 از رشک رخس هر شب آخر سپر اندازد
 خرد ضعيف چو عهد حباب مي‌بيند
 هزار نعره خونين به سينه سخن است
 چو درد مي‌خواهم داشت دست از دامن مينا

۳۷ - کمند زلف تو سر حلقه‌ي نجات من است
 ۳۸ - از طاق ابروانت وز تار گيسوانت
 ۳۹ - در اين غمکده کس مميراد يا رب
 ۴۰ - آتشين رويي که نعل من از او در آتـش است
 ۴۱ - ز گريه آخرم اين شد نتيجه در پي زلفش
 ۴۲ - ماه آمده به ديدن خورشيد صبح زود
 ۴۳ - بسيار رود بود در آن برزخ کبود
 ۴۴ - نيشکر بايد که بندد پيش آن لبها کمر
 ۴۵ - خورشيد که هر روزي بس تيغ‌زنان آيد
 ۴۶ - دلا مگرد به عهدش قوي که عهد حبيب
 ۴۷ - اشاره شيوه‌ي لبهاي دوخته است، ار نه
 ۴۸ - اگر اين بار مي‌آيد به دستم گردن مينا

۵- در بیت زیر مجموعاً چند استعاره وجود دارد؟

چو تنها ماند ماه سروبالا

فشاند از نرگسان لولوی لالا

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۶- آرایه استعاره در کدام بیت بیشتر است؟

(۱) به خنده از لب خود پُرشکر کنی دامن

(۲) هرکجا نقاش، نقش قامت و لعلش کشید

(۳) دل در اندیشه آن زلف گره گیر افتاد

(۴) به چون تو محتشمی بی بها سخن ندهم

مرا چو چشم دراندازد از گریبان، دُر

جلوه طوبی نگر، سرچشمه کوثر بین

عاقلان مژده که دیوانه به زنجیر افتاد

بده ز لعل شکر بار قند و بستان دُر

۷- کاربرد واژه مشخص شده کدام بیت استعاری نیست؟

(۱) دیشب درآمد آن بیت مه روی شب نقاب

(۲) رخسارش آتش و دل بیچارگان سپند

(۳) من آنم که در پای خوکان نریزم

(۴) می زد گلاله بر گل و هر لحظه می شکست

بر مه کشید چنبر و در شب فکند تاب

لعل لبش می و جگر خستگان کباب

مر ایمن قیمتی لفظ در دری را

بر من به عشوه گوشه بادام نیم خواب

۸- در کدام بیت آرایه «استعاره» بیش تر از سایر گزینه هاست؟

(۱) در جواب از تنگ شگر قند ریخت

(۲) ای گل خوش نسیم من، بلبل خویش را مسوز

(۳) آن مرغ که بر کنگره عرش نشیند

(۴) گلها همه سر ز خاک بیرون کردند

شگر از لبهای شگر خند ریخت

کز سر صدق می کند، شب همه شب دعای تو

ماییم که طاووس گلستان جنانیم

الا گل من که سر فرو برد به خاک

۹- تعداد استعاره ها در کدام گزینه کمتر است؟

(۱) آیینه ات دانی چرا غماز نیست

(۲) گلبرگ را ز سنبل مشکین نقاب کن

(۳) ژاله از نرگس فروبارید و گل را آب داد

(۴) دست تقدیر او ز دامن شب

چون که زنگار از رخسار ممتاز نیست

یعنی که رخ بیوش و جهانی خراب کن

وز تگرگ روح پرور مالش عتاب داد

بر رخ روز می فشاند گرد

مجاز

مجاز (ناپهاده) در مقابل حقیقت (پهاده) قرار می‌گیرد و در اصطلاح ادبی، معنای غیرحقیقی از یک واژه است. مثلاً معنای حقیقی «نگین» خود نگین است اما در بیت زیر در معنای مجازی آن یعنی «انگشتر» به کار رفته است.

برو ای گدای مسکین، در خانه‌ی علی زن
که نگین پادشاهی، دهد از کرم گدا را

می‌دانیم که حضرت علی (ع) در رکوع «انگشتر» خود را به گدا داد نه «نگین» آن را.

***توجه:** ما نمی‌توانیم بدون هیچ رابطه‌ای یک کلمه بگوئیم و معنای دیگر و مجازی از آن برداشت کنیم، مگر آن‌که بین معنای حقیقی و

مجازی رابطه‌ای وجود داشته باشد. مهم‌ترین رابطه‌هایی که در سطح کنکور عمومی اهمیت دارد، موارد زیر است:

***توجه:** دانستن این رابطه‌ها (یا علاقه‌ها) در سطح کنکور عمومی الزامی نیست.

۱- **شباهت:** این رابطه همان **استعاره مصرّحه** است که رابطه‌ی بین واژه‌ی به کار رفته و معنای مجازی، «شباهت» است.

ما ز آغاز و ز انجام جهان بی‌خبریم
اول و آخر این کهنه‌کتاب افتاده است

کهنه‌کتاب مجاز یا استعاره مصرّحه از **جهان** است. رابطه‌ی شباهت بین آن‌ها «قدیمی‌بودن» است.

۲- **محلّیه:** یکی از پرکاربردترین مجازها، مجاز با علاقه محلّیه است که شاعر «محلّ» را می‌آورد و به طور مجازی قصدش آن

چیزی است که در آن محل قرار دارد (حال). فلانی انسان **جگر** داری است. جگر مجاز از شجاعت است.

دل **عالمی** بسوزی، چو عذار برفروزی
تو از این چه سود داری، که نمی‌کنی مدارا

منظور از «عالم»، «مردم عالم» است که در عالم جای دارند.

یکی **دشت** با دیدگان پُر ز خون
که تا او کی آید ز آتش برون

منظور از «دشت»، «مردم دشت» است که در دشت جای دارند.

سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی
چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی

منظور از «سر»، «قصد و اندیشه» است که در سر جای دارد. (توجه: «سر» یکی از مجاز محلّیه‌های مهم و پُر تکرار است.)

۳- **جزئیّه:** در این مجاز، جزئی از چیزی را می‌آورند ولی منظور **کلّ** آن چیز است. (معمولاً مهمترین جزء را می‌آورند.)

لیک چنان خیره و خاموش ماند
کز همه شیرین‌سخنی، گوش ماند

منظور از «گوش»، «فرد شنونده» است که گوش، مهمترین جزء برای فرد شنونده است.

به یاد روی شیرین **بیت** می‌گفت
چو آتش تیشه می‌زد کوه می‌سفت

منظور از «بیت»، «شعر» است که بیت، جزء مهمی از شعر است.

به خون گر کشی **خاک** من، دشمن من
بجوشد گل اندر گل از گلشن من

منظور از «خاک»، «کشور» است که خاک، جزء اعظمی از کشور است.

۴- **کلّیه:** کلّ یک چیز را بگویند و **جزئی** از آن منظور باشد.

دست در حلقه‌ی آن زلف دو تا نتوان کرد
تکیه بر عهد تو و باد صبا نتوان کرد
منظور «انگشتان دست» است که «دست» برای آن حکم «کلّ» دارد.

سپید شد چو درخت شکوفه دار **سرم**
وز این درخت همین میوه غم است برم
منظور «موی سر» است که «سر» برای آن حکم «کلّ» دارد.

۵- **لازمیه (همراهی):** شاعر لازمه انجام یک کاری را می‌آورد و منظور خود آن کار است. مثلاً لازمه کشتن یک شخص، ریختن خون او است.

محتاج قصّه نیست، گرت قصد **خون** ماست
چون رخت از آن توست، به یغما چه حاجت است؟

۶- **آئیه (ابزار):** شاعر یا نویسنده آلت (ابزار) انجام کاری را ذکر می‌کند و منظور کاری است که با آن ابزار انجام می‌شود. مانند: آن که می‌گوییم فلانی **قلم** خوبی دارد و منظورمان **سبک نوشتن یا تفکر** است.

در پیشگاه اهل خرد نیست، محترم
هر ملّتی که مردم صاحب **قلم** نداشت
صاحب قلم یعنی صاحب اندیشه و تحلیل، و قلم یکی از ابزارهای اندیشه و تفکر است.

ای که **دستت** می‌رسد، کاری بکن
پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار
«دست» گفته ولی منظورش «**قدرت و توانایی**» است.

* **توجه:** مجازها با رابطه‌های بسیاری شکل می‌گیرند. مثلاً **جنس** یک چیز را به جای خود آن می‌آورند. چنانچه شاعر در بیت زیر «پولاد» را گفته و منظورش «شمشیر» است.

در آن باران تیر و برق **پولاد**
یا **رنگ** یک چیز را بگوید و منظور، خود آن چیز باشد. مثلاً در بیت زیر شاعر **رنگ اسب** را گفته و **خود اسب** را در نظر دارد.
سیاوش **سیه** را به تندی بتاخت
نشد تنگ‌دل، جنگ آتش بساخت

* **نکته بسیار مهم:** ممکن است ظرف یک چیزی را بگوییم و منظورمان آن چیزی باشد که درون ظرف است. مثلاً می‌گوییم فلانی دو **بشقاب** خورد. و منظورمان آن چیزی است که درون بشقاب است. از مهمترین موارد آن در ابیات مانند نوشیدن **جام و پیاله** می‌باشد. و برعکس این نیز وجود دارد و درون ظرف را می‌گوییم و منظورمان خود ظرف و محتوای آن است. مثلاً می‌گوییم فلانی چای در دست وارد شد. و منظورمان فنجان و چای است.

هر کجا رندی است در میخانه ای
جرعه‌ای از **جام** ما نوشیده‌اند
گل در بر و **می** در کف و معشوق به کام است
سلطان جهانم به چنین روز غلام است
* **توجه:** آمدن دو واژه متضاد به صورت معطوف، مجاز می‌سازد. مثلاً وقتی از دوستان می‌پرسیم لباس‌های چه رنگی بیاورم و او می‌گوید: «سفید و سیاه» بیاور. یعنی همه رنگ‌ها را بیاور. هر رنگی که داری بیاور.

* **توجه:** پس از حل تمرین صفحه بعد سعی کنید واژگان مستعد مجاز را بشناسید.

در ابیات زیر مجاز به کار رفته را مشخص کنید.

- ۱- گر به خون تشنه‌ای اینک من و سر باکی نیست
که به فتراک تو به زان که بود بر بدنم
- ۲- ای رقیب این همه سودا مکن و جنگ مجوی
بر کنم دیده که من دیده از او برنکنم
- ۳- لب سعدی و دهانت ز کجا تا به کجا
این قدر بس که رود نام لب‌ت بر دهنم
- ۴- هر کجا رندی است در میخانه‌ای
جرعه‌ای از جام ما نوشیده‌اند
- ۵- توبه بر لب، سبحة بر کف، دل پر از شوق گناه
معصیت را خنده می‌آید ز استغفار ما
- ۶- هر چند که سر در سر داستان تو کردیم
با این همه داستان نتوان داد ز دستت
- ۷- بیخی نشان که دولت باقی‌ت بر دهد
کاین باغ عمر گاه بهارست و گاه خزان
- ۸- معجز ز سر سپید بگشاد
موی چو سمن به باد برداد
- ۹- می اندر کف ساقی بی حجاب
سهیلی است در پنجه آفتاب
- ۱۰- کشتی خرد است دست در وی زن
تا غرقه نگردي اندر این دریا
- ۱۱- سبک در خواب چشم نرگس مست
ز آشامیدن رطل گران شد
- ۱۲- اگر جهان همه دشمن شود به دولت دوست
خبر ندارم از ایشان که در جهان هستند
- ۱۳- فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید
شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد
- ۱۴- عالمی را روی شرم آلود او دیوانه کرد
شمع در فانوس کار یک جهان پروانه ساخت
- ۱۵- بیا در جلوه ای سرو روان تا جان برافشانم
بیفشان زلف کافر کیش تا ایمان برافشانم
- ۱۶- آن پی مهر تو گیرد که نگیرد پی خویشش
و آن سر وصل تو دارد که ندارد غم جانش
- ۱۷- پیش دیوار آنچه گویی گوش دار
تا نباشد از پس دیوار گوش
- ۱۸- غلام نرگس مست تو تاجدارنند
خراب باده‌ی لعل تو هوشیارانند

تکیه بر عهد تو و باد صبا نتوان کرد
سلطان جهانم به چنین روز غلام است
که گر فاش گردد شود روی زرد
خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است
آنچه سلطان ازل گفت بکن آن کردم
در موسم گل چرا مشویش باشد
چو زنبور عسل از خوردن گل
که زندگانی خود را بر انجمن بخشد
دانم که بار دیگر رخصت دهی به خونم
و آن دم که قبا پوشی پیش کمرت میرد
عجب گر آتش این زرق در دفتر نمی‌گنجد
جز آویختن نیست پاداش این
کز این روشن بیان فانوس شمع طور شد گوشم
در کش می و خاموش کن فرهنگ بی‌فرهنگ را
هزار مرتبه عشق از غم جدایی داد
ز درگاهش رسد بر ماه و پروین
زنده بدو داد روشنایی کیهان
موحدی است که در سینه کفر و دین دارد

۱۹- دست در حلقه‌ی آن زلف دو تا نتوان کرد
۲۰- گل در بر و می در کف و معشوق به کام است
۲۱- چرا گوید آن چیز در خُفیه مرد
۲۲- همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد
۲۳- نقش مستوری و مستی نه به دست من و توست
۲۴- آن را که می و مطرب دلکش باشد
۲۵- منم از خوردن غم‌های تو شاد
۲۶- مسلم است بر آن شمع‌ها سرافرازی
۲۷- گر خون خود بریزم صد بار در غم تو
۲۸- جوزا چو قدح نوشی پیش تو کمر بندد
۲۹- صراحی می‌کشم پنهان و مردم دفتر انگارند
۳۰- نباید که باشی تو اندر زمین
۳۱- مشواز حرف عشق ای خامه آتش زبان خامش
۳۲- جام صبوحی نوش کن قول مغنی گوش کن
۳۳- سزای من که دمی خرم از وصال شدم
۳۴- هم اکنون بانگ کوس و نای رویین
۳۵- آن ملک عدل و آفتاب زمانه
۳۶- کسی که نقش رخ و زلف توست در دل او

- ۳۷ - یـک دل و یـک جا در خانه زر منزل کن
 ۳۸ - زلف تو مرا عمـر دراز است ولی نیست
 ۳۹ - گر امشب صبحدم سردی کند در مجلس گرم
 ۴۰ - پیمانهام ز رعشه پیری بـه خاک ریخت
 ۴۱ - دل عالمی بسوزی چـو عـذار برفروزی
 ۴۲ - که لیلی گر چه در چشم تو حوری است
 ۴۳ - بسیار رود بود در آن برزخ کبود
 ۴۴ - سرّ من از ناله من دور نیست
 ۴۵ - چو تویی قضای گردان به دعای مستمندان
 ۴۶ - لب و دندان سنائی همه توحید تو گوید
 ۴۷ - سینه خواهم شرح شرحه از فراق
 ۴۸ - اگر رفت و آثار خیرش نماند
- آنچنان دان که خود این خانه خریدی با زر
 در دست سر مویی از آن عمر درازم
 به آه سینه برخیزم چـراغ صبح بنشانم
 بعد از هزار دور که نوبت به من رسید
 تو از این چه سود داری که نمی‌کنی مدارا؟
 به هر جزئی ز حسن او قصوری است
 اما دریغ زهره دریاشدن نداشت
 لیک چشم و گوش را آن نور نیست
 که ز جان ما بگردان، ره آفت قضا را
 مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی
 تا بگویم شرح درد اشتیاق
 نشاید پس از مرگش الحمد خواند

| | |
|---|--|
| ۱ - خون مجاز از کشتن | ۲ - دیده در مصراع دوم مجاز از نگاه و نظر |
| ۳ - دهن مصراع دوم مجاز از سخن | ۴ - جام مجاز از شراب |
| ۵ - لب، کف، دل مجاز از دهان، کف دست، وجود | ۶ - سر (دوم) مجاز از قصد و نیت |
| ۷ - بیخ مجاز از درخت | ۸ - سر مجاز از موی سر |
| ۹ - می مجاز از جام می و کف مجاز از کل دست | ۱۰ - دریا مجاز از دنیا |
| ۱۱ - رطل مجاز از محتویات درون آن است | ۱۲ - جهان مجاز از مردم جهان |
| ۱۳ - فردا مجاز از روز قیامت | ۱۴ - عالم مجاز از مردم عالم و عالمیان |
| ۱۵ - سرو روان مجاز و استعاره از معشوق | ۱۶ - سر مجاز از قصد و نیت |
| ۱۷ - گوش مجاز از انسان شنونده و جاسوس | ۱۸ - نرگس مجاز و استعاره مصرحه از چشم |

| | |
|---|---|
| ۱۹ - دست مجاز از انگشت | ۲۰ - می مجاز از جام یا پیاله شراب |
| ۲۱ - مرد مجاز از انسان | ۲۲ - چمن مجاز از باغ و بوستان |
| ۲۳ - دست مجاز از اراده و اختیار | ۲۴ - گل مجاز از بهار |
| ۲۵ - گل مجاز از شهد گل | ۲۶ - انجمن مجاز از حاضران |
| ۲۷ - خون در مصراع دوم مجاز از کشتن | ۲۸ - قذح مجاز از محتویات داخل آن |
| ۲۹ - صراحی مجاز از شراب یا محتویات صراحی | ۳۰ - زمین مجاز از جهان |
| ۳۱ - حرف مجاز از سخن | ۳۲ - جام مجاز از شراب |
| ۳۳ - دم مجاز از لحظه | ۳۴ - ماه و پروین مجاز از آسمان |
| ۳۵ - آفتاب مجاز از خورشید | ۳۶ - سینه مجاز از دل |
| ۳۷ - زر مجاز از سکه‌ی زر و خانه نیز مجاز از دل است. | ۳۸ - دست مجاز از انگشتان دست |
| ۳۹ - سینه مجاز از دل | ۴۰ - پیمانانه مجاز از شراب |
| ۴۱ - عالم مجاز از مردم عالم | ۴۲ - چشم مجاز از دیدگاه |
| ۴۳ - زهره مجاز از جرأت | ۴۴ - نور مجاز از قدرت فهم |
| ۴۵ - جان مجاز از وجود | ۴۶ - لب و دندان مجاز از کل وجود |
| ۴۷ - سینه مجاز از انسان | ۴۸ - الحمد مجاز از سوره فاتحه (یا حمد و سوره) |

۱۰- کدام بیت «مجاز» ندارد؟

در مجلس ما، ماه رخ دوست تمام است
خدا داند چه افسرها که رفته
سر ندارد آن که بنهد پا در این ره، سرسری
من در میان جمع و دلم جای دیگر است

۱) گو شمع میارید در این جمع که امشب
۲) ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک
۳) دل نبیند آن که باشد جسم و جان را زو حجاب
۴) هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟

۱۱- در همه ابیات آرایه مجاز به کار رفته است، به جز گزینه

خنجر به قصد خون مسلمان برآورد
مگر روزی که از این بند غم آزاد می‌گردد
که تو آشفتنه مایی سر اغیار نداری
وز دست تو هیچ دست بالاتر نیست

۱) هر لحظه چشم ترک تو چون کافران مست
۲) به زندان قفس مرغ دلم چون شاد می‌گردد
۳) خنک آن دم که بگویی که بیا عاشق مسکین
۴) از تو به که نالم که دگر داور نیست

۱۲- در کدام گزینه، هیچ واژه‌ای در معنای غیر حقیقی به کار نرفته است؟

که به فتراک تو به، زان که بُود بر بدنم
من، نه آنم که توانم که از او برشکنم
برکنم دیده که من دیده از او برکنم
این قدر بس که رود نام لبست بر دهنم

۱) گر به خون تشنه‌ای اینک من و سر باکی نیست
۲) بر شکست از من و از رنج دلم باک نداشت
۳) ای رقیب این همه سودا مکن و جنگ مجوی
۴) لب سعدی و دهانت ز کجا تا به کجا؟

۱۳- واژه «شمشير» در کدام گزينه مفهوم مجازي دارد؟

به خون بدکنشان خاک او شود معجون
در ملک به فرمان تو شد کاسته بيداد
خسته با شمشير به يـا بسته در زنجير و بند
شمشير تـيز يـاي، فرمان تازه بيني

(۱) در آن ديار که شمشير تو برهنه شود
(۲) در شرع به شمشير تو شد سوخته بدعت
(۳) هر که با يزدان و پيغمبر محارب شد، تنش
(۴) پروانه غمش را هر دم به خون خلقي

۱۴- در ابیات زیر، مجموعاً چند واژه در معنی مجازی به کار رفته‌اند؟

غم آمد جهـان را از آن کار بهر
تکيه بر عهد تو و باد صبا نتوان کرد
به راه مملکت فـرزند و زن را
فروشد تا برآمد یک گل زرد
(۳) هفت (۴) هشت

(الف) خروشی برآمد ز دشت و ز شهر
(ب) دست در حلقه آن زلف دو تا نتوان کرد
(ج) شبی آمد که می‌باید فدا کرد
(د) هزاران نرگس از چرخ جهانگرد
(۱) پنج (۲) شش

۱۵- در کدام بیت «مجاز» وجود ندارد؟

آوازه‌ی آواز تو در شهر فتاده
گر چه کارش همچو گردون کشتن است و بستن است
ز من فریاد می‌آید که خاموش
یوسف مصری همیشه شورش بازار باد

(۱) دستان دو دست تو به عیوق رسیده
(۲) جان آرامش همی‌بخشد جهانی را به لطف
(۳) نکوگویان نصیحت می‌کنند
(۴) چون زنان مصر جان را دست و دل مجروح باد

کنایه

به معنی پوشیده سخن گفتن است. و آن عبارتی است که یک معنای آشکار و یک معنای پنهان دارد و مراد گوینده معنای پنهان آن است. در بیت زیر مصراع اول یک معنی آشکار (هنوز از دهان او بوی شیر می‌آید) و یک معنی پنهان (او هنوز کودک است) دارد. معنای پنهان را باید با دقت و کشف هنری به دست آورد.

همی رای شمشير و تير آيدش

هنوز از دهان بوی شیر آیدش

مثال‌های دیگر:

فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد

دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای

«بلغزد پای» کنایه از خطا و اشتباه کردن.

به جوش آمده خاک بر کوه و سنگ

نماند ایچ با روی خورشید رنگ

«نماند رنگ» معادل «رنگ‌پریدن» و کنایه از ترسیدن.

سر هم‌نبرد اندر آرد به گرد

بیامد که جوید ز ایران نبرد

«سر به‌گرد آوردن» کنایه از نابود کردن.

باید کسه فرو شوید دست از همه درمان‌ها

آن را که چنین دردی، از پای دراندازد

«دست فرو شستن از چیزی» کنایه از ترک کردن آن چیز.

پس به هر دستی شاید داد دست

چون بسی ابلیس آدم‌روی هست

«دست‌دادن» کنایه از اعتماد کردن.

*** توجه:** بعضی کنایات، «فرمولی» هستند و با عوض شدن یک واژه، کنایه‌ی دیگری به دست می‌آید.

از شراب عشق مست بودن ← عاشق بودن
از شراب بخشندگی مست بودن ← بخشنده بودن

از شراب علم مست بودن ← عالم بودن
از شراب شجاعت مست بودن ← شجاع بودن

*** توجه:** بعضی صفات معنای کنایی دارند و کنایه محسوب می‌شوند. مانند: سبک‌مغز، سیه‌رو، سرخ‌رو، حلقه‌به‌گوش، تنگ‌دست و ...

کس نیابد ز دهان تو نشان، یک سر موی

تو به هنگام سخن گر نشوی موی شکاف

پا در رکاب راهوار خویش دارند

دریادلان راه سفر در پیش دارند

*** توجه:** کنایه و ایهام از این منظر که هر دو یک معنای آشکار و یک معنای پنهان دارند، با هم مشترکند ولی تفاوت‌هایی هم با هم دارند.

اول اینکه؛ کنایه در قالب جمله (دست از جان شستن) یا عبارت مصدری (دست از جان شستن) بیان می‌شود، اما ایهام معمولاً در قالب

یک واژه یا گروه اسمی است. دوم اینکه؛ درک کنایه و ایهام بسیار متفاوت است. معمولاً کشف کنایه و درک معنای کنایی آن بسیار آسان

است اما کشف ایهام و درک معنای دوم کمی سخت است و به توجه ویژه‌ای نیاز دارد. سوم اینکه؛ عبارت کنایی معمولاً در هر متنی کنایه

است، یعنی در هر متنی به هر صورتی به کار برود کنایه است، ولی واژه ایهام‌دار لزوماً همه جا ایهام ندارد. تفاوت‌های دیگری نیز می‌توان

مطرح نمود که از اطلاع کلام پرهیز می‌شود.

۱۶- در کدام بیت، آرایه کنایه به کار نرفته است؟

ســـــر از بند ضحاک بیرون کند

۱) کسی کاو هوای فریـــــدون کنـــــد

برافراخت بازو چو شاخ درخت

۲) نخست آن سیه روز برگشته بخت

همان گه ز بازار برخاست گـــــرد

۳) همان کـــــاوه، آن بر سر نیزه کرد

سپاهی بر او انجمن شد نه خـــــرد

۴) همی‌رفت پیش اندرون مرد خـــــرد

۱۷- در همه ابیات آرایه «کنایه» وجود دارد به جز گزینه‌ی

ساقیا جامی بـــــده تا چهره را گلگون کنم

۱) زردرویی می‌کشم زان طبع نازک بی‌گناه

که کشم رخت به میخانه و خوش بنشینم

۲) حالیا مصلحت وقت در آن می‌بینم

به عالمی نـــــفروشم مویی از سر دوست

۳) اگر چه دوستت به چیزی نمی‌خرد ما را

ای مـــــدعی نزع تو با پرده‌دار چیست؟

۴) راز درون پرده چه داند فلک، خموش

۱۸- در کدام بیت «کنایه» کمتر یافت می‌شود؟

اگر به باد دهد سر بجاست همچو حباب
همچو کف در نظر همت مردان پوچ است
منگبر به خوش‌زبانی این ترش‌میزبان
که چون فرزند کور آید، شود چشم گدا روشن

۱) سبک‌سری که زند پیش بحر لاف وجود
۲) هر که سجاده خود بر سر آب اندازد
۳) دهر سپیددست، سیه‌کاسه‌ای است، صعب
۴) فلک با تنگ‌چشمان گوشه‌ی چشم دگر دارد

نماد

آرایه‌ای است که در مبحث بیان و در کنار آرایه‌های تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه بررسی می‌شود. ولی کتاب‌های درسی - حتی علوم و فنون که تخصصی است- به این موضوع اشاره نکرده‌اند. درحالیکه خود نماد را در قلمروهای ادبی کتاب‌های فارسی آورده‌اند.

نماد، شباهتی به استعاره دارد، زیرا یک کلمه آورده می‌شود و معنای دیگری از آن برداشت می‌شود. مانند «کوه» که معنای مقاومت و پایداری از آن برداشت می‌شود. در بیت زیر «شب» نماد دوران ظلم و ستم و تباهی است.

نشسته‌ام در انتظار این غبار بی‌سوار / دریغ کز شبی چنین، سپیده سر نمی‌زند

تفاوت نماد با استعاره: استعاره به یک معنای غایب دلالت دارد ولی نماد می‌تواند به چند معنای غایب اشاره داشته باشد. به طور مثال «سرو» می‌تواند استعاره از معشوق و نمادی از بلندی، آزادگی، پایداری، عظمت و ... باشد. باید دید در متن مورد نظر معنای استعاری مد نظر است یا معنای نمادین. همچنین استعاره معمولاً به یک چیز و هویت اشاره دارد و نماد به یک مفهوم. مثلاً در مثال فوق، معشوق یک هویت است ولی پایداری و مقاومت یک مفهوم هستند.

***نکته بسیار مهم:** توجه داشته باشید که واژگان فوق همیشه و در هر عبارتی نماد نیستند. بلکه باید به معنای عبارت دقت کرد و دید که آیا آن واژه در معنای نمادین به کار رفته است یا خیر. در عبارت زیر واژه «شب» در مثال اول، در معنای نمادین (زمان پیش از انقلاب) و در مثال دوم، در هر دو مصراع در معنای حقیقی آمده است.

پیش از تو آب معنی دریا شدن نداشت / شب مانده بود و جرأت فردا شدن نداشت
شب عاشقان بیدل، چه شبی دراز باشد / تو بیا کز اول شب، در صبح باز باشد

به نمادهای مهم ادب فارسی دقت کنید و آن‌ها را به خاطر بسپارید.

| واژه | نماد | واژه | نماد |
|---------|---|-----------|---|
| گل | نماد زیبایی و لطافت | آب | نماد رفاه و آسایش دنیوی |
| نی | نماد انسان غریب و دور از وطن، نماد عارف دور افتاده از معشوق | بنفشه | نماد انسان‌های عابد و مؤمن، ماتم و سوگواری (به دلیل سر به زیری و کبودی) |
| چشمه | نماد پاکی و طراوت | رود | نماد حرکت و تلاش |
| نرون | نماد افراد ستمگر و خون خوار | شمع | نماد معشوق |
| گون | نماد انسان‌های گرفتار | پروانه | نماد عاشق |
| نسیم | نماد انسان‌های آزاد | دریا | نماد بزرگی، عظمت و وسعت |
| شب | نماد تیرگی، ظلمت، ظلم، حکومت پهلوی | سیل | نماد نابودی و ویرانی |
| باد | نماد سرگردانی و بی حاصلی | دیوار | نماد مانع و حجاب و محدودیت |
| سحر | نماد روشنی، امید و پیروزی | صدف | نماد خاموشی و سکوت |
| رضاخان | نماد تکبر و استبداد | زیتون | نماد صلح و آرامش |
| گل سرخ | نماد عشق و طراوت | درخت بید | نماد ترس و لرزیدن |
| گل لاله | نماد شهید | کوه | نماد عظمت و استواری |
| خضر | نماد راهنما و مرشد | گل نیلوفر | نماد عارف و انسان وارسته از دنیا |

حیوانات نیز بنا به خصوصیات ویژه‌ای که دارند، نماد مفاهیمی شده‌اند که در جدول زیر تماماً آمده‌اند.

البته نیاز نیست برای کنکور همه این‌ها را حفظ کنید.

| حیوان | نماد | حیوان | نماد |
|----------|--|-------|--|
| آهو | نماد آزادگی و بی گناهی | زرافه | نماد بلندی |
| اسب | نماد نجابت و هوشیاری | کلاغ | نماد شومی، نحسی، و خبرچینی |
| پلنگ | نماد تکبر و بلندپروازی | ماهی | نماد زیبایی و امید |
| پشه | نماد ضعف و ناتوانی | گره | نماد بی‌وفایی و دزدی |
| جغد | نماد شومی و نحسی، انسان‌های پول‌دوست و گوشه‌گیر | باز | نماد نیک فالی، انسان‌هایی که به پُست و مقام زودگذر دنیا دل خوشند |
| گوسفند | نماد خون‌سردی و نادانی | فیل | نماد یک‌دلی و قدرت و عظمت |
| بره | نماد معصومیت | گرگ | نماد درندگی و قدرت |
| خرس | نماد پُرخوری و بزرگی | نهنگ | نماد درندگی و عظمت و بزرگی |
| بلبل | نماد شیدایی، عاشقی و دل‌باختگی، انسان‌های مدعی و عاشق زیبایی‌های عین | شیر | نماد شجاعت و قدرت، سلطان یا حاکم زورگو و ساده لوح |
| خرگوش | نماد غفلت | کفتار | نماد زشتی، نحسی و بدخویی |
| بو قلمون | نماد چند رنگی و بی‌ثباتی | میمون | نماد تقلید و هوشیاری |

| | | |
|------------------------------------|---------|--|
| نماد مکر و حيله | مار | نماد خوش‌ظاهري و بدباطني |
| نماد شيطنت | عقرب | نماد زيرکي و خودنمايي |
| نماد دانايي و چابکي | هُما | نماد سعادت و خوش‌بختي |
| نماد وفاداري | قناري | نماد خوشي و شادي |
| نماد ضعيف‌گشي | قورباغه | نماد زشتي |
| نماد حقارت، تيزهوشي | هُدُود | نماد مژده‌دهي و خبر خوب، رهبر و مرشد |
| نماد بهانه‌جويي | کرگدن | نماد تنومندي و پُر زوري |
| نماد نيکي و بهار | طاووس | نماد زيبايي و غرور |
| نماد کينه‌توزي و همچنين مقاومت | الاغ | نماد نفهمي، کودني و سخت‌کاري |
| نماد تقليد | ملخ | نماد بي‌خيالي و راحت‌طلبي |
| نماد خودپسندي، تکبر، عظمت، وارستگي | خفاش | نماد جهل، ناداني، و نسيان |
| کرکس: نماد مفت‌خوري | مگس | نماد مزاحمت |
| نماد شادي و نشاط | خر | نماد ناداني |
| نماد بلندپروازي و همت، علم و دانش | بط | نماد انسان‌هاي دلبيسته و فريفته‌ي دنيا |

۱۹- در کدام گزینه واژه مشخص شده «نماد» است؟

کوتاه‌نظري باشد، رفتن به گلستان‌ها
تـــــــا در زمانه باقي ست، آواز باد و باران
عاشق بادا که عشق، خوش سودايي است
درآيد پــــررزنــــان پــــروانــــه از دور

(۱) تا خار غم عشقت آویخته در دامن
(۲) اين نغمه محبت، بعد از من و تو ماند
(۳) در عالم پــــيــــر، هرکجا بُرنايي است
(۴) چو از شمعي رسيد پــــروانــــه را نور

۲۰- در کدام گزینه «نماد» به کار نرفته است؟

مينداز خود را چو روباه شل
که روزي نخوردند پيلان به زور
بماند آنچه روبه از آن سير خورد
به دشت پُر ملال ما، پرنده پــــر نمي‌زند

(۱) برو شير درنده باش اي دغل
(۲) کز اين پس به کنجی نشينم چو مور
(۳) شغال نگون‌بخت را شير خورد
(۴) در اين سراي بي‌کسي، کسي به در نمي‌زند

***توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سمعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar_ahmadi۶۳) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید. همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

بدیع لفظی

واج آرایی

واج آرایی یا نغمه‌ی حروف، آرایه‌ای است که در آن شاعر یا نویسنده تعمداً از یک **واج** بیش از حد معمول استفاده می‌کند. به طوری که تلفظ آن **واج**، نسبت به سایر صداها، محسوس‌تر می‌باشد.

| | |
|-----------------------------------|-------------------------------------|
| دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود | رشته‌ی تسبیح اگر بگسست معذورم بدار |
| خروش از خم چرخ چاچی بخاست | بر او راست خم کرد و چپ کرد راست |
| غنیمت است چنین شب که دوستان بینی | شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی |
| کو آن که کف پای سگ کوی تو باشد | من خاک کف پای سگ کوی تو هستم |

همان‌طور که ملاحظه می‌شود واج آرایی ممکن است تکرار یک حرف نباشد و تکرار یک حرکت (مصوت کوتاه) باشد. زیرا صداها نیز واج محسوب می‌شوند.

***توجه:** تکرار یک واج، دلخواهی، شانسی، اتفاقی یا بدون گزینش نیست. در واقع شاعر تعمداً صدایی را تکرار می‌کند که در معنا به آن نیاز دارد. در ابیات زیر شاعر به **صدای خُرد شدن برگ‌های پاییزی در زیر پا** نیاز دارد، بنابراین واج‌های «خ — ز» تکرار می‌شوند.

| | |
|--|---|
| باد خ سنگ از جانم خوارزم وزان است | خ یزید و خ ز آرید که هنگام خ زان است |
| گویی به مثل پیرهن رنگرزان است | آن برگ خ زان بین که بر آن شاخ خ زان است |

یا در بیت زیر شاعر قصد ارائه صدای لبخند را دارد. لذا از واج «خ» بیشتر استفاده کرده است. آن‌گونه که ما نیز هنگام چت کردن برای خنده می‌نویسیم: **خخخخخ**.

| | |
|------------------------------------|--|
| لبخند تو خ لاصه‌ی خوبی‌هاست | خ ستی خ ند، خ نده‌ی گل زیباست |
|------------------------------------|--|

۲۱- شاعر در کدام بیت از آرایه «واج آرایی» بهره بیشتری برده است؟

- | | |
|-----------------------------------|--|
| ۱) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را | ۲) آن ابر دربار ز دریا که برآید |
| ۳) رسم عاشق‌کشی و شیوه شهرآشوبی | ۴) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی |
- که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را
پُرکرده ز در و درم و دانه، دهان را
جامه‌ای بود که بر قامت او دوخته بود
غنیمت است چنین شب که دوستان بینی

۲۲ - در کدام بیت «واج‌آرایی» در صامت و در کسره اضافه، بیشتر به چشم می‌خورد؟

- ۱) بلبلکسان با نشاط، قمریکان با خروش
- ۲) ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد
- ۳) دانه‌ی خال تو خون از چشم صیاد آورد
- ۴) زان نمکدان لب شیرین شورانگیز تو

تکرار (واژه‌آرایی)

هر گاه یک کلمه، دو یا چند بار تکرار شود. تکرار یک کلمه را زمانی آرایه تکرار در نظر می‌گیریم که معنای آن در هر دو مورد یکسان باشد. (اگر واژه‌ای در دو معنای متفاوت تکرار شود «جناس همسان یا تام» می‌شود و تکرار نیست.

گر برود جان ما در طلب وصل دوست حیف نباشد که دوست، دوست‌تر از جان ماست

* توجه: ممکن است در تکرار یک واژه، به آن، ضمیر یا نشانه جمع و... بچسبند، این دو واژه، باز هم آرایه تکرار دارند.

چون بسی ابلیس آدم‌روی هست پس به هر دستی نشاید داد دست

از چه‌ای گل، با گلستان آمیختی؟ تو مگر از شیشه روغن ریختی؟

از دوست به یادگار دردی دارم آن درد به صد هزار درمان ندهم

* توجه: تکراری که در اول و آخر بیت باشد را تصدیق می‌گویند. (گاه با کمی اختلاف)

آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست عالمی دیگر ببايد ساخت از نو، آدمی

خاقانی از این درگه، دریوزه‌ی عبرت کن تا از در تو زان پس، دریوزه کند خاقان

* توجه: ردیف واژه‌ای است که در پایان مصراع، بعد از قافیه‌ها در معنای ثابت تکرار می‌شود. از نظر زیبایی‌شناسی نباید ردیف را، آرایه تکرار در نظر گرفت. در کنکورهای قبل هم مثالی ندیدم که ردیف را آرایه تکرار محسوب کنند. ولی اگر سوال و گزینه‌ها به گونه‌ای بود که ردیف را تکرار در نظر گرفته بودند، نادرست نیست و می‌توان آن ردیف را آرایه تکرار حساب کرد. حروف اضافه نیز هم‌طورند. بهتر است تکرار آن‌ها را آرایه تکرار حساب نکنیم. ولی با توجه به سوال و گزینه‌ها می‌توانند تکرار محسوب شوند. یعنی اگر با تکرار در نظر گرفتن آن‌ها به جواب نرسیدید یا تست جواب نداشت، آن‌ها را تکرار بگیریید.

در بیت زیر «نیست که نیست» ردیف است و واژه «نیست» آرایه تکرار دارد زیرا در خودِ ردیف، تکرار شده است.

روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست منت خاک درت بر بصری نیست که نیست

این حالت در بسیاری از شعرها که ردیف‌های بلند دارند، دیده می‌شود. مانند «رفت رفت» در بیت زیر:

گر ز دست زلف مشکینت خطایی رفت، رفت ور ز هندوی شما بر ما جفایی رفت، رفت

***نکته:** تکرار، گاه بدون فاصله و در کنار هم می‌آید.

برای من مگری و مگو دریغ! دریغ! دریغ! باشد
جنازهام چو ببینی مگو فراق! فراق! فراق! مرا وصال و ملاقات آن زمان باشد

***توجه:** دقت شود واژگانی که از تکرار یک تکواژ ساخته می‌شوند، مانند «پرس پرسان، گاه‌گاه، تندتند و...»، و واژگانی که در ساختمان آن‌ها یک تکواژ تکرار شده است، مانند «مالامال، لبالب، دمامم و...»، اگر در بیتی بیابند، آرایه تکرار نداریم. زیرا هنوز یک واژه، دو بار تکرار نشده است.

دریغ می‌کنی از من نگاه را حتی
خروشان و جوشان به کردار موج
سینه، مالامال درد است ای دریغا مرهمی
بزد بر کمر بند گُرد آفرید
و نی‌ز زمزمه گاه‌گاه را حتی
فراز آمدند از کران فوج‌فوج
دل ز تنهایی به جان آمد، خدا را همدمی
زره بر برش، یک به یک، بردرید

۲۳- در تمام گزینه‌های زیر، به جز گزینه آرایه «واژه‌آرایی یا تکرار» وجود دارد.

(۱) روی جانان طلبی، آینه را قابل باش
(۲) از جرعه‌ی تو زمین، درّ و لعل یافت
(۳) شاه گفتش ای سرافکنده به عشق
(۴) خوش است خلوت اگر یار، یار من باشد
ور نه هرگز گل و نسرين ندمد ز آهن و روی
بیچاره ما که پیش تو از خاک کمترین
چون تواند بود کس زنده به عشق
نه من بسوزم و او شمع انجمن باشد

۲۴- در کدام بیت، در بیش از یک واژه، «واژه‌آرایی» دیده می‌شود؟

(۱) تا دم از شام سر زلف تو هر جا نزنند
(۲) بردوختهام دیده چو باز از همه عالم
(۳) چه شود گر من و تو چند قدح باده خوریم
(۴) چه دوزخی چه بهشتی چه آدمی چه پری
با صبا گفت و شنیدم سحری نیست که نیست
تا دیده من بر رخ زیبای تو باز است
باده از خون رزان است نه از خون شما
به مذهب همه کفر طریقت است امساک

سجع

یکسانی دو واژه در وزن یا حرف روی یا هر دو. (حرف روی؛ حرف پایانی و اصلی یک کلمه است بدون الحاقیات. مثلاً روی در

«دستم»، «ت» و در «بهاران»، «ر» و در «پرورده‌ام»، «د» می‌باشد).

با توجه به تعریف فوق سه نوع سجع وجود دارد: مطرف، متوازن، متوازی.

۱- سجع مطرف: هرگاه پایان دو کلمه یکسان و وزن آن‌ها متفاوت باشد.

به نام آن خدایی که نام او راحت روح است و پیغام او در وقت صباح، مومنان را صبح است.

پادشاهی او راست زبند، خدایی او راست درخورنده.

هر نفسی که فرو می‌رود مُمد حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات.

۲- سجع متوازن: هرگاه وزن عروضی یا وزن هجایی دو کلمه یکسان و پایان آن‌ها متفاوت باشد.

پشت و پناه سپاه من بود، در دیده‌ی دشمنان خار و بر روی دوستان خال.

فلان را کرم بی‌شمار است و هنر بی‌حساب. دارای عزمی است متین و طبعی کریم.

*نکته: در سجع متوازن منظور از هم‌وزنی، وزن عروضی و هجایی است نه وزن عربی. در وزن عروضی دو کلمه «سینا و عادل»

هم‌وزن هستند و سجع می‌سازند، در حالیکه هم‌وزن عربی نیستند و «عادل» فقط با کلماتی هم‌وزن می‌باشد که بر وزن «فاعل»

باشند، مثل: ناصر، نادر و

مسلم است کلماتی که هم‌وزن عربی هستند، نسبت به کلماتی که فقط هم‌وزن عروضی هستند، سجع زیباتری دارند و هم‌وزنی

عربی از هم‌وزنی عروضی آهنگین‌تر است.

۳- سجع متوازی: هرگاه دو کلمه هم در حروف پایانی و هم در وزن یکسان باشند. در واقع سجع متوازی، جمع دو سجع مطرف

و متوازن است.

مَتّ خدای را عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

بزرگان گفته‌اند: دولت، نه به کوشیدن است؛ چاره کم جوشیدن است.

جوانمرد که بخورد و بدهد، به از عابد که روزه دارد و بنهد.

*توجه: باید کلمات را با تلفظ اصلی و گذشته‌شان بخوانیم تا به سجع موجود در آن دست بیابیم. مثلاً در متن زیر تلفظ

«نخورد»، «نخرد» می‌باشد.

«فی‌الجملة نماند از معاصی منکری که نکرد و مُسکری که نَخورد.»

***نکته بسیار مهم:** معمولاً هر کدام از دو رکن و پایه سجع در پایان یک جمله می‌آید. لذا برای ایجاد سجع وجود ۲ جمله الزامی است. مثلاً

در عبارت «کمال و جمال او را نهایت نیست»، دو واژه «کمال و جمال» سجع ندارند. زیرا در یک جمله آمده‌اند.

***توجه:** سجع، بیشتر در نثر به کار می‌رود اما در شعر نیز کاربرد دارد و معمولاً در وسط و پایان مصراع‌ها و می‌آید.

در رفتن جان از بدن، گویند هر نوعی سخن
من خود به چشم خویشتن، دیدم که جانم می‌رود
من مانده‌ام مهجور از او، دیوانه و رنجور از او
گویی که نیشی دور از او، در استخوانم می‌رود

۲۵- در همه گزینه‌ها، به جز گزینه سجع به کار رفته است.

(۱) از اندوه بیرون نیابید، که آماج تیر بلائید.

(۲) با آنان بستیزید، که رستگاری‌تان در آن است.

(۳) چه جای ملامت است، که در دیده‌ی من شایسته‌ی کرامت است.

(۴) جرعه‌ی اندوه به کامم می‌ریزد و کار را به هم درمی‌آمیزد.

۲۶- در کدام عبارت «سجع» به کار رفته است؟

(۱) دل او در پرده‌های گمراهی نهان و حق از او روی گردان.

(۲) بی‌خویشتن نشستند بود، خواجه‌وار و پای به گرد کرده.

(۳) خون در روی مالیدم تا در چشم شما سرخ‌روی باشم.

(۴) اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.

۲۷- در کدام گزینه نوع سجع متفاوت است؟

(۱) تلخ را چه سود اگر آب خوش در جوار است و خار را چه حاصل از آن که بوی گل در کنار است؟

(۲) مست باش و مخروش، گرم باش و مجوش، شکسته باش و خاموش.

(۳) الهی، اگر کاسنی تلخ است، از بوستان است و اگر عبدالله مجرم است، از دوستان است.

(۴) الهی، این چه داغی است که سوختن مرهم اوست و این چه باغی است که افروختن شبنم اوست؟

۲۸- در کدام بیت، همه آرایه‌های «واج‌آرایی، واژه‌آرایی و سجع» مشهود است؟

(۱) گفتم بگریم تا ابل، چون خر فروماند به گل
(۲) شب تا سحر، می‌نغوم، و اندر کسی می‌نشنوم
(۳) با چشم پُر نیرنگ او، حافظ مکن آهنگ او
(۴) زان نور همه عالم، هر شیوه همی‌نالیم
وین نیز نتوانم که دل، با کاروانم می‌رود
وین ره نه قاصد می‌روم، کز کف عنانم می‌رود
کان طره‌ی شب‌رنگ او، بسیاری طراری کند
تا بشنود احوالم، ای دوست مخسب امشب

موازنه و ترصیع (رشته‌ی انسانی)

موازنه تقابل سجع‌های متوازن یا متوازی در دو یا چند جمله است که به هماهنگی آن‌ها می‌انجامد. که موجب افزایش موسیقی لفظی در شعر است.

| | | | | | |
|-----|------------|--------|------|-------|---------|
| دل | به امید | روی او | همدم | جان | نمی‌شود |
| جان | به هوای | کوی او | خدمت | تن | نمی‌کند |
| نظر | تا کنی | عرض | نقل | است | و می |
| نفس | تا کشی | حرف | چنگ | است | و نی |
| تیر | بلای او را | جز دل | هدف | نباشد | |
| تیغ | جفای او را | جز جان | سپر | نباشد | |

***توجه:** موازنه در نثر نیز به کار می‌رود.

در بدایت، **بند** و **چاه** بود و در نهایت **تخت** و **گاه** بود.

ترصیع: موازنه‌ای است که همه سجع‌های آن متوازی باشد.

| | | | | | |
|----|-------|----|----|------|------|
| ای | منور | به | تو | نجوم | جمال |
| وی | مقرّر | به | تو | رسوم | کمال |

| | | | |
|----|--------|--------|-------|
| هم | حرکاتش | متناسب | به هم |
| هم | خطواتش | متقارب | به هم |

| | | | |
|----|-----------|--------|---------|
| ما | ز بالاییم | و بالا | می‌رویم |
| ما | ز دریاییم | و دریا | می‌رویم |

جناس

جناس به معنی هم‌جنسی است و این هم‌جنسی در لفظ است نه در معنا. جناس یعنی دو کلمه‌ای که یا از یک جنس هستند مثل «دید و دیده» یا آن‌قدر شبیه به هم هستند که فکر می‌کنیم از یک جنس هستند، مانند «باد و یار». جناس در واقع همسان‌بودن دو کلمه است که فقط در یک صامت یا مصوّت اختلاف دارند. حتی گاه دو کلمه در تلفظ یکسانند و فقط معنای متفاوتی دارند.

جناس در نگاه کلی دو دسته است. ۱: جناس همسان (تام) ۲: جناس غیرهمسان (ناقص)

۱- جناس همسان (تام): جناسی است که دو کلمه در خوانش و نوشتار دقیقاً یکسانند و فقط در معنا تفاوت دارند.

عشق شوری در نهاد ما نهاد جان ما در بوت‌های سودا نهاد
نهاد: ۱- ضمیر و درون و باطن ۲- قرار داد (فعل)

*توجه: واژگان ایهام‌ساز که در مبحث ایهام آمده‌اند، اگر در متنی ۲ بار به کار روند، ممکن است آرایه تکرار یا جناس تام بسازند.

بیا و برگ سفر ساز و زادِ ره برگیر که عاقبت برود، هر که او ز مادر زاد
زاد: ۱- توشه و آذوقه ۲- به دنیا آمد (فعل)

۲- جناس غیر همسان (ناقص): این جناس خود سه نوع است: الف) جناس ناقص اختلافی ب) جناس ناقص حرکتی ج) جناس ناقص افزایشی

الف) جناس ناقص اختلافی: جناسی است که دو کلمه فقط در یک حرف با هم اختلاف دارند. (این حرف متفاوت می‌تواند در ابتدا، وسط یا آخر باشد!)

بزد نیزه‌ی او به دو نیم کرد نشست از بر اسپ و برخاست گرد
چوک ز شاخ درخت، خویشتن آویخته زاغ سیه بر دو بال، غالیه آمیخته
به یاد یار و دیار آن چنان بگریم زار که از جهان ره و رسم سفر براندازم
ب) جناس ناقص حرکتی: جناسی است که دو کلمه فقط در یک حرکت یا مصوّت کوتاه اختلاف داشته باشند.

ای مهر تو در دل‌ها، وی مَهر تو بر لب‌ها وی شور تو در سَرها، وی سِرِّ تو در جان‌ها
باید به مژگان رُفت گرد از طور سینین باید به سینه رَفت زین جا تا فلسطین

ج) جناس ناقص افزایشی: جناسی است که یک واژه نسبت به دیگری فقط یک حرف اضافه‌تر دارد. (این یک حرف می‌تواند در ابتدا، وسط یا آخر باشد)

به یاد یار و دیار آن چنان بگریم زار که از جهان ره و رسم سفر براندازم
سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند همدم گل نمی‌شود، یاد سمن نمی‌کند
کار دلم به جان رسد، کارد به استخوان رسد ناله کنم بگویدم، دم مزن و بیان مکن

*نکته: در کنکور عمومی نوع جناس‌ها مهم نیست مگر این‌که نوع آن را خواسته باشند. مثلاً گفته باشند در کدام گزینه جناس تام وجود دارد. که باید دقیقاً جناس تام را پیدا کنیم. اما اگر گفته بودند جناس، هر کدام را می‌توانیم لحاظ کنیم.

***نکته:** جناس تام را با آرایه‌ی تکرار اشتباه نگیریم. دو کلمه که معنا و تلفظ و نوشتار یکسان دارند، فقط آرایه‌ی تکرار دارند و جناس ندارند اما اگر معنا متفاوت و تلفظ و نوشتار یکسان بود، جناس تام داریم و تکرار نداریم.

اشتقاق

به کارگیری کلماتی که از یک ریشه باشند یا تصور شود از یک ریشه‌اند.

گر تیغ برکشد که **محبان** همی‌زنم
اول کسی که لاف **محبت** زند منم
ای **دلیل** دل سرگشته، خدا را مددی
که غریب ار نبرد ره، به **دلال** برود
بسی **تاختند** و بسی **توختند**
بسی **ساختند** و بسی **سوختند**

«تاختند» با «توختند» و «ساختند» با «سوختند» از یک ریشه نیستند ولی تصور می‌شود از یک ریشه‌اند. این‌ها «شبه اشتقاق» هستند که با تخفیف «اشتقاق» خوانده می‌شوند.

اشتقاق، مشابه جناس است با این تفاوت که اختلاف حروف می‌تواند بیش از یک حرف باشد. مثلاً «عاشق و معشوق» چون بیش از یک حرف اختلاف دارند جناس نیستند ولی چون از یک **ریشه** هستند، اشتقاق دارند.

در بسیاری از موارد، دو کلمه که اشتقاق دارند، جناس هم دارند. مانند «عشق و عاشق» که هم جناس دارند و هم اشتقاق. و در بعضی موارد مانند «عاشق و معشوق» دو کلمه فقط اشتقاق دارند و جناس ندارند. (واضح است که بسیاری از جناس‌ها هم اشتقاق ندارند.)

***نکته:** جناس و اشتقاق، بین دو کلمه متفاوت شبیه به هم ایجاد می‌شود. لذا اگر یک کلمه با «ی نکره، علامت‌های جمع، ضمیر و ...» تکرار شده باشد، جناس نمی‌سازد و آرایه تکرار می‌شود. در بیت زیر دو کلمه مشخص شده آرایه تکرار دارند و جناس ندارند. زیرا در هر دو مورد، با یک واژه روبه‌رو هستیم که اوی «ی» نکره گرفته است.

چون بسی ابلیس آدم‌روی هست
پس به هر **دستی** نشاید داد **دست**

۲۹- در کدام بیت جناس هست؟

- ۱) شکر لب جوانی نی آموختی
 - ۲) یک ساعت از آن لب میگون شکیب نیست
 - ۳) راه دریغا گیر اگر لؤلؤی عمّانت هواست
 - ۴) آیدم زلف تو در خواب و پریشانم از این
- ۳۰- در کدام بیت آرایه «جناس همسان» به کار رفته است؟
- ۱) بار غمت می‌کشم وز همه عالم خوشم
 - ۲) روزگاری است که سودازده روی توأم
 - ۳) ساعدی از پرده عشاق چه خوش می‌گوید
 - ۴) مرا که با تو سخن گویم و سخن شنوم
- که دل‌ها بر آتش چو نی سوختی
سرمسست را شکیب کجا باشد از شراب
دست دربان بوس اگر تشریف سلطان بایدت
که بود شور و بلا دیدن ثعبان در خواب
گر نکنند التفات یا نکنند احترام
خوابگاه نیست مگر خاک سر کوی توأم
تُرک من پرده برانداز که هندوی توأم
نه گوش فهم بماند نه هوش استفهام

۳۱- در کدام گزینه «جناس همسان» وجود ندارد؟

- (۱) حال چوگان چون نمی‌دانی که چیسست
 (۲) به بوی زلف تو دادم دل شکسته به باد
 (۳) برو ای ترک که ترک تو ستمگر کردم
 (۴) نماند فتنه در ایام شاه جز سعدی

۳۲- در چند تا از ابیات زیر آرایه جناس به وضوح دیده می‌شود؟

- (الف) سخن به دانش گویند پایگه گیرد
 (ب) ای دیر به دست‌آمده بس زود برفتی
 (ج) درخت‌های بارور چون اشتران باربر
 (د) باغبان، چند کند پیش من آزادی سرو؟
- (۱) چهار تا (۲) سه تا (۳) دو تا (۴) یکی

۳۳- در همه گزینه‌ها به جز گزینه هر دو آرایه «جناس همسان و تضاد» به کار رفته است؟

- (۱) غریب نیست اگر شد ز خویش بیگانه
 (۲) اگر سرم برود در سر وفای شما
 (۳) ز قلب، این کی‌میای دل مکن سلب
 (۴) مرا به علت بیگانگی ز خویش مران

۳۴- در کدام گزینه دو جناس «همسان» وجود دارد؟

- (۱) بیامد چنان تالب هیرموند
 (۲) مهر خوبان دل و دین از همه بی پروا برد
 (۳) به بوی زلف تو دادم دل شکسته به باد
 (۴) روزی که جمال دلبرم دیده شود

۳۵- واژه «پرده» در همه گزینه‌ها آرایه جناس می‌سازد به جز گزینه

- (۱) پرده مَطرَبم از دست برون خواهد بُرد
 (۲) اگر از پرده برون شد دل من عیب مکن
 (۳) ای رود پرده ساز که راهِ دلم زنی
 (۴) پرده بر چشم جهان‌بین مپسند
- آه اگر زانکه درین پرده نباشد بارم
 شکر ایزد که نه در پرده پندار بماند
 بردار پرده از رخ و ساز رباب کن
 هر چه پرده است ازو دیده ببند

بدیع معنوی

حُسن تعلیل

حُسن تعلیل به معنای زیبایی عِلّت و آوردن دلیلی غیر واقعی و ادبی است. و آن هنگامی است که شاعر یا نویسنده برای یک موضوع، دلیلی غیرمنطقی و خیال‌انگیز بیاورد.

به این داستان تخیلی توجه کنید: سعدی در محفلی از زیبارویان تعریف می‌کرده و حُسن آن‌ها را می‌گفته و بنا به دلایلی از معشوقش تعریف نکرده. بعد از آن، معشوق سعدی از سعدی، گله و شکایت کرده است که چرا وقتی از خوبرویان تعریف می‌کرده، از او چیزی نگفته است؟ سعدی هم متوجه شده اشتباه بزرگی کرده است، لذا با بیت زیر قضیه را ماست‌مالی و توجیه کرده است!

نه خلاف عهد کردم که حدیث جز تو گفتم
همه بر سر زبانند و تو در میان جانی
بیت فوق حُسن تعلیل دارد. زیرا دلیل واقعی آن چیزی نیست که شاعر گفته است.

شاعر در بیت زیر عِلّت باریدن باران را، بدعهدی روزگار می‌داند.

رسم بدعهدی ایام چو دید ابر بهار
گریه‌اش بر سمن و سنبل و نسرين آمد

***نکته:** با توجه به این که حُسن تعلیل، معمولاً با آوردن عِلّت همراه است، بهتر است حروف تعلیل و سبب و عِلّت را بشناسیم. معمولاً ابیاتی که این حروف را داشته باشند، حُسن تعلیل نیز دارند. «که، از، ز، از آن، زان، تا، چون و ...» اگر به معنای «به این دلیل که، زیرا که، چون که، به خاطر این که ...» باشند، معمولاً حسن تعلیل می‌سازند. واژگان «عِلّت»، «سبب» و «دلیل» نیز همین‌طورند و اگر در بیتی بیایند، به احتمال زیاد حُسن تعلیل خواهند ساخت.

پسته دهان‌بسته زان بود که ندارد
خوبی و شیرینی دهان که تو داری

پسته «به این دلیل» دهان‌بسته است که مانند تو خوب و شیرین‌زبان نیست.

از آن مرد دانا دهان دوخته است
که بیند که شمع از زبان سوخته است

مرد دانا «به این سبب» ساکت است و دهانش را بسته است که می‌بیند شمع، به سبب بازشدن دهانش و سوختن زبانش (فتیله‌اش) می‌سوزد.

تا چشم تو ریخت خون عشاق
زلف تو گرفت رنگ ماتم

«به این دلیل» است زلف تو سیاه است که در ماتم کشته‌شدگان چشم تو نشسته است.

خمیده پشت از آن گشتند پیران جهان دیده که اندر خاک می‌جویند آیام جوانی را
پیران «به آن سبب» خمیده قامت گشته‌اند که در خاک در جست‌وجوی جوانی هستند.

عجب نیست بر خاک اگر گل شکفت که چندین گل‌اندام در خاک خفت
«به این دلیل که» انسان‌های گل‌اندام در خاک دفن شده‌اند، از خاک گل می‌روید.

تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر چهر دل‌بند
«به خاطر این که» چشم بشر، رویت را نبیند، چهره‌ات را در ابرها فرو برده‌ای.

*توجه: گاه حسن تعلیل پاسخ خیال‌انگیز به یک سؤال است. (سؤال و تعجب)

خاک بغداد به مرگ خلفا می‌گیرد
گفتم این سلسله زلف بتان از پی چیست؟
هیچ دانی ز چه دامان فلک پُرگهر است؟
دانی چرا در سیر خود بر خویش می‌لرزد قلم؟
ور نه این شط روان چیست که در بغداد است؟
گفت حافظ گله‌ای از دل شیدا می‌کرد
خواست هر صبح به پای تو نثاری بکند
ترسد که ظمی را زند، در حق مظلومی رقم

*توجه: حسن تعلیل گاه در ۲ بیت موقوف المعانی شکل می‌گیرد.

من موی خویش را نه از آن می‌کنم سیاه
چون جامه‌ها به وقت مصیبت سیاه کنند
هنگام سپیده‌دم خروس سحری
یعنی که نمودند در آینه صبح
تا باز نوجوان شوم و نو کنم گناه
من موی از مصیبت پی‌ری کنم سیاه
دانی ز چه رو کنند همی نوحه‌گری؟
از عمر شبی گذشت و تو بی‌خبری

چند بیت دیگر:

در هر طرف ز خیل حوادث کمین‌گهی است
گر شاهدان نه دُئی و دین می‌برند و عقل
بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد
حاصل بی‌حاصلی نبود به جز شرمندگی
زان رو عنان‌گسسته دواند سوار عمر
پس زاهدان برای چه خلوت گزیده‌اند؟!
حاصل بی‌حاصلی نبود به جز شرمندگی

*توجه: حُسن تعلیل به معنای زیبابودن علت است. پس هر علتی نمی‌تواند حُسن تعلیل باشد. مثلاً در بیت زیر علت کاری

بیان شده، ولی چون علت زیبا و ادبی نیست و دلیل آورده‌شده منطقی است، حُسن تعلیل ندارد.

هدیه‌ها می‌داد هر درویش را تا بیابد نطق مرغ خویش را

*توجه: حروف «که، از، چون و ...» ممکن است معنای تعلیل نداشته باشند.

۳۶- در کدام گزینه شاعر از آرایه «حُسن تعلیل» سود نبرده است؟

- (۱) خورشید سوی مشرق از آن راه گم نکرد
 - (۲) چو سرو از راستی برزد علم را
 - (۳) ماهم این هفته برون رفت و به چشمم سالی است
 - (۴) دامن همت به دست آور در این گلشن که سرو
- کـز روی هم‌چو ماه تو هر روز نور یافت
 ندید اندر جهان تاراج غم را
 حال هجران تو ندانی که چه مشکل حالی است
 طی راه عالم بالا به یک پا می‌کند

۳۷- در کدام گزینه «حُسن تعلیل» وجود ندارد؟

- (۱) ز کعبه داغ سبب یاهی چرا نمی‌افتد
 - (۲) بر ما بسی کمان ملامت کشیده‌اند
 - (۳) مرا چو صبح به دست دعا نگه دارید
 - (۴) در وداع شیب همانا خون گریست
- اگر نه سوخته‌ی عشق لاله‌رویان است
 تا کار خود ز ابروی جانان گشاده‌ایم
 که روشن است جهان از نفس کشیدن من
 روی خون‌آلود زان بنممود صبح

۳۸- در همی ابیات آرایه «حُسن تعلیل» وجود دارد به جز گزینه‌ی ...

- (۱) سرو از آن پای گرفته است به یک جای مقیم
 - (۲) شاه و گدا به دیده‌ی دریادلان یکی است
 - (۳) از دلم افتاده اخگرش به گریبان
 - (۴) به یک کرشمه که در کنار آسمان کردی
- که اگر با تو رود شرمش از آن ساق آید
 پوشیده است پست و بلند زمین در آب
 بی‌سبب آن زلف پیچ و تاب ندارد
 هنوز می‌پرد از شوق، چشم کوب‌ها

۳۹- در کدام گزینه «حُسن تعلیل» به کار نرفته است؟

- (۱) دانی چرا چون ابر شد در عشق چشم عاشقان
 - (۲) خط مشکین زان نوشته بر رخس کلک قضا
 - (۳) کس در جهان ندارد، یک بنده هم‌چو حافظ
 - (۴) اختران نور مهر در دزدند
- زیرا که آن مه بیشتر در ابرها پنهان شود
 تا بود از بهر دفع چشم بند حرز و دعا
 زیرا که چون تو شاهی، کس در جهان ندارد
 ز آن بدو هیچ روی ننمایند

۴۰- در همه بیت‌ها به جز گزینه «حُسن تعلیل» به کار رفته است.

- (۱) هزار پی‌رهن از شوق می‌کند پاره
 - (۲) به پیش دست سخی تو از خجالت و شرم
 - (۳) نظر برداشت شب‌نم در هوای آفتاب از گل
 - (۴) سایه سرو سبزی گر بر زمینی کج فتد
- به گوش غنچه چو بانگ هزار می‌آید
 به جای قطره باران عرق چکد ز سحاب
 به آمی‌دی که من از عارض او چشم بردارم
 کج نماید در نظر اما به قامت راست است

حس آمیزی

همان طور که از نام آن برمی آید آمیختن دو حس از حواس پنجگانه (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی، لامسه) با یکدیگر را حس آمیزی می گویند.

با باد بوده همـره، بوی تو در سحرگه
گل‌ها شنیده بویت، خود را به باد داده
مسلم است که رایحه مربوط به حس بویایی است، ولی شاعر می گوید: گل‌ها بوی تو را شنیده‌اند و...

گر چه جز تلخی ایام ندید
هر چه خواهی سخنش شیرین است
در بیت فوق سه حس آمیزی وجود دارد: تلخی ایام، تلخی را دیدن و سخن‌های شیرین.

گر تو شیرین شکرلب به شکر خنده در آیی
به شکر خنده‌ی شیرین دل خلقی بریایی
خنده یا قابل دیدن است یا شنیدن صدای آن، اما بیت فوق به طعم آن اشاره دارد.

نمونه‌های دیگر:

چنان بر صورت شیرین این دیوانه مفتونم
که در خاطر نمی‌گنجد خیال ملک پرویزم
به ترانه‌های شیرین، به بهانه‌های رنگین
بکشید سوی خانه، مه خوب خوش‌لقا را
جان از سکوت سرد شب دلگیر می‌شد
دل در رکاب آرزوها پیر می‌شد
*توجه: حس آمیزی‌ای که یکی از حس‌ها، لامسه (خشک، سرد، زبر، سفت، لطیف و ...) باشد، دیرپاب‌تر و دیرفهم‌تر است.

با من به سلام خشک، ای دوست زبان ترکن
تا از مژه هر ساعت، لعل ترت افشانم
*نکته: توجه داشته باشید، آمدن کلماتی مانند: دیدن، شنیدن، بوییدن، نگاه کردن و انواع رنگ یا مزه و ... که مربوط به حواس پنجگانه می‌باشند، لزوماً حس آمیزی نمی‌سازند. بلکه آمیختگی دو حس ناهمگون را حس آمیزی می‌گوییم. مثلاً صفتی ناهمگون برای موصوف (جیغ بنفش) یا مضاف‌الیهی نامتعارف (گرمای سخن). در دو بیت زیر با وجود آمدن واژه‌هایی مانند «بینم و بشنوم»، ابیات فاقد حس آمیزی هستند.

تا رفتنش ببینم و گفتنش بشنوم
از پای تا به سمر همه سمع و بصر شدم
می‌داشت پدر به سوی او گوش
این قصه شنید و گشت خاموش

*توجه: توجه داشته باشید در ترکیباتی مانند: «رنگ عشق، اندیشه‌ی نرم، بوی محبت، تنهایی تلخ، ایمان روشن، ترس سرد» و مواردی از این دست، در واقع ۲ حس با هم ترکیب نشده‌اند، ولی با توجه به اینکه یک حس، در جایگاه نامناسب آمده است، این گونه ترکیب‌ها را نیز حس آمیزی می‌گیریم. در این ترکیبات یکی از دو واژه اصلاً مربوط به هیچ یک از حواس پنجگانه نیست و قاعدتاً دو حس ترکیب نشده‌اند بلکه یک حس، با یک واژه انتزاعی و ذهنی ترکیب شده است.

*توجه: نوع دیگری از حس آمیزی زمانی است که به جای حس، از واژه‌ای استفاده می‌شود که حس دارد: نمک نگاه، قند وصال

***توجه:** حس آمیزی گاه در یک واژه‌ی مرکب ایجاد می‌شود. در بیت زیر واژه مرکب «شیرین‌کار» حس آمیزی دارد.

تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین‌کار
که در برابر چشمی و غایب از نظری

***نکته:** همچنین مجدد این نکته اعلام می‌شود؛ «وجود یک آرایه، منافی وجود آرایه دیگر نیست.» مثلاً واژه «شیرین‌سخن»

کنایه از «خوش‌سخن است» و حس آمیزی هم دارد.

۴۱- در کدام بیت آرایه «حس آمیزی» به کار نرفته است؟

- (۱) از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر
- (۲) تا تو را آن بو کشد سوی جنان
- (۳) از این شعر تر شیرین، ز شاهنشاه عجب دارم
- (۴) آن بلبلم که چون کشم از دل صغیر گرم

۴۲- کدام بیت «حس آمیزی» ندارد؟

- (۱) آخر این ناله سوزنده اثرها دارد
- (۲) دید کز آن دل آغشته به خون
- (۳) رخ شاه کاووس پر شرم دید
- (۴) گوشم شنید قصه ایمان و مست شد

۴۳- کدام بیت «حس آمیزی» دارد؟

- (۱) ز رنگ آمیزی دوران مشو غافل ز من بشنو
- (۲) مرا در نهانی یکی دشمن است
- (۳) گر دهد باد صبا مزدهی و صلت خواجه
- (۴) می‌خورم زهر غمت را به حلاوت دل شاد

۴۴- کدام بیت «حس آمیزی» ندارد؟

- (۱) تشنه دیدار ساقی رونق مستی شکست
- (۲) چنان گرم از بساط خاک بگذر
- (۳) زهره در خویش ننگد ز نواهای لطیف
- (۴) شمس تبریز در آن صبح که تو درتابی

یادگاری که در این گنبد دوآر بماند
بوی گل باشد دلیل گلبنان
که سر تا پای حافظ را، چرا از زر نمی‌گیرد
بوی محبت از نفسم می‌توان شنید

شب تاریم فروزنده اثرها دارد
آید آهسته برون این آهنگ
سخن گفتنش با پسر نرم دید
کو قسم چشم؟ صورت ایمانم آرزوست

می رنگین به جام انداز و عارض ارغوانی کن
که بر بخردان این سخن روشن است
مشنو کان همه چون در نگری باد هواست
ماتمی را که بود سود ندیده است کسی

هیچ کس بویی ز می در شیشه و ساغر ندید
که شمع مردم آینه‌بندی باشی
همچو بلبل که شود مست ز گل فصل بهار
روز روشن شود از روی چو ماهت شب تار

***توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی

تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سمعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

پارادوکس (متناقض نما، تناقض)

پارادوکس ضد و نقیض گوئی است. یعنی عبارت به گونه‌ای باشد که قسمتی از کلام، متناقض و ضدّ قسمت دیگری از کلام باشد. یا دو ویژگی متضاد، در یک مفهوم جمع شود. در مصراع دوم بیت زیر «آن بینی» متناقض «آن چه نادیدنی است» می‌باشد.

چشم دل باز کن که جان بینی
گر تو خواهی تا شوی مرد ای پسر
آن چه نادیدنی است، آن بینی
هیچ درمان نیست چون درد ای پسر
که سلطنت کند آن کاو بود گدای شما
ز بندگی شما صد هزارم آزادی است

متناقض نما به سه صورت می‌آید: ۱- پارادوکس در جمله ۲- پارادوکس در ترکیب ۳- پارادوکس در واژه

۱- پارادوکس در جمله: ۱- یک جمله‌ای ۲- دو جمله‌ای

الف) یک جمله‌ای

هر گاه قسمتی از یک جمله، قسمت دیگر را نقض کند یا ضدّ قسمت دیگر باشد.

از خلاف آمد عادت بطلب کام، که من
کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

اینکه شاعر از زلف پریشان معشوق، طلب جمعیت خاطر و آسودگی می‌کند، پارادوکس دارد.

به پاس یک دل ابری دو چشم بارانی
پر است خلوتم از یک حضور نورانی

ب) دو جمله‌ای

ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی
باد معمولاً و قاعدتاً چراغ را خاموش می‌کند. حال آن که حافظ می‌گوید: اگر از این باد کمک بگیری، چراغ را روشن تر می‌کنی.
از این باد ار مدد خواهی، چراغ دل برافروزی

کسی که وسعت او در جهان نمی‌گنجد
به خانه‌ی دل من آمده است مهمانی

کسی که وسعت او در جهان نمی‌گنجد، چگونه در خانه‌ای جای می‌گیرد؟

۲- پارادوکس ترکیب

پارادوکس اکثراً به صورت ترکیب وصفی «تب سرد» یا ترکیب اضافی «صدای سکوت» در شعر و نثر به کار می‌رود و آن آوردن دو کلمه متضاد به صورت «ترکیب اضافه شده» است.

حاصل ذوق و هنر، خون جگر بود مرا
دست غریق یعنی فریاد بی‌صدایم
این هم از بی‌هنری‌های هنر بود مرا
فقیران مُنعم، گدایان شاه
گوش مروتی کو کز ما نظر نیوشد؟
چنین نقل دارم ز مردان راه

***توجه:** آوردن دو کلمه متضاد زمانی پارادوکس می‌باشد که به هم اضافه شده باشند و به صورت «..... + یا ی +» آمده باشند، و گر نه آوردن دو کلمه‌ی متضاد به صورت «..... + و +» یا جدا از هم، آرایه **تضاد** می‌سازد.

روزها کار من این است و همه **شب** سختم
 این چه نادیده خریدار تو باشی، زهرا
 که چرا غافل از احوال دل خویشتم
 روز و **شب** در غم تو، ناله که عباس کند

***نکته بسیار مهم:** در نکته بالا باید دقت داشته باشیم که پارادوکس گاه جمع کردن دو ویژگی متضاد در یک چیز است.

به یاد کاکل پرتاب و زلف پُر چینش
 با من آمیزش او الفست موج است و کنار
 دل من است که **هم جمع** و هم پریشان است
 دم به دم **با من** و پیوسته گریزان از من
 مثال عشق **پیدایی** و **پنهان**
 ندیدم همچو تو **پیدا** نهانی

***نکته:** در پارادوکس ترکیب، ممکن است بین دو کلمه متضاد، کلمه‌ی دیگری آمده باشد. در بیت زیر پارادوکس «رونق کسادی» است.

ما هیچ متاعان خجل از قدر رواجیم
 در کشور ما رونق بازار کسادی است

۳ - پارادوکس در واژه: پارادوکس ممکن است در یک واژه مرکب باشد. مانند: **خراب‌آباد، عریان‌پوش**

۴۵- در کدام بیت آرایه «متناقض‌نما» دیده نمی‌شود؟

(۱) من و زهر تو که هم زهری و هم تریاقی
 (۲) پرده بردار که بیگانه خود این روی نبیند
 (۳) ز خود هر چند بگریزم همان در بند خود باشم
 (۴) آتش سردی که بگدازد درون سنگ را

من و درد تو که هم دردی و هم درمانی
 تو بزرگی و در آیینۀ کوچک ننمایی
 رم آهوی تصویرم، شتاب ساکنی دارد
 هر که را بودست آه سرد می‌داند که چیست

۴۶- در کدام ابیات، آرایه «متناقض‌نما» به کار رفته است؟

الف) عجب مدار که در عین درد خاموشم
 ب) میان جمع، پریشان شاهی شده‌ام
 ج) به یاد کاکل پرتاب و زلف پرچینش
 د) مهبی که راز من از پرده آشکارا کرد
 هـ) از آن زمان که زمین بوس آستان توأم
 و) مگر به یاد لب باد می‌دهد ساقی

الف - ب - د (۱)
 الف - ج - هـ (۲)
 ب - د - ج (۳)
 هـ - ج - و (۴)

که درد یار پری‌چهره عین درمان است
 که از مشاهده‌اش مجمعی پریشان است
 دل من است که هم جمع و هم پریشان است
 هنوز صورت او زیر پرده پنهان است
 سسر ملوک جهان، جمله بر زمین من است
 که خاک می‌کده خوشتر ز آب حیوان است

۴۷- در همهٔ گزینه‌ها، به جز گزینه آرایهٔ متناقض‌نما (پارادوکس) به کار رفته است.

- ۱) آزاد بننده‌ای که بُود در رکاب تو
 - ۲) خوبان پارسوی گو بخشندگان عمرند
 - ۳) با سر زلف پراکنده بیا در مجمع
 - ۴) این قصهٔ عجب شنو از بخت واژگون
- خرم ولایتی که تو آنجا سفر کنی
ساقی بده بشارت، رندان پارسا را
تا بدانند که سرمایهٔ سودای منی
ما را بکششت یار به انفاس عیسوی

۴۸- در همهٔ ابیات، به جز بیت آرایهٔ «متناقض‌نما» مشهود است.

- ۱) فغان که داد ز دست ستمگری است مرا
 - ۲) سفر دراز نباشد به پای طالب دوست
 - ۳) هزار سختی اگر بر من آید آسان است
 - ۴) به هر غمی که رسد از تو خاطر م شاد است
- که هرگز نشن نیتوان گفت این چه بیداد است
که خار دشت محبت گل است و ریحان است
که دوستی و ارادت هزار چندان است
که بندهٔ تو ز بند کدورت آزاد است

۴۹- در همه ابیات زیر آرایه «پارادوکس» به چشم می‌خورد به جز گزینه.....

- ۱) جمعیت خاطر ندهد دست، کسی را
 - ۲) همه اسباب پریشانی ما جمع آمد
 - ۳) گویای سکوت و بی‌تابی درنگ
 - ۴) گروهای سربه‌سر گویای خاموش
- کاشف‌تگی از زلف پریشان تو دارد
تا ز مجموعهٔ آن زلف پریشان شده‌ایم
غم‌گین بی‌قراری‌ام و بی‌قرار هیچ
ولسی چون بحر در بر کرده در جوش

۵۰- در کدام گزینه تناقض وجود ندارد؟

- ۱) از زلزلهٔ بیش محکم شد بنای غفلتم
 - ۲) سر سودای تو در سینه بماندی پنهان
 - ۳) من نشاطی را نمی‌جویم به جز اندوه عشق
 - ۴) با مشربی ز ملک سلیمان وسیع‌تر
- رعشهٔ پیروی مرا آگاه نتوانست کرد
چشم‌تردامن اگر فاش نکردی رازم
من بهشتی را نمی‌خواهم به غیر از کوی دوست
در چشم تنگ مور به سر می‌بریم ما

تضاد

آوردن دو واژه متضاد در یک بیت یا یک عبارت را تضاد می‌گویند.

- ز روی دوست، دل دشمنان چه دریابد
نه شاخ خشک گردد روز سرما
خانه‌ی دل ما را از گرم عمارت کن
به عمری یک نفس با ما چو بنشینند، برخیزند
چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا
نه برگش زرد گردد روز گرما
پیش از آن که این خانه رو نهد به ویرانی
نهال شوق در خاطر چو برخیزند، بنشانند
روشنی در کار مردم بود مقصودم چو شمع
این که گاهی می‌زدم بر آب و آتش خویش را

***توجه:** آرایه تضاد ممکن است در یک فعل و حالت منفی آن رخ دهد.

از وجودم قدری نام و نشان هست که هست و نه از ضعف در آن جا اثری نیست که نیست

***توجه:** مهم‌ترین نکته در تضاد این است که نباید تضاد را با پارادوکس اشتباه بگیریم. هرگاه دو کلمه‌ی متضاد به هم اضافه

شوند، آن پارادوکس است و تضاد نیست. (رجوع شود به آرایه پارادوکس)

خوبان پارسی‌گوی، بخشندگان عمرند ساقی بده بشارت، رندانِ پارسا را

دو واژه رند و پارسا متضاد یکدیگرند اما در بیت فوق از دو گروه رندها و پارسایان سخن به میان نیامده، بلکه به یک گروه

«رندانِ پارسا» اشاره شده است و از آنجایی که جمع این دو با هم ممکن نیست، سخن به نوعی تناقض و پارادوکس دارد.

دولتِ فقرِ خدایا به من ارزانی دار کاین کرامت سببِ حشمت و تمکین من است

دولت به معنی سعادت و خوشبختی و فقر به معنی بدبختی است. اگر این دو جدا از هم بیایند، بیت یا عبارت، تضاد دارد، اما

جمع آن‌ها با هم پارادوکس می‌شود.

***توجه:** تضاد بین دو واژه ممکن است محسوس و آشکار نباشد.

صورتِ زیبای ظاهر هیچ نیست ای برادر سیرت زیبا بیار

***توجه:** در مراعات نظیری که دو واژه، متضاد هم باشند، آن‌ها را «تضاد» می‌گیریم نه «مراعات نظیر». (مانند «سفید و سیاه»

که در اصل مراعات نظیر هستند، چون زیر مجموعه یک چیز، یعنی «رنگ» هستند).

۵۱- آرایهٔ تضاد، در کدام بیت بیشتر است؟

ز نیکی نبودی سخن جز به راز
پس راکنده شد نام دیوانگان
پدید آمد آوای دشمن ز دوست
نهان راسنی، آشکارا گزند

۱) شیده بدر بدی دست دیوان دراز
۲) نهان گشت آیین فرزنانگان
۳) بدان بی‌بها ناسزاوار پست
۴) هنر خوار شد، جادویی ارجمند

۵۲- در کدام گزینه آرایهٔ تضاد بیش‌تر است؟

بر جفای خار هجران صبر بلبل بایدش
از مستی‌اش رمزی بگو، تا ترک هشیاری کند
بمدین درگاه حافظ را چو می‌خوانند، می‌رانند
منع جوان و سرزنش پیر می‌کنند

۱) باغبان گر پنج روزی صحبت گل بایدش
۲) پشمینه‌پوش تندخو، از عشق نشنیده است بو
۳) در این حضرت، چو مشتاقان نیاز آرند، ناز آرند
۴) ناموس عشق و رونق عشاق می‌برند

ایهام

هرگاه شاعر یا نویسنده یک واژه و یا عبارت را به گونه‌ای به کار ببرد که دو یا چند معنای قابل قبول از آن برداشت شود. توجه شود که در ایهام باید هر دو معنی قابل قبول باشند و هیچ کدام از دو معنی لطمه‌ای به معنای شعر وارد نکند.

ز گریه مردم چشمم نشسته بر خون است بین که در طلبت حال مردمان چون است؟
مردمان: ۱- مردم (بین حال مردم برای رسیدن به تو چگونه است؟) ۲- مردمک‌ها (بین حال مردمک‌هایم برای رسیدن به تو چگونه است؟)

بر بوی سر زلف تو چون عود بر آتش می‌سوزم و می‌سازم و باد است به دستم
بوی: ۱- رایحه (با رایحه‌ی سر زلف تو... می‌سوزم) ۲- امید (بر امید سر زلف تو... می‌سوزم)

اگر دو چشم تو مست مُدام خواهد بود خروش و مستی ما بر دوام خواهد بود
مدام: ۱- پیوسته (اگر دو چشم تو، پیوسته مست خواهد بود...) ۲- شراب (اگر دو چشم تو، مست شراب خواهد بود...)

عهد کردی که کُشی فرصت خود را روزی فرصت ار یافتی، آن عهد فراموش نکن
عهد: ۱- پیمان (اگر فرصت یافتی آن پیمان را فراموش نکن) ۲- روزگار (اگر فرصت یافتی آن روزگار را فراموش نکن)

*توجه: فرصت در این بیت تخلص شاعر است. و خودش ایهام دارد. ۱- اگر فرصت (زمان) یافتی ۲- اگر فرصت (شاعر) را یافتی
همچو چنگم سر تسلیم و ارادت در پیش تو به هر ضرب که خواهی بزن و بنوازم

ضرب: ۱- ضربه ۲- ساز
ای دمت عیسی، دم از دوری مزین من غلام آن که دوراندیش نیست

دوراندیش: ۱- آگاه و آینده‌نگر ۲- کسی که به دوری می‌اندیشد
*توجه: گاه ایهام بسیار هنرمندانه است و یک کلمه بیش از دو معنا می‌دهد.

امشب صدای تیشه از بیستون نیامد شاید به خواب شیرین فرهاد رفته باشد
خواب شیرین: ۱- خوابی خوش ۲- خواب شیرین را دیدن (نام معشوقه‌اش) ۳- خواب شیرین کنایه از مرگ!

*توجه: گاه یک کلمه بسیار ساده می‌تواند ایهام داشته باشد. مانند واژه نگران: ۱- ناراحت ۲- نگاه‌کنان
مرغ دل باز هوادار کمان ابروی است ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد

چون جام شفق موج زند خون به دل من با این همه دور از تو مرا چهره زردی است
۱- دور از وجود تو، در فراق تو ۲- دور از جان تو

ایهام تناسب

هرگاه شاعر واژه‌ای را به گونه‌ای به کار ببرد که یک معنای آن قابل قبول و معنای دیگر آن با کلمه یا کلماتی در بیت فقط ارتباط و تناسب معنایی داشته باشد. (امیدوارم بوی غذا به مشامش برسد).

گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد؟ اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم

روی: ۱- چهره ۲- فلز روی ۳- بالای

مسلم است که منظور فقط معنای اول (چهره) است و معنای دوم فقط با کلماتی مثل مس و زر تناسب معنایی دارد.

چون شبنم اوفتاده بدم پیش آفتاب مهرم به جان رسید و به عیوق برشدم

مه‌ر دو معنا دارد: ۱- عشق ۲- خورشید. از این دو معنا فقط معنای اول در شعر قابل قبول است: «عشق من را به بلندی رساند» قابل قبول و «خورشید من را به بلندی رساند» غیر قابل قبول. اما معنای دوم با کلماتی مانند آفتاب و عیوق (که ستاره‌ای در بلندی‌هاست) تناسب معنایی دارد. این گونه ایهام را ایهام تناسب می‌گوییم.

روی خوب آیتی از لطف بر ما کشف کرد ز آن زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما

آیت: ۱- نشانه ۲- آیه (جزئی از قرآن). مسلم است که فقط معنای اول آن به کار شعر می‌آید و معنای دوم آن با واژه تفسیر فقط تناسب معنایی دارد.

چرا ملامت خواجو کنی که چون فرهاد به پای دوست درافکند جان شیرین را؟

جان شیرین می‌تواند دو معنا داشته باشد: ۱- جان ارزشمند ۲- جان شیرین معشوقه فرهاد. مسلم است که فرهاد جان معشوقه‌اش را به پای کسی نمی‌افکند و در این بیت «جان شیرین» به معنی «جان عزیز و گرانقدر» است. اما شیرین در این معنی نام شیرین، با خود فرهاد تناسب دارد. لذا این ایهام را «ایهام تناسب» می‌گویند.

چنان سایه گسترده بر عالمی که زالی نیندیشد از رستمی

زال: ۱- پیر و ناتوان ۲- پدر رستم

آن چنان امنیتی در جهان به وجود آورد که هیچ شخص ناتوانی از هیچ کس - حتی رستم - نترسد.

***نکته:** در دریافت آرایه ایهام، اصلی‌ترین تبخّر، دانستن معنی کلمات است. وقتی به معنی کلمات صفحه بعد دقت کنید، متوجه می‌شوید چرا نمی‌توانستید تست‌های ایهام و ایهام تناسب را درست جواب بدهید. چون بسیاری از این معانی را نمی‌دانید. و جالب اینجاست که همه‌ی این واژگان، به صورت ایهام یا ایهام تناسب، در کنکور آمده‌اند. پس این واژگان را به خاطر بسپارید.

واژگانی که قابلیت ایهام دارند.

این واژگان برای مبحث جناس تام نیز بسیار مهم هستند.

| واژه | معانی | واژه | معانی |
|------------|---|--------|--|
| چنگ | چنگ دست، نام ابزار موسیقی | قانون | اساس و قاعده، نام ابزار موسیقی |
| رود | رودخانه، فرزندان، ابزار موسیقی | راه | طریق و راه، اصطلاح موسیقی |
| نوا | ساز و برگ و دارایی، اصطلاح موسیقی | مخالف | غیر موافق، اصطلاح موسیقی |
| آهنگ | قصد و نیت انجام کاری، نغمه و صدا | تار | تاریک، رشته مو، نام ابزار موسیقی |
| پرده | حجاب و پرده، اصطلاح موسیقی | گوشه | کُنج، اصطلاح موسیقی |
| شور | طعم شور، هیجان، اصطلاح موسیقی | عود | چوبی خوشبو، نام ابزار موسیقی |
| عشاق | عاشقان، اصطلاح موسیقی | زدن | ضربه زدن، نواختن ساز |
| رخ | مهره شطرنج، عضو بدن | قلب | قسمتی از لشکر و سپاه، تقلبی، عضو بدن |
| عین | مثل و مانند، عضو بدن (چشم) | روی | بالا، فلز روی، عضو بدن |
| مردم | مردم و انسان‌ها، عضو بدن (مردمک‌ها) | کام | آرزو، عضو بدن (دهان) |
| کنار | ساحل، عضو بدن (آغوش) | شانه | ابزار آرایشگری، عضو بدن (کتف و دوش) |
| روان | جاری، روح و جان | بالا | جهت بالا، قد و قامت |
| هزار | عدد هزار، بلبل و هزار دستان | آهو | نام حیوانی، عیب و نقص |
| پروانه | حشره پروانه، جواز و اجازه | گور | قبر، گورخر |
| باز | پرنده شکاری و شاهین، دوباره، باز | بوم | جغد، آشیانه و سرزمین |
| نهاد | سرشت و ضمیر و باطن، فعل ماضی از «نهادن» | منال | اموال دنیوی، فعل امر از مصدر «نالیدن» |
| داد | عدل و داد، فعل ماضی از مصدر «دادن» | مال | دارایی، فعل امر از مصدر «مالیدن» |
| زاد | توشه، فعل ماضی از مصدر «زادن» | باد | جریان هوا، فعل داعی «باشد» |
| بهشت | جنت و فردوس، فعل ماضی از مصدر «هشتن» | نوش | شهد و غسل، فعل امر از مصدر «نوشیدن» |
| پری | موجود زیبا روی، فعل مضارع التزامی بدون بـ | گرفت | دلگیر شدن، فعل ماضی از مصدر «گرفتن» |
| مالک دینار | صاحب ثروت، نام شخصیتی | حجاج | پنبه‌زن، منصور حلاج |
| شیرین | نام زنی، طعم شیرین | خلیل | دوست، حضرت ابراهیم |
| شکر | ماده شیرین و خوراکی، نام زنی (هووی شیرین) | مخفی | پوشیده و پنهان، تخلص شاعر «زیب‌النساء» |
| خسرو | پادشاه، خسرو پرویز | شهریار | پادشاه، تخلص شاعر؛ بهجت تبریزی |
| مجنون | نام شخصیت قیس بن بنی عامر، دیوانه | خמוש | ساکت و خاموش، تخلص مولانا |
| ضحاک | شخصیتی در شاهنامه، خنده‌رو | بهبایی | دارای ارزش، شیخ بهایی |
| عزیز | دوست‌داشتنی، معادل وزیر در مصر باستان | زال | پدر رستم، پیر و ناتوان |
| مهر و وفا | مهر و وفا و محبت، نام دو عاشق و معشوق | دستان | پدر رستم، مکر و فریب |

| | | | |
|---------------|--|-----------|--------------------------------------|
| چین | چین و چروک و شکن، کشور چین | صفا | صفا، نام محلی |
| شام | وعده غذایی، شب، کشور سوریه | بهشت | جنت، رها کرد (فعل ماضی از مصدر هشتن) |
| مصر | کشور مصر، شهر | گلستان | باغ و بوستان، گلستان سعدی |
| بیت | بیت شعر، خانه، چهارچوب در (دو لنگه در) | سپید | رنگ سپید، شعر سپید |
| مصراع | مصراع بیت، یک لنگه در | بی‌وزن | کم‌وزن، کم‌ارزش، بدون وزن شعری |
| مُدام | شراب، پیوسته | راح | شراب، شادمانی |
| دُور | دُور و اطراف، روزگار و ایام | عهد | پیمان و میثاق، روزگار و ایام گذشته |
| راست | مخالف چپ، درست و دقیق، را است | چپ | سمت چپ، چپکی و چپول |
| بوی | رایحه، امید و آرزو | دستور | دستور و فرمان، وزیر |
| دم | نفس، خون، لحظه | قدر | تقدیر، قدر و ارزش و انداز و مقدار |
| دار | چوبه‌ی دار، درخت | خطر | خطرناک، ارزشمند |
| آب | مایع نوشیدنی، آبرو و رونق و اعتبار | باب | در، موضوع (باب‌های بوستان و گلستان) |
| مشتری | خریدار، سیاره مشتری | آیت | آیه، نشانه |
| قلم | ابزار نوشتن، شکسته (مانند پای قلم شده) | صبر | شکیبایی، گیاهی تلخ |
| سو | سمت و جهت، نور و روشنایی و بینایی | هوا | باد هوا، میل و خواسته (تمایل) |
| لاله | نام گل، نام چراغ | دور از تو | در فراق تو، دور از جان تو |
| مهر | عشق، خورشید | مات | مبهوت شدن، باختن در شطرنج |
| قربان | قربانی، وسیله جنگی | خویش | خود و خویشتن، اقوام |
| از نظر افتادن | از چشم افتادن، بی‌اعتبار شدن | از نو | دوباره، از نگاه شعر نو |
| شفا | درمان، نام کتابی از ابن سینا | اشارات | اشاره‌ها، نام کتابی از ابن سینا |

***نکته بسیار مهم:** نباید فکر کنیم که این کلمات حتماً ایهام یا ایهام تناسب می‌شوند. این کلمات دقیقاً می‌توانند **تله‌ی کنکوری** باشند و ایهام یا ایهام تناسب نسازند. **در کل کلمات فوق سه حالت دارند:** ممکن است ایهام داشته باشند. (به بوی سر زلف تو در تلاشم.) ممکن است ایهام تناسب داشته باشند. (امیدوارم بوی غذا به مشامش برسد.) و ممکن است نه ایهام داشته باشند و نه ایهام تناسب. (بوی غذای مادر در خانه پیچیده است.). این واژه‌ها را به این دلیل یاد می‌گیریم که در **اغلب موارد** این‌ها ایهام یا ایهام تناسب می‌سازند. در واقع اول این واژه‌ها را در بیت بررسی می‌کنیم.

***توجه:** اگر این کلمات ۲ بار بیابند، به جز بحث بودن یا نبودن ایهام، **بحث جناس تام** نیز مطرح می‌شود.

***توجه:** ایهام از مهم‌ترین آرایه‌های کنکوری است و بدون شک از سوالات اصلی کنکور است. در اهمیت ایهام، همین نکته را

بگویم که در ادبیات تخصصی رشته انسانی سال ۹۸، از ۸ سوال آرایه، ۲ سوال فقط ایهام بود و در ۴ سوال دیگر هم، ایهام در

گزینه‌ها وجود داشت و نقش تعیین‌کننده داشت! با بررسی و تحلیلی که از سوالات سال‌های قبل داشتم، **کلّ واژگان ایهام‌دار** را

استخراج کرده و با هر دو یا سه معنی برایتان آورده‌ام. مجدداً تاکید می‌کنم در هر سوالی که آرایه ایهام مطرح شده بود؛ ابتدا باید ببینید این واژه‌ها را می‌بینید یا خیر؟ به احتمال زیاد ایهام مدّ نظر از همین واژه‌ها باشد. ولی باید توجه داشته باشید؛ ممکن است طراح تله‌ی کنکوری گذاشته باشد. یعنی این واژگان را بیاورد، ولی ایهام یا ایهام تناسب نداشته باشند و در یک معنا به کار رفته باشند. (توجه داشته باشید که گفتیم: این واژگان می‌توانند ایهام بسازند و نگفتیم که قطعاً ایهام می‌سازند.)

تمرین: در ابیات زیر ایهام‌ها و ایهام تناسب‌ها را مشخص کنید.

- ۱ - زهره سازی خوش نمی‌سازد مگر عودش بسوخت کس ندارد ذوق مستی، می‌گساران را چه شد؟
- ۲ - مدامم مست می‌دارد نسیم جعد گیسویت خرابم می‌کند هر دم فریب چشم جادویت
- ۳ - هنر بیار و زبان‌آوری مکن سعدی چه حاجت است که گوید شکر که شیرینم؟
- ۴ - گر قلب دلم را نهد دوست عیاری من نقد روان در دمش از دیده شمارم
- ۵ - به راستی که نه هم‌بازی تو بودم من تو شوخ دیده مگس بین کسه می‌کند بازی
- ۶ - در راه تو حافظ چو قلم کرد ز سر پای چون نامه چرا یک دمش از لطف نخوانی؟
- ۷ - گفتم که یکی بوسه زخم بر دهنت اندر دهنم بود که زد بر دهنم
- ۸ - جز قلب تیره هیچ نشد حاصل و هنوز باطل در این خیال که اکسیر می‌کنند
- ۹ - چون کسه پیوسته دل سوخته می‌خواهد دوست گر نه قلبی تو در آتش رو و بگذار ای دوست
- ۱۰ - گل را چه غم ز زاری بلبل که در چمن او را هزار عاشق زار است هم‌چو من
- ۱۱ - از اسب پیاده و بر نطح زمین رخ نسه زیر پی پیلش بین شهمات شده نعمان
- ۱۲ - به بوی زلف و رخت می‌روند و می‌آیند صبا به غالیه‌سای و گل به جلوه‌گری
- ۱۳ - شاه شمشاد قدان خسرو شیرین دهنان که به مژگان شکنند قلب همه صفشکنان
- ۱۴ - به شهر عشق منم شهریار و چون حافظ منم که شهره شهرم به عشق‌ورزیدن
- ۱۵ - آخر ای مطرب از این پرده عشاق بگرد چند گویی که مرا پرده به چنگ تو درید

چه تفاوت؟ کـــه ایاز آنچه کند محمود است؟
 که خار راه او در زیر پا ریحانه می‌آید
 بنگر ای خسرو خوبان که چه شیرین سختم
 دور از تو آن‌چنان که منم هیچ‌کس مباد
 گو نوا از من شب‌خیز بیاموز امشب
 فغان کـــه ناله بی‌اختیار شد غمّاز
 خواندم افسانه شیرین و بـــه خوابش کردم
 عاشق مسکین چـــرا چندین تجمل بایدهش
 ز تاب جعد مشکینش چه خون افتاده در دل‌ها
 بر طرف چمن باز به پرواز نیامد
 نه چنگ به قانون و نه دف بر دست است
 که تلخی شکر باشد از دست دوست
 این عقده تا همیشه سرواشدن نداشت
 میان دل و کام دیوارها
 خوش حلقه‌ای است لیک به در نیست راه از او
 جانب هیچ آشنا نگاه ندارد
 من از جفای تو ای جان نازنین چه کنم
 ذره تا مهر نبیند به ثریا نرسد

۱۶ - از تو گر لطف و کرم ور همه جور است و ستم
 ۱۷ - چنان با باده عشق تو سرگرمم در این گلشن
 ۱۸ - شور سودای من و تلخی عیشم بگذار
 ۱۹ - گفתי کـــه تا ز نزد تو دورم چگونه‌ای؟
 ۲۰ - مرغ شب‌خوان کـــه دم از پرده عشاق زند
 ۲۱ - به سان چنگ بـــه صد پرده می‌نهفتم راز
 ۲۲ - غرق خـــون بود و نمی‌مرد ز حسرت فرهاد
 ۲۳ - کیست حافظ تا ننوشد باده بی‌آواز رود؟
 ۲۴ - به بوی نافه‌ای کآخر صبا زان طره بگشاید
 ۲۵ - چون بلبل دلسوخته را بال شکستند
 ۲۶ - در مجلس دهر ساز مستی پست است
 ۲۷ - نه تلخ از صبری کـــه بر یاد اوست
 ۲۸ - چون عقده‌ای به بغض فرو بود حرف عشق
 ۲۹ - کشیدند در کوی دلدادگان
 ۳۰ - خط عذار یار که بگرفت ماه از او
 ۳۱ - دیدم و آن چشم دل سیه که تو داری
 ۳۲ - من از هوای تو ای سرو راستین چه کنم
 ۳۳ - ز آسمان بگذرم ار بر منت افتد نظری

- ۳۴ - ماهم این هفته برون رفت و به چشم سالی است حال هجران تو چه دانی که چه مشکل حالی است
- ۳۵ - پروانه او گر رسدم در طلب جان چو شمع همان دم بسه دمی جان بسپارم
- ۳۶ - گرمی گریزم از نظر مردمان، رهی عیبم مکن که آهوی مردم ندیده‌ام
- ۱ - ایهام تناسب در واژه‌ی «عود»: معنای مد نظر در شعر «بزار موسیقی» و در معنای «چوب خوشبو» تناسب با سوختن.
- ۲ - ایهام تناسب در واژه‌ی «مدام»: معنای مد نظر در شعر «پیوسته» و در معنای «شراب» تناسب با مست و خراب.
- ۳ - ایهام تناسب در واژه‌ی «شکر»: معنای مد نظر در شعر «ماده خوراکی» و در معنای «معشوقه فرهاد» تناسب با شیرین.
- ایهام تناسب در واژه‌ی «شیرین»: معنای مد نظر در شعر «مزه شیرین» و در معنای «معشوقه فرهاد» تناسب با شکر.
- ۴ - ایهام تناسب در واژه‌ی «قلب»: معنای مد نظر در شعر «تقلّبی» و در معنای «عضوی از بدن» تناسب با دل و دیده.
- ۵ - ایهام در واژه‌ی «بازی»: معنای نخست؛ بازی و تفریح - معنای دوم: باز (پرنده شکاری).
- ۶ - ایهام در ترکیب «قلم کرد»: معنای نخست؛ به قلم تبدیل کرد - معنای دوم؛ قطع کرد و شکست.
- ایهام تناسب در واژه‌ی «نخوانی»: معنای مد نظر در شعر «دعوت نکنی» و در معنای «خواندن» تناسب با نامه.
- ۷ - ایهام در واژه «زد»: معنای نخست؛ ضربه زد - معنای دوم؛ بوسه زد.
- ۸ - ایهام در واژه‌ی «قلب»: معنای نخست؛ عضو بدن - معنای دوم؛ محصول تقلّبی.
- ۹ - ایهام تناسب در واژه‌ی «قلب»: معنای مد نظر در شعر «تقلّبی و غیر اصلی» و در معنای «عضوی از بدن» تناسب با دل.
- ۱۰ - ایهام تناسب در واژه‌ی «هزار»: معنای مد نظر در شعر «عدد هزار» و در معنای «عندلیب و بلبل» تناسب با بلبل.
- ۱۱ - واژگان «اسب، نطع، رخ، پیل و شهمات شدن» همگی ایهام تناسب دارند. (توجه به اصطلاحات شطرنج).
- ۱۲ - ایهام در واژه‌ی «بو»: معنای نخست؛ امید و آرزو - معنای دوم؛ رایحه.
- ۱۳ - ایهام تناسب در واژه‌ی «قلب»: معنای مد نظر در شعر «مرکز و میانه لشکر» و در معنای «عضوی از بدن» تناسب با دهن و مزگان.
- ۱۴ - ایهام در واژه‌ی «شهریار»: معنای نخست؛ محمدحسین بهجت تبریزی - معنای دوم؛ پادشاه.
- ۱۵ - ایهام تناسب در واژه‌ی «پرده» در مصراع دوم: معنای مد نظر در شعر «حجاب و پوشش» و در معنای «اصطلاح موسیقی»

تناسب با مطرب و عشاق چنگ.

- ایهام در واژه‌ی «چنگ»: معنای نخست؛ وسیله موسیقی - معنای دوم، چنگ دست.
- ۱۶ - ایهام تناسب در واژه‌ی «محمود»: معنای مد نظر در شعر «پسنندیده و خوب» و در معنای «سلطان محمود غزنوی» تناسب با ایاز.
- ۱۷ - ایهام در واژه‌ی «سرم گرم»: معنای نخست؛ مشغول و سرگرم بودن - معنای دوم؛ گرم شدن سر به سبب نوشیدن شراب.
- ۱۸ - ایهام تناسب در واژه‌ی «شور»: معنای مد نظر در شعر «شور و هیجان» و در معنای «طعم شور» تناسب با تلخ. واژگان «خسرو و شیرین» نیز ایهام تناسب دارند.
- ۱۹ - ایهام در ترکیب «دور از تو»: معنای نخست؛ در دوری از تو - معنای دوم؛ دور از جان تو.
- ۲۰ - ایهام در واژه‌ی «عشاق»: معنای نخست؛ عاشقان - معنای دوم؛ پرده موسیقی.
- ایهام در واژه‌ی «نوا»: معنای نخست؛ صدا و نغمه - معنای دوم؛ دستگاه موسیقی.
- ۲۴ - ایهام در واژه‌ی «بو»: معنای نخست؛ رایحه - معنای دوم؛ امید و آرزو.
- ۲۵ - ایهام تناسب در واژه‌ی «باز»: معنای مد نظر در شعر «دوباره و مجدد» و در معنای «پرنده شکاری» تناسب با بلبل.
- ۲۶ - ایهام تناسب در واژه‌ی «چنگ»: معنای مد نظر در شعر «بزار موسیقی» و در معنای «چنگ دست» تناسب با دست.
- ۲۷ - ایهام تناسب در واژه‌ی «صبر»: معنای مد نظر در شعر «شکیبایی» و در معنای «نوعی دارو» تناسب با تلخ.
- ۲۸ - ایهام در واژه‌ی «عقده»: معنای نخست؛ بیماری روحی و روانی - معنای دوم؛ گیره.
- ۲۹ - ایهام تناسب در واژه‌ی «کام»: معنای مد نظر در شعر «آرزو و خواسته قلبی» و در معنای «دهان» تناسب با دل.
- ۳۰ - ایهام در واژه‌ی «بگرفت»: معنای نخست؛ گرفتگی ماه - معنای دوم؛ گرفتن و اخذ کردن.
- ۳۱ - ایهام در واژه‌ی «دل سیه»: معنای نخست؛ بی‌رحم - معنای دوم؛ دارای مرکز سیاه.
- ایهام در ترکیب «نگاه ندارد»: معنای نخست؛ محافظت نمی‌کند - معنای دوم؛ نگاه نمی‌کند.
- ۳۲ - ایهام در واژه‌ی «هوا»: معنای نخست؛ جریان هوا - معنای دوم؛ میل و تمایل.
- ۳۳ - ایهام در واژه‌ی «مهر»: معنای نخست؛ عشق و محبت و مهربانی - معنای دوم؛ خورشید.
- ۳۴ - ایهام تناسب در واژه‌ی «ماه»: معنای مد نظر در شعر «ماه آسمان و استعاره از معشوق» و در معنای «۳۰ روز» تناسب با هفته و سال.
- ۳۵ - ایهام تناسب در واژه‌ی «پروانه»: معنای مد نظر در شعر «مجوز و اجازه» و در معنای «نوعی حشره زیبا» تناسب با شمع.
- ۳۶ - ایهام تناسب در واژه‌ی «آهو»: معنای مد نظر در شعر «حیوان» و در معنای «عیب» تناسب با عیب.

۵۳- در همه ابیات به استثنای بیت..... «ایهام تناسب» وجود دارد.

- ۱) طایر دولت اگر باز گذاری بکنند
 - ۲) آنچه سعی است من اندر طلبت بنمایم
 - ۳) روزی نگر طوطی جانم سوی لب
 - ۴) دل چه خورده است عجب دوش که من مخمورم
- یار باز آید و با وصل قمراری بکنند
این قدر هست که تغییر قضا نتوان کرد
بر بوی پسته آمد و بر شکر اوفتاد
یا نمکدان که دیده است که من در شورم

۵۴- کدام بیت «ایهام» دارد؟

- ۱) کیست حافظ تا ننوشد باده بی آواز رود
 - ۲) غم مخور سلمان به غم خوردن که چرخ از خون خویش
 - ۳) اسرار عشقت از در گفت و شنید نیست
 - ۴) درگذشت از سر من آب ولی گر دهم
- عاشق مسکین چرا چندین تجمل بایش
هر همایی را که بینی استخوانی می دهد
سری است بوالعجب که نه کس گفت و نه شنید
آشنایی مددی دستی و پای بزم

۵۵- در کدام یک از ابیات زیر «ایهام» به کار رفته است؟

- ۱) در مشک و عود و عنبر و امثال طیبات
 - ۲) مدام از پریشانی روزگار
 - ۳) چون بلبل دلسوخته را بال شکستند
 - ۴) آواز چنگ مطرب خوش گوی، گو مباش
- خوش تر ز بوی دوست دگر هیچ طیب نیست
دلش پر ز حسرت، تنش سوگوار
بر طرف چمن باز به پرواز نیامد
ما را حدیث همدم خوش خوی خوش تر است

۵۶- کدام بیت ایهام دارد؟

- ۱) خاطر بادیه عشق تو بیش از پیش است
 - ۲) عیب بلبل نتوان کردن اگر فصل بهار
 - ۳) خاک ره بر من شرف دارد اگر مست و خراب
 - ۴) تا کی از سیم و زرت کیسه تهی خواهد بود؟
- این چه دام است که دور از تو مرا در پیش است؟
ترک جان گوید و سرمست به گلزار آید
بر در میخانه خفتن خوشتر از سنجاب نیست
بنده من شو و برخور ز همه سیم تنان

۵۷- در کدام گزینه آرایه «ایهام» وجود دارد؟

- ۱) اشکم افتاد از نظر زان رو فرورفت او به خاک
 - ۲) ندارم خواب من، از آستانت بو که خواب آید
 - ۳) تا عهد تو دربستم، عهد همه بشکستم
 - ۴) در حریم وصل، اشک شور من شیرین نشد
- برکشیدم ناله را تا از ثریا برگذشت
بیار آن خاک را هم خوابه آن چشم گریان کن
بعد از تو روا باشد، نقض همه پیمانها
کعبه نتوانست کردن تلخی از زمزم جدا

۵۸- در همه ابیات آرایه «ایهام» به کار رفته است: به جز گزینه

- ۱) بلبل برگ گلی خوش رنگ در منقار داشت
 - ۲) آتش مهر تو را حافظ عجب در سر گرفت
 - ۳) گر زنی بر صف دل، خنجر مژگان چه کشی؟
 - ۴) به هیچ دور نخواهند یافت هشیارش
- و اندر آن برگ و نوا، خوش ناله های زار داشت
آتش دل کی به آب دیده بنشانم چو شمع؟
ور نشوی قلب شکن بر سر میدان چه کنی؟
چنین که حافظ ما مست باده ازل است

اسلوب معادله

هر گاه شاعر برای تأکید و زیبایی آفرینی، مفهوم یک مصراع را با حالتی تشبیهی، در مصراع دیگر بیان کند. در اسلوب معادله دو مصراع از نظر معنایی و مفهومی کامل و مستقل می‌باشند ولی آنچنان شباهتی بین آن دو است که می‌توان بین دو مصراع علامت مساوی (=) قرار داد یا جای دو مصراع را عوض کرد یا بین آن‌ها لفظ «همان‌طور که» قرار داد.

دود اگر بالا نشیند کسر شأن شعله نیست جای چشم ابرو نگیرد گر چه او بالاتر است
دود اگر چه بالاتر از آتش می‌ایستد اما از آتش ارزشمندتر نیست. «همان‌طور که» ابرو از چشم بالاتر قرار دارد ولی از چشم بالارزش‌تر نیست.

بی‌کمالی‌های انسان از سخن پیدا شود پسته‌ی بی‌مغز چون لب واکند رسوا شود
بی‌کمالی و کم‌ارزش بودن انسان‌ها از طرز سخن‌گفتن آن‌ها مشخص می‌شود «همان‌طور که» بی‌مغزی و پوچ بودن پسته با بازشدن دهان آن معلوم می‌شود.

عیب پاکان زود بر مردم هویدا می‌شود موی اندر شیر خالص زود پیدا می‌شود
عیب و کار زشت انسان‌های خوب، خیلی زود برای دیگران مشخص می‌شود «همان‌طور که» مو، در شیر بسیار زود پیدا می‌شود.
*توجه: مصراع دوم در اسلوب معادله، قابل فهم‌تر و محسوس‌تر است. در واقع شاعر بر مبنای تشبیه، مصراع دوم را می‌آورد که مصراع اول بهتر فهمیده شود.

حُسن بیان مجوی ز ما دلشکستگان از کاسه‌ی شکسته نخیزد صدا، دُرست
شاعر در مصراع اول مفهومی ذهنی را بیان می‌کند و می‌گوید از مایی که دلشکسته‌ایم، زیبایی گفتار انتظار نداشته باش. این موضوع و مفهوم به راحتی قابل درک و فهم نیست، لذا شاعر مثالی عینی می‌آورد تا مفهوم و منظور خود را برساند و می‌گوید: همان‌طور که کاسه و چینی و شیشه‌ای که ترک داشته باشد، صدای ضربه‌ای که به آن می‌خورد را به خوبی انعکاس نمی‌دهد.
*توجه: اسلوب معادله بر پایه‌ی تشبیه مرکب است. لذا در هر مصراع حداقل دو واژه وجود دارد که با دو واژه در مصراع دیگر تشابه و تناسب دارد.

عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را
صائب مجو کدورت خاطر ز عارفان غیر از صفای وقت، در آیینه‌خانه نیست
ریشه نخل کهن‌سال از جوان افزون‌تر است بیشتر دلبستگی باشد به دنیا پیر را
مرا کیفیت چشم تو کافی است ریاضت‌کش به بادامی بسازد
روشن‌دلان خوش‌آمد شاهان نگفته‌اند آیینه عیب‌پوش سکن‌در نمی‌شود

***نکته:** در اسلوب معادله شاعر یک حکم کلی صادر می‌کند و ما می‌توانیم بگوییم «درست است یا غلط است و یا بگوییم چطور و چرا» و در مصراع دوم شاعر بر پایه‌ی تشبیه، دلیلی تأکیدی یا تمثیلی می‌آورد تا آن را قبول کنیم یا مطلب برای ما جا بیفتد.

اشک ندامت است سیه‌کار را فزون (چرا؟) در تیرگی زیاده بود ریزش سحاب
ز سخت‌گیری دوران چه باک عارف را؟ (چرا؟) ز قحطسال، هم‌ا بینوا نخواهد شد
شراب گرد گُذورت نبرد از دل ما (برای چه) چو دانه سوخته باشد چه از سحاب آید؟
قطع امید کرده نخواهد نعیم دهر (چرا؟) شاخ بریده را نظری بر بهار نیست
آدمی پی‌بر چو شد حرص جوان می‌گردد (چرا؟) خواب در وقت سحرگاه گران می‌گردد
صورت نبست در دل ما کینه‌ی کسی (چطور؟) آینه هر چه دید فراموش می‌کند

سوال: آیا بیت زیر اسلوب معادله دارد؟

بی تردّد دامن روزی نمی‌آید به دست می‌کند با کاهلان این نکته تلقین آسیا
جواب: خیر. زیرا مصراع دوم مستقل نیست و صریحاً به مصراع اول اشاره دارد. مثلاً اگر مصراع دوم اینگونه بود، اسلوب معادله داشت: «آسیا خون می‌خورد تا گندمی حاصل کند»

***نکته بسیار مهم:** مستقل بودن معنای هر مصراع یکی از شرایط اسلوب معادله است و مشخص است آنچه که لازم است، کافی نیست. یعنی فقط با همین مورد ممکن است بیت اسلوب معادله نداشته باشد. چنانچه بیت زیر در هر مصراع استقلال معنایی دارد، ولی اسلوب معادله ندارد زیرا مصراع دوم حالت تأکیدی و تشبیهی از مصراع اول نیست.

دل در طلب خنده شیرین تو خون شد جان در طمع لعل شکرخای تو افتاد

***نکته بسیار مهم:** در پایان ابیاتی که اسلوب معادله دارند، معمولاً یا «فعل اسنادی وجود» دارد یا حرف «را».

۵۹- در کدام بیت «اسلوب معادله» به کار نرفته است؟

(۱) ز طبع خسته‌ی من عذر خامشی می‌پذیر
(۲) هر که دل پیش دلبری دارد
(۳) نخواهد آتش از همسایه هر کس جوهری دارد
(۴) اقبال خصم هر چه فزون‌تر شود نکوست

سخن گره نگشاید چو طبع بسته بود
ریش در دست دیگری دارد
چنار از سینه خود می‌کند ایجاد آتش را
فواره چون بلند شود سرنگون شود

۶۰- در کدام بیت آرایه «اسلوب معادله» به کار نرفته است؟

(۱) ز سخت‌گیری دوران چه باک عارف را
(۲) دلی که نیست خراشی در او، زمین‌گیر است
(۳) چه شد که از همه جا بوی درد می‌آید
(۴) در نگیرد صحبت زاهد به صافی‌مشربان

ز قحطسال هما بینوا نخواهد شد
زری که سگّه ندارد روان نمی‌باشد
ز هر که می‌شنوم آه سرد می‌آید
زشت در یک دیدن از آینه روگردان شود

۶۱- در چند بیت از ابیات زیر آرایه اسلوب معادله وجود دارد؟

الف) سعدی از سرزنش غیر نترسد هیئات
 ب) به زندان قفس مرغ دلم چون شاد می‌گردد
 ج) گر ز مردم به تو آزار رسد باکی نیست
 د) جان می‌دهم نهفته که دل پی نمی‌برد
 هـ) ساده‌لوحان زود می‌گیرند رنگ همنشین
 و) بعد از این در عوض اشک، دل آید بیرون

۱) دو

۲) سه

۳) چهار

۴) پنج

غرقه در نیل چه اندیشه کند باران را
 مگر روزی که از این بند غم آزاد می‌گردد
 جهد کن کز تو به مردم نرسد آزاری
 خون می‌خورم چنان که لبم تر نمی‌شود
 صحبت طوطی سخنور می‌کند آینه را
 آب چون کم شود از چشمه گل آید بیرون

***توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سمعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

تلمیح

تلمیح در لغت به معنای «به‌گوشه‌ی چشم نگریستن» است و در اصطلاح ادبی اشاره‌کردن به آیات، احادیث، داستان‌های عاشقانه و تاریخی، مَثَل و... است.

| | |
|--|--|
| غرق خون بود و نمی‌مرد ز حسرت فرهاد | خواندم افسانه‌ی شیرین و به خوابش کردم |
| نظرکردن به درویشان مُنافی بزرگی نیست | سلیمان با چنان حشمت، نظرها بود با مورش |
| از آب دیده صد ره، طوفان نوح دیدم | وز لوح سینه نقشت، هرگز نگشت زایل |
| نه خدا توانمش خواند نه بشـر توانمش گفت | متحیرم چه نامم شه ملک «لا فتی ...» را؟ |
| طالب لعل توأم کان که به ظُلَمات افتاد | طلب چشمه‌ی حیوان نکند، چون نکند؟ |

***توجه:** اصل تلمیح، اشاره‌کردن است اما گاه ترجمه کامل را می‌آورند.

چنین گفت پیغمبر راست‌گوی ز گهواره تا گور دانش بجوی

***توجه:** انتظار نداشته باشیم همه‌ی تلمیحات اشاره به لیلی و مجنون و مانند آن باشند و زود به دست آیند. بعضی از تلمیحات مربوط به داستان‌های اصیل ایرانی یا بعضی داستان‌ها و تفاسیر قرآنی هستند و ممکن است به راحتی قابل تشخیص نباشد. مانند «مهر و وفا» در بیت اول از ابیات زیر که اسم عاشق و معشوقی در ادب فارسی بوده‌اند. یا بیت دوم به ماجرای حضرت موسی و مناجات‌کردن با خدا در کنار کوه طور اشاره دارد و بیت سوم هم به آیه‌ای از قرآن که معروف به «آیه امانت» است، اشاره دارد که ممکن است شما آن را نشنیده باشید. باید کم‌کم با تلمیحات آشنا بشوید و اطلاعات ادبی و تلمیحی خود را بالا ببرید، چرا که تلمیحات کنکور در همین سطح است و از این راحت‌تر نیست!

| | |
|---------------------------------------|---------------------------------------|
| سر و زر و دل و جانم فدای آن یاری | که حق صحبت مهر و وفا نگه دارد |
| عشق کو؟ تا گرم سازد این دل رنج‌ور را؟ | در حریم سینه افروزد چراغ طور را؟ |
| آدمی گر خون بگرید از گران‌باری رواست | کآنچه نتوانست بردن آسمان، بر دوش اوست |

۶۲- در همه‌ی ابیات به جز بیت آرایه‌ی تلمیح به کار رفته است.

| | |
|---------------------------------------|--|
| ۱) خورشید و مه‌ مرا نتواند ز راه بُرد | هر شوخ‌دییده‌ای نفریبد خلیل را |
| ۲) شد سحر ساحران ز عصای کلیم، محو | در راستان اثر نبود ریو و رنگ را (ریو = حيله) |
| ۳) عشق است مصر اعظم، عقل است روستایش | زین بیش اگر نباشی در روستا چه باشد؟ |
| ۴) مَبیند آزار موری نقش در دل | که اسم اعظم خاتم همین است |

۶۳- در همهٔ ابیات به استثنای بیت آرایهٔ تلمیح به کار رفته است؟

- (۱) آیینه سکندر، جام می است بنگر
 (۲) گفت آن یار کز او گشت سر دار بلند
 (۳) از مه او مه شکافت، دیدن او بر نتافت
 (۴) نصیحت تو به جای می نمی‌رسد زاهد
- تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا
 جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد
 ماه چنان بخت یافت، او که کمینه گداست
 تو و تلاوت قرآن، من و دعای قَدَح (= پیالهٔ شراب)

*توجه: القاب مربوط به پیامبران را سعی کنید بدانید: خلیل (ابراهیم)، کلیم (موسی)، مسیحا (عیسی) و ...

تضمین

آوردن بخش کاملی از آیه، حدیث و یا مصراع، بیت یا قسمتی از شعر و نثر شاعر یا نویسنده‌ی دیگر در اثر خود را تضمین می‌گویند. معمولاً و قاعدتاً عبارت تضمین شده را باید داخل گیومه « » بیاورند. ولی در کنکور نمی‌آورند؛ چون تضمین مشخص می‌شود. قسمت آخر شعر زیر، از مولاناست که دکتر شفیعی کدکنی در شعر خود آورده است.

بیداری زمان را با من بخوان به فریاد

ور مرد خواب و خفتی،

«رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن»

ترک من خراب شبگرد مبتلا کن

رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن

مصراع اول بیت زیر نیز از سعدی است که دکتر شفیعی کدکنی در شعر خود آورده است.

تو خود آفتاب خود باش و طلسم کار بشکن

«سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی»

گاه شاعر یا نویسنده پیش از آوردن بیت یا متن تضمینی، به نام شاعر یا نویسنده اشاره می‌کند. مانند تضمین بیت دوم از شعر حافظ، که شهریار در بیت اول به اسم حافظ (لسان الغیب) اشاره کرده است.

چه زخم چونای هر دم، ز نوای شوق او دم

که «لسان غیب» خوش‌تر، بنوازد این نوا را

«همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی

به پیام آشنایی، بنوازد آشنا را»

حافظ و سعدی نیز پیش از تضمین از شعرهای کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی و فردوسی به اسم آن‌ها اشاره کرده‌اند.

گر باورت نمی‌شود از بنده این حدیث

از گفته‌ی «کمال» دلیلی بیاورم

«گر برکنم دل از تو و بردارم از تو مهر

آن مهر بر که افکنم آن دل کجا برم؟»

چنین گفت «فردوسی» پاکزاد

-که رحمت بر آن تربت پاک باد-

«میازار موری که دانه‌کش است

که جان دارد و جان شیرین خوش است»

***توجه:** تضمین در نثر نیز نمونه‌های بسیار دارد. در داستان «خسرو» در کتاب دهم، بسیار از این آرایه استفاده شده است. با صدایی که به قول معروف، از ته چاه درمی‌آمد، با زهرخندی گفت: داد نزن: «من گوش استماع ندارم، لِمَنْ تَقُولُ». همه می‌شناختند و می‌ستودند و تکریمش می‌کردند. ولی چه سود که «حسودان تنگ‌نظر و عنودان بدگهر» وی را به می و معشوق و لهو و لعب کشیدند. ... این شکست او را به منجلاب فساد کشید «فی‌الجملة نماند از معاصی مُنکری که نکرد و مُسکری که نخورد.» تریاکی و شیرهای شد و کارش به ولگردی کشید.

***توجه:** آوردن کلّ آیه یا حدیث «تضمین» می‌باشد و «تلمیح» نیست.

بهر این فرمود رحمان ای پسر «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِى شَأْنٍ» ای پسر

درویش بی‌معرفت نیارآمد تا فقرش به کفر انجامد؛ «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كَفْرًا»

***توجه:** آمدن یک اصطلاح یا اسم عربی مانند «عزّ و جلّ»، «اولی الالباب» یا «عمّ نواله» و ... تضمین نمی‌سازد.

۶۴- در چند مورد از ابیات زیر آرایه تضمین به کار رفته است؟

پیوسته این بودش دعا: الصَّبْرُ و مِفْتَاحُ الْفَرْجِ
گریبان به تازیانه‌ی افراسیاب رفت
من از آن روز که در بند توأم آزادم
ناخدای استبداد با خدای آزادی

۳) یک ۴) دو

الف) ایوب با چندین بلا، کاندرا بلا شد مبتلا
ب) این مه که چون منیژه سر چاه می‌نشست
ج) حافظ از جور تو حاشا که بگرداند روی
د) در محیط طوفان‌زا ماهرانه در جنگ است

۱) سه ۲) چهار

۶۵- در کدام بیت‌ها آرایه تضمین به کار رفته است؟

گم کرده همچو آدم و حوا بهشت خویش
شیوه جنات تجری تحتها الانهار داشت
کز نسیمش بوی جوی مولیان آید همی
حال دل مجنون پراکنده ما چیست؟

۳) ب، ج ۴) الف، د

الف) سرگشته در کشاکش طوفان روزگار
ب) چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت
ج) خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم
د) در سلسله‌ی زلف سراسیمه لیلی

۱) الف، ب ۲) ج، د

اغراق (مبالغه، غلو)

اغراق در لغت به معنی سخت کشیدن کمان است و در اصطلاح بدیع، زیاده‌روی در توصیف یا مدح یا ذم است. چنان که از حد معمول بگذرد و برای شنونده شگفت‌انگیز و زیبا باشد. به عبارت دیگر باز نمود دگرگونه مفاهیم و موضوعات سخن است؛ به صورتی که معانی خُرد را بزرگ گرداند و معانی بزرگ را خُرد بنماید تا تاثیر سخن را بیشتر کند. **مبالغه** (عقلا و عادتاً شدنی است؛ بیت اول)، **اغراق** (عقلا شدنی و عادتاً اتفاق نیفتاده است؛ بیت دوم)، و **غلو** (عقلا و عادتاً نشدنی است؛ بیت سوم)، در اصل تفاوت‌هایی دارند که در کنکور یکی گرفته می‌شوند.

| | |
|-------------------------------------|--------------------------------|
| اندرون با تو چنان انس گرفته است مرا | که ملالم ز همه خلق جهان می‌آید |
| ز دیدنت نتوانم که دیده بر دوزم | و گر معاینه بینم که تیر می‌آید |
| ز سُم ستوران در آن پهن دشت | زمین شش شد و آسمان گشت هشت |
| فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ | بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ |
| کشانی هم اندر زمان جان بداد | تو گفستی که هرگز ز مادر نزاد |
| نماند ایچ با روی خورشید رنگ | به جوش آمده خاک، بر کوه و سنگ |

***نکته:** اغراق معمولاً در آثار حماسی دیده می‌شود، اما باید دقت داشت که آثار غنایی و عاشقانه و هر نوع ادبی دیگر نیز می‌تواند اغراق داشته باشد.

| | |
|-------------------------------------|--------------------------------------|
| به یاد یار و دیار آن چنان بگریم زار | که از جهان ره و رسم سفر براندازم |
| به زیر تیغ فشردیم پای خود چندان | که کوه بست کمر پیشن بردباری ما |
| دیده‌ی تردامنم تا می‌زند نقشی بر آب | خاک کویت را به خون هر شب منقش می‌کند |
| بگذار تا بگریم، چون ابر در بهاران | کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران |
| دیده از دور دو دریای مجاور با هم | چشم من می‌شکند پنجره را تا برود |
| با ساربان بگویند، احوال آب چشمم | تا بر شتر نبندد محمول به روز باران |
| گر برگ گل سرخ کنی پیرهنش را | از نازکی آزار رساند بدنش را |
| هیچ است آن دهان و نبینم از آن نشان | موی است آن میان و ندانم که چیست آن |

***نکته:** آمدن اعدادی مانند صد، هزار، هزاران و... معمولاً اغراق می‌سازد. (اما ممکن است تله‌ی کنکوری باشد).

| | |
|-------------------------------------|--|
| اگر از سینه‌ی مور ضعیفی پرده برداری | هزاران کوه غم بر دل از آن موی کمر دارد |
| دلیم گرفته از این روزها دلم تنگ است | میان ما و رسیدن هزار فرسنگ است |
| دم تیغ بر گردنش چون رسید | سر عمرو صد گام از تن پرید |

***توجه:** یکی از ویژگی‌های آثار حماسی «خرق عادت» است که اغراق نمونه‌ای از آن است. لذا در بیشتر آثار حماسی، اغراق دیده می‌شود. به گونه‌ای که در تمام ابیات پیوسته زیر اغراق دیده می‌شود.

| | |
|------------------------------|------------------------------|
| خروش سواران و اسپان ز دشت | ز بهرام و کیوان، همی برگذشت |
| همه تیغ و ساعد ز خون بود لعل | خروشان دلِ خاک در زیر نعل |
| نماند ایچ با روی خورشید، رنگ | به جوش آمده خاک بر کوه و سنگ |
| دلیری کجا نام او اشکبوس | همی برخروشید بر سان کوس |
| بشد تیز رُهام با خود و گبر | همی گرد رزم انقدر آمد به ابر |

۶۶- آرایه «اغراق» در کدام بیت واضح است؟

- | | |
|---|---|
| (۱) بیا و جام عقارم بده که تا بودم | نه با عقار تعلق گرفته‌ام نه ضیاع (عقار و ضیاع: املاک) |
| (۲) چگونه از خط حکم تو سر بگردانم | که من مطیعم و حکم تو پیش بنده مطاع (مطاع: اطاعت شده) |
| (۳) شدی و بی تو به هر شاعری که بگذشتم | ز دود سیننه هوا بر سرم ببست شرع (شرع: سایه‌بان) |
| (۴) مرا از آنچه که گیرد حرامی از پس و پیش | چو ترک خویش گرفتم چه غم خورم ز متاع (متاع: کالا) |

۶۷- در کدام بیت آرایه «اغراق» به کار نرفته است؟

- | | |
|---|-------------------------------------|
| (۱) خورشید و ماه، آینه‌دار جمال توسست | هر روز و شش‌ب گرفته چو خدمتگر، آینه |
| (۲) اگر تو سرو خرامان ز پای ننشینی | چه فتنه‌ها که بخیزد میان اهل نشست |
| (۳) یکدم از ما روی عالم‌سوز اگر سازی نهان | آتش افتد در درون چرخ، ز آه و دود من |
| (۴) منم آن کوه غم و درد که سیلاب سرشک | هر دم از دامن من تا به کمر می‌آید |

۶۸- در همهٔ ابیات زیر، به غیر از بیت ، آرایهٔ اغراق به کار رفته است.

- | | |
|---------------------------------|---------------------------|
| (۱) که گفتت برو دست رستم ببند؟ | نبندد مرا دست چرخ بلند |
| (۲) چو رامین گه‌گهی بنواختی چنگ | ز شادی بر سر آب آمدی سنگ |
| (۳) خم آورد بالای سرو سهی نهان | از او دور شد دانش و فرهی |
| (۴) صدهزاران این چنین اشباه بین | فرقشان هفتاد ساله راه بین |

لف و نشر

«لف» به معنی **بستن** و «نشر» به معنای **باز کردن** است. و آن وقتی است که شاعر یا نویسنده در یک **پاره کلام**، **دو یا چند**

مورد و در **پاره دوم** **دو یا چند مورد دیگر** بیاورد که با موارد **پاره اول** در ارتباط باشند.

تهران و بغداد، پایتخت‌های **ایران** و **عراق** هستند. **پاره اول**: تهران و بغداد **پاره دوم**: ایران و عراق

همان‌طور که می‌دانیم تهران با ایران و بغداد با عراق در ارتباط است.

لف و نشر دو نوع است: لف و نشر مرتب و لف و نشر مشوش (لف و نشر مرتب هنری تر است).

۱- **لف و نشر مرتب**: موارد **پاره دوم** به ترتیب به موارد **پاره اول** مرتبط هستند.

۲- **لف و نشر مشوش**: موارد **پاره «دوم»** به ترتیب به موارد **پاره اول** مرتبط نیستند.

هر چند **جیب و جام** من از **مال و می** تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت

بر حدیث من و **حُسن** **تسو** نیفزاید کس حد همین است سخندانی و **زیبایی** را

۱ ۲ ۱ ۲

تا رفتنش **بینم** و گفتنش **بش‌نوم** از پای تابه سر، همه **سمع** و **بصر** شدم

۱ ۲ ۱ ۲

پروانه ز من **شمع** ز من **گل** ز من **آموخت** **افروختن** و **سوختن** و **جامه‌دریدن**

۱ ۲ ۳ ۱ ۲ ۳

این عیار **مهر** و **کین** **مرد** و **نامرد** است

۱ ۲ ۱ ۲

دو بیت زیر که منسوب به فردوسی است، از بهترین و هنرمندانه‌ترین نمونه‌های لف و نشر است.

به روز نبرد آن یل ارجمند

به **شمشیر** و **خنجر** به **گُرز** و **کمند**

۱ ۲ ۳ ۴

برید و **درید** و **شکست** و **ببست**

۱ ۲ ۳ ۴

یلان را **سر** و **سینه** و **پا** و **دست**

۱ ۲ ۳ ۴

با شمشیر سر یلان را برید.

با خنجر سینه یلان را درید.

با گُرز پای یلان را شکست.

با کمند دست یلان را بست.

در روز نبرد، آن یل ارجمند

نمونه‌های دیگر:

که را بیش بیرون شود کار نغز

اگر چند بی‌دست و پایند و زور

۲ ۱ ۲

چو فرزند و زن باشدم خون و مغز

۲ ۱ ۲ ۱

مهیا کن روزی مار و مور

۲ ۱

۶۹- در کدام بیت آرایه «لف و نشر» دیده می‌شود؟

- ۱) از سر سرگشته گرداب و رقص گرد باد
- ۲) مست هوشیار ندیده‌است کسی جز چشمت
- ۳) کشد سر در گریبان خموشی، شمع از خجلت
- ۴) سایه‌اش خونی چندین کمر کوهکن است

می‌توان دانست برّ و بحر بی‌آرام اوست
خاصه وقتی که شود رهن هوشیاری چند
شود حُسن گلوَسوز تو چون در انجمن پیدا
کوه دردی که دل از عشق تو تنها برداشت

۷۰- در کدام بیت آرایه «لف و نشر» به کار نرفته است؟

- ۱) همی مرغ و ماهی بر ایشان به زار
- ۲) مراسم خانه بیابان و دل ز خون دریا
- ۳) در باغ شد از قد و رخ و زلف تو بی‌آب
- ۴) عدوبند و ظفر بند و هنرجوی و هنرپیشه

بگیرید به دریا و به مرغزار
تو عشق بین که مرا میر بحر و بر دارد
گلبرگ تری، ســـرو سهی، سنبل سیراب
عطابخش و صبارخش و سماقد و سخاگستر

مراعات نظیر

آوردن دو یا چند واژه که با یکدیگر تناسب و رابطه‌ای غیر از تضاد داشته باشند، مراعات نظیر می‌باشد. مراعات نظیر اگر در دو واژه باشد معمولاً آن را تناسب می‌گویند، اما در کنکور تناسب و مراعات نظیر را یکسان در نظر می‌گیرند.

برآید که ما خاک باشیم و خشت

ز بهرام و کیوان همی برگذشت

این گرگی شبان شما نیز بگذرد

ای روضه مجسم گودال قتلگاه

بسی تیر و دی ماه و اردیبهشت

خروش سواران و اسپان ز دشت

ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ‌طبع

یک کربلا شکوه به چشمت نهفته است

*توجه: مراعات نظیر و تناسب واژگان ممکن است کمی غیرمحسوس باشد. توجه به آرایه تناسب، گاه منجر به کشف، آرایه ایهام تناسب می‌شود.

اشارات پنهانی چشم تو

ای مسلم شرف به کجا می‌کنی نگاه؟

شفا می‌دهد آشکارا به دل

از دور دست می‌رسد آیا کدام پیک؟

در دو بیت قبل «شفا» و «اشارات» با یکدیگر ارتباط و مراعات نظیر دارند، زیرا نام دو اثر از ابن سینا می‌باشند و «پیک» نیز با «مسلم» ارتباط دارد، زیرا مسلم بن عقیل، پیک و فرستاده امام حسین (ع) به کربلا بود.

***توجه:** آرایه تناسب را نباید با تناسب واژگان در مبحث دستور زبان فارسی، اشتباه بگیریم. چرا که به طور مثال دو واژه «بدن و دست» از نظر دستوری با یکدیگر تضمین دارند و تناسب ندارند اما از نظر آرایه‌های ادبی آن‌ها را تناسب (مراعات نظیر) می‌گیریم. یا «رنگ و بنفش» از نظر دستوری تضمین دارند ولی از نظر ادبی آرایه تناسب دارند. در بیت زیر نیز دو واژه چشم و سر از نظر دستوری تناسب ندارند ولی از نظر ادبی آرایه تناسب دارند.

دید پیمبر نه به چشمی دگر بلکه بدین چشم سر این چشم سر

***توجه:** در بیتی که تلمیح وجود دارد، اکثراً تناسب هم وجود دارد، زیرا معمولاً کلمات مربوط به یک داستان، با یکدیگر تناسب هم دارند.

غرق خون بود و نمی‌مرد ز حسرت فرهاد خواندم افسانه شیرین و به خوابش کردم

۷۱- در کدام گزینه آرایه «مراعات نظیر» محسوس‌تر است؟

- ۱) مرا مادرم نام مرگ تو کرد
 - ۲) پیاده ندیدی که جنگ آورد
 - ۳) سزد گری بداری سرش در کنار
 - ۴) به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ
- زمانه مرا پتک تو کرد
سر سرکشان زیر سنگ آورد؟
زمانی برآسایمی از کارزار
سوار اندر آیند هر سه به جنگ؟

۷۲- در کدام بیت نمی‌توان آرایه «مراعات نظیر» یافت؟

- ۱) ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد
 - ۲) بیستون کندن فرهاد نه کاری است شگفت
 - ۳) از طلا گشتن پشیمان گشته‌ایم
 - ۴) برداشته دل ز کار او بخت
- چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد
شور شیرین به سر هر که فتد کوهکن است
مرحمت فرموده ما مس کنید
درماند پدر به کار او سخت

۷۳- کدام گزینه، بیت‌ها را به ترتیب داشتن آرایه‌های «تلمیح، تضمین و مراعات نظیر» مرتب می‌کند؟

- الف) پیرهن‌چاک برون آمده بودی امروز
 - ب) تیغ عریان تو را دید و ورق برگرداند
 - ج) داشت تا گوهر من در دل این دریا، جان
 - د) صائب این آن غزل حافظ شیراز که گفت:
- ۱) الف - د - ج ۲) د - الف - ج ۳) الف - د - ب ۴) ب - ج - الف

مَثَل (یا تمثیل یا ارسال المثل)

آوردن ضرب المثل یا گفتن جمله‌ای حکیمانه که بعدها به ضرب المثل تبدیل شده باشد. مَثَل، بر تاثیرگذاری کلام می‌افزاید و زینت بخش و مایه‌ی آرایش کلام است.

| | |
|------------------------------------|--|
| چنین است رسم سرای درشت | گهی پشت به زین و گهی زین به پشت |
| گنه کرد در بلخ آهنگری | به شوشتر زدند گردن مسگری |
| از طلاگشتن پشیمان گشته‌ایم | مرحمت فرموده ما مس کنید |
| زی تیر نگه کرد و پر خویش در او دید | گفتا ز کسه نالیم که از ماست که بر ماست |

***توجه:** ضرب المثل‌ها هنر و شاهکار سخنورانند. در میان سخنوران فارسی، سعدی، بیش از دیگران در این زمینه به خلق و ابداع پرداخته است. به گونه‌ای که قریب به چهارصد جمله و مصراع و بیت از بوستان و گلستان به صورت ضرب المثل در آمده و زینت بخش کلام سخنوران دیگر شده است.

هر که دست از جان بشوید، هر چه در دل دارد بگوید.

هر چه نپاید، دل بستگی را نشاید.

تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی

***توجه:** برای شناختن مَثَل‌ها نیازی نیست آن‌ها را حفظ کنیم، چون تعداد آن‌ها بسیار زیاد است. توجه به معنا، بهترین راه شناخت مَثَل است. شناخت مَثَل‌ها در قرابت معنایی نیز بسیار مهم هستند.

***توجه:** اسلوب معادله و مَثَل نیز از این جهت که زیرساخت تشبیهی دارند، شبیه هستند ولی تفاوت آن‌ها در این است که اولاً مَثَل‌ها بسیار معروف‌تر از اسلوب معادله‌ها هستند. (در واقع اسلوب معادله‌ای که بسیار معروف شود به مَثَل تبدیل می‌شود). ثانیاً اسلوب معادله لزوماً در شعر می‌آید و حتماً دو مصراع است ولی «مَثَل» در نثر هم می‌آید و می‌تواند یک جمله یا یک مصراع باشد.

تخلُّص

آمدن نام شاعر در بیت آخر یا یکی مانده به آخر را تخلُّص می‌گویند.

| | |
|---|-------------------------------------|
| حافظ به خود نپوشد، این خرجه می‌آلود | ای شیخ پاک‌دامن، معذور دار ما را |
| سعدی، به روزگاران، مه‌ری نشسته بر دل | بیرون نمی‌توان کرد، الا به روزگاران |
| بعضی از تخلُّص‌ها آشکار نیستند و به نام اصلی شاعر اشاره ندارند. «خُمَش» در بیت زیر تخلُّص مولاناست. | |
| راز نهان دار و خُمَش، ور خُمشی تلخ بود | آنچه جگرسوزه بُد، باز جگرسازه شود |

یادآوری

* **توجه:** جناس تام و ایهام، از این جهت که دو معنا دارند شبیه هستند اما در جناس تام، دو واژه یکسان در دو معنی آمده ولی در ایهام، یک واژه در دو معنی آمده است.

* **توجه:** پیش از آن که وارد تست‌زنی شوید به این نکته توجه داشته باشید، در سوالاتی که چند آرایه در آن مطرح شده است، ابتدا سراغ آرایه‌های آسان‌تر و زودیاب‌تر یا آرایه‌هایی که در آن مسلط‌تر هستید، بروید.

* **توجه:** وجود یک آرایه، نفی‌کننده آرایه دیگر نیست! مثلاً ممکن است همان واژه‌ای که جناس دارد، ایهام هم داشته باشد. پس رد گزینه در این مبحث خیلی کاربرد ندارد، مگر اینکه کاملاً مطمئن شده باشید.

* **توجه:** در تست‌هایی که چپش چند آرایه را به ترتیب می‌خواهند، به این نکته توجه داشته باشید که ممکن است یک بیت، دو مورد از آرایه‌های مطرح‌شده را داشته باشد! یا یک آرایه در دو بیت دیده شود، در هر بیت آرایه‌ای را لحاظ کنید که در ابیات دیگر وجود نداشته باشد.

* **توجه:** در تست‌زنی آرایه، رد گزینه بسیار کارساز است و بیشتر از رد گزینه استفاده کنید.

* **توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سماعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

تست جامع آرایه

(ریاضی ۱۴۰۰)

که در مقام جلال است رخت شاهان سرخ (جناس، ایهام)
مدام از می‌لعلی است روی جانان سرخ (مجاز، استعاره)
بود ز لعل لب او رخ بدخشان سرخ (استعاره، تشبیه)
از آن به است که گردد به ابر احسان سرخ (جناس، تشبیه)

(ریاضی ۱۴۰۰)

آه از این راه که در وی خطری نیست که نیست
در یکتای که و گوهر یکدانه کیست؟
طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست
بند قبای غنچه گل می‌گشاد باد

(ریاضی ۱۴۰۰)

کز لب شکرخندش نرخ شکر ارزان شده»
(۲) تشبیه، کنایه، تضاد، اغراق
(۴) تشبیه، ایهام، پارادوکس، مجاز

(ریاضی ۱۴۰۰)

به خنده لب بگشا و شکر ز پسته بریز
هر که بهشتی بود آب دهد کوثرش
در باغ می‌ماند ای دوست گل یادگار من و تو
رسید از غایت تیزی به گوش زهره آهنگش

(تجربی ۱۴۰۰)

زلف را بفشان که صد چین در شکنج موی توست
تا سر از خاک برآرم به قیامت سرمست
زان رو سپرده‌اند به مستی زمام ما
جانب هیچ آشنا نگاه ندارد

(تجربی ۱۴۰۰)

وگر با سوسن آغازی سخن سوسن شود گویا (ایهام، استعاره)
چون جرعه افتادی که من خاک درش بوسیدمی (ایهام، مجاز)
آسمان از بار احسان تو می‌گردد دوتا (تشبیه، اغراق)
به کام درکشد آتش زبان دعوی را (مجاز، استعاره)

۷۴- آرایه‌های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست هستند، به جز:

(۱) مخور ز چهره گلگون گل فریب جمال
(۲) اگر دو هفته بود چهره گلستان سرخ
(۳) چراغ دل ز جگر گوشه می‌شود روشن
(۴) به گریه سائل اگر روی خود کند رنگین

۷۵- در کدام بیت، دو تشبیه و بیشترین استعاره به کار رفته است؟

(۱) شیر در بادیه عشق تو روباه شود
(۲) یا رب آن شاه‌وش ماهرخ زهره‌جبین
(۳) واله و شیداست دایم همچو بلبل در قفس
(۴) خون شد دلم به یاد تو، هر که که در چمن

۷۶- آرایه‌های بیت زیر کدامند؟

«خسروی به شیرینی تلخ کرد کامم را»
(۱) تشبیه، ایهام، تضاد، جناس
(۳) استعاره، کنایه، حسن تعلیل، اغراق

۷۷- تعداد «استعاره» در کدام بیت، بیشتر است؟

(۱) اگر ز لعل تو مستان عشق نقل خواهند
(۲) دل شده را قوت جان از لب لعل وی است
(۳) با این نسیم سحرخیز برخیز اگر جان سپردیم
(۴) شبی از مجلس مستان بر آمد ناله چنگش

۷۸- آرایه‌های «ایهام، استعاره و جناس تام» تماماً در کدام بیت آمده است؟

(۱) نافه مشک ختن گرز زانکه می‌خیزد ز چین
(۲) مستم آن دم که بمیرم به سر خاک برید
(۳) مستی به چشم شاهد دل‌بند ما خوش است
(۴) دیدم و آن چشم دل سیه که تو داری

۷۹- آرایه‌های مقابل همه ابیات کاملاً درست است، به جز:

(۱) اگر بر نرگس اندازی نظر نرگس شود ناظر
(۲) بوسیدن از جام لبش گز نیست روزی کاشکی
(۳) آفتاب از عکس شمشیر تو می‌گیرد فروغ
(۴) به مجلسی که زبان‌آوری کند قلمت

۸۰- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

- «تُرک آهو چشمم ای آهوی چشمت شیرگیر
(۱) استعاره، اغراق، کنایه، ایهام
(۳) جناس ناقص، تشبیه، استعاره، مجاز

(تجربی ۱۴۰۰)

- صید آهوی توام بر صید خویش آهو مگیر»
(۲) استعاره، تشبیه، جناس تام، کنایه
(۴) تشبیه، جناس ناقص، اغراق، ایهام

۸۱- بیت زیر «فاقد» کدام آرایه‌های ادبی است؟

- «پیش لب ضحاک تو بس فتنه و آشوب
(۱) استعاره، کنایه
(۲) جناس، تشبیه

(تجربی ۱۴۰۰)

- کز مار سر زلف تو در ملک جم افتد»
(۳) مجاز، ایهام
(۴) تلمیح، ایهام

۸۲- تعداد تشبیه در همه ابیات یکسان است، به جز:

- (۱) مریض شوق ز تیر ستم نمی‌رنجد
(۲) شد چمان در چمن حسن و لطافت لیکن
(۳) زلف لیلی صفتت دام دل مجنون است
(۴) چون سواد زلف شبرنگ تو را آرم به یاد

(انسانی ۱۴۰۰)

- قتیل عشق ز تیغ جفا نمی‌ترسد
در گلستان وصالش نچمیدیم و برفت
عقل بر دانه خال سیهت مفتون است
از سرم تا پای چون شمع آتش سودا گرفت

۸۳- آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است، به جز:

- (۱) از موج حلاوت دل مرغان چمن سوخت
(۲) ز رشک شانۀ در تابم که با کوتاه دستی‌ها
(۳) من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست
(۴) شعاع چشمه مهر از فروغ رخسار است

(انسانی ۱۴۰۰)

- هرچند فشانند به خامی ثمرم را (استعاره، مجاز)
به صد آغوش در بر می‌کشد آن عنبرین مو را (جناس، کنایه)
کی طمع در گردش گیتی دون پرور کنم (استعاره، پارادوکس)
شراب، نوشگوار از لب شکربار است (حسن تعلیل، ایهام)

۸۴- در چند بیت «ایهام یا ایهام تناسب» یافت می‌شود؟

- الف) آهوی چشم کماندار تو نخجیرم ساخت
ب) هرکجا دم زدم از چشم بت کشمیرم
ج) تا فروغ طلعت آن ماه را دیدم فروغی
د) بیرون چاه گونه می‌رود از کین مهوشان
ه) دو گوشت ار ز خروشیدنم به تنگ آمد
(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

(انسانی ۱۴۰۰)

- من که شیران جهانند کمین نخجیرم
خون مردم همه گردید گریبانگیرم
عشق فارغ کرده است از تابش مهر منیرم
مهری که همچو روح فرو رفته در تنم
چنین مزن که ز دستت چو چنگ نخروشم

۸۵- آرایه‌های «حسن تعلیل - استعاره - کنایه - تشبیه - اسلوب معادله» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می‌شود؟ (انسانی ۱۴۰۰)

- الف) می‌کند اشک ندامت نامه دل را سفید
ب) بهشتی شد مرا نظاره آن روی گندم گون
ج) نگردد جمع با رنگین‌لباسی زیر پا دیدن
د) تا سپند آن آتشین رخسار را در بزم دید
ه) گل ز کژی خار در آغوش یافت
(۱) د - ه - ج - ب - الف (۲) د - الف - ب - ج - ه (۳) ه - د - ب - الف - ج (۴) ه - ب - الف - د - ج

- صبح از اخترفشانی پاکدامن می‌شود
اگر گندم برون انداخت از فردوس آدم را
که طاووس خودآرا چشم از پر بر نمی‌دارد
آنچنان جست از سر آتش که صد فریاد داشت
نی‌شکر از راستی آن نوش یافت

۸۶- در کدام بیت، آرایه‌های «اغراق، تضاد و تشبیه»، «همگی» یافت می‌شود؟ (هنر ۱۴۰۰)

سلطان تویی که نیست به سلطانت احتیاج
که تو چون روز گردانی به روی خود شبستان را
که حاصلم همه چشمی تر است و جانی خشک
تو حسن یوسفی داری و من مهر زلیخایی

۱) ای مرد فقر هست تو را خرقه تو تاج
۲) وصال تو به شب کس را میسر چون شود هرگز
۳) تو را به مثل من ای دوست میل چون باشد
۴) عزیز مصر اگر ما را ملامت‌گر بود شاید

۸۷- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟ (هنر ۱۴۰۰)

خوش حلقه‌ای است لیک به در نیست راه از او»

۲) تشبیه، کنایه، حسن تعلیل، مجاز

۴) استعاره، جناس، مجاز، حسن تعلیل

«خط عذار یار که بگرفت ماه از او

۱) تشبیه، تمثیل، اغراق، مجاز

۳) استعاره، تشبیه، ایهام، حسن تعلیل

۸۸- آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است، به جز:

پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است (جناس، ایهام)
فروغ مشتری از عکس روی دلدار است (حسن تعلیل، مجاز)
مردمی بر طاق او بنشسته بود (کنایه، استعاره)
باید که به رنگ شمع از رفتن سر خندد (مجاز، تشبیه)

۱) با محتسبم عیب مگویند که او نیز
۲) کمند عنبری از چیدن زلف دلبنده است
۳) ابرویش بر ماه طاقی بسته بود
۴) با اهل فنا دارد هرکس سر یکرنگی

۸۹- در کدام گزینه، تعداد استعاره بیشتر است؟ (هنر ۱۴۰۰)

سروم از ریحان تر، بر گل نقاب انداخته است
نقطه‌ای بر شکر افکنده که این مهره مار است
لاله در مشک نهان کرده که این چیست؟ عذار است
بر برگ گل فشانده غباری که عنبر است

۱) ماهم از شب سایبان بر آفتاب انداخته است
۲) رشته‌ای بر قمر انداخته کاین مار سیاه است
۳) لؤلؤ از پسته خود ریخته کاین چیست؟ حدیث است
۴) برطرف مه نشانده سیاهی که سنبل است

۹۰- در کدام بیت «دو ایهام» و «یک استعاره» وجود دارد؟

زان دو لب شیرینت صدشور برانگیزم
عارفان را همه در شرب مدام اندازد
قطره باران ما گوهر یک دانه شد
گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید

۱) یک روز به شیدایی در زلف تو آویزم
۲) ساقی ار باده از این دست به جام اندازد
۳) گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت
۴) گفتم که بوی زلفت گمراه عالم کرد

۹۱- آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است، به جز:

به دنبال سر چنگیز می‌گشت (جناس، اغراق)
بر لب جوی، طرب جوی و به کف ساغر گیر (جناس تام، مجاز)
بیمار باز پرس که در انتظارم (استعاره، ایهام)
خمشند و فریادشان تا خداست (پارادوکس، ایهام)

۱) در آن دریای خون در دشت تاریک
۲) میل رفتن مکن ای دوست، دمی با ما باش
۳) خواهم که پیش میرمت ای بی‌وفا طبیب
۴) ببین لاله‌هایی که در باغ ماست

۹۲- آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟ (زبان ۱۴۰۰)

شیرین بود به شهر غزل شهریاریم»

۲) استعاره، جناس، تشبیه، ایهام

۴) جناس، حس‌آمیزی، کنایه، حسن تعلیل

«تا هست تاج عشق توام بر سر ای غزال

۱) استعاره، جناس، تضاد، تشبیه

۳) تشبیه، حس‌آمیزی، اغراق، ایهام

۹۳- تعداد تشبیه در کدام بیت، بیش از سایر ابیات است؟

- ۱) غمی که چون سپه زنگ ملک دل بگرفت
- ۲) چون رایت عشق آن جهانگیر
- ۳) صورت بی‌صورت بی‌حد غیب
- ۴) بی تأمل چون عرق بر روی خوبان می‌رویم

۹۴- در کدام ابیات استعاره و مجاز، «هر دو» وجود دارد؟

- الف) سر پر ز شرم و بهایی مراسم
- ب) حسرت نبرم به خواب آن مرداب
- ج) ساقی چمن گل را بی‌روی تو رنگی نیست
- د) به خرابی خوشم امروز که فردا ز کرم

۱) الف - ب ۲) الف - د

۹۵- تعداد «ایهام» در کدام بیت، بیشتر است؟

- ۱) ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی
- ۲) پیش اسبت رخ نهم ز آن رو که غم نبود ز مات
- ۳) چون رود امیدوارم بی‌تابم و بی‌قرارم
- ۴) دولت صحبت آن شمع سعادت پرتو

۹۶- آرایه‌های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست است، به جز:

- ۱) هر سر خبر ز سر محبت کجا شود
- ۲) دل کشید آخر عنان چون مرد میدانست نبود
- ۳) خوبان همه از مهرش مهري به جبین دارند
- ۴) کنار مزرع سبز فلک یک‌باره تر می‌شد

۹۷- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

«گر سرت خود در سر سودای زلفش می‌رود»

۱) جناس، مجاز، ایهام، کنایه

۳) واج‌آرایی، مراعات نظیر، جناس، تضاد

۹۸- در منظومه زیر به ترتیب، چند تشبیه و چند استعاره وجود دارد؟

«فوران گل حسرت از خاک / بارش شبنم روی پل خواب / پرش شادی از خندق مرگ / گذر حادثه از پشت کلام»

۱) سه - پنج ۲) سه - شش ۳) چهار - پنج ۴) چهار - شش

۹۹- آرایه‌های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست است، به جز:

- ۱) از آنش آب دهن چون گلاب شیرین است
- ۲) هر جا که سیف باشد بستان اوست رویش
- ۳) گو در این مصر که فرعون در او صد بیش است
- ۴) سرورانی که به هر گرسنه نان می‌دادند

(زبان ۱۴۰۰)

ز خیل شادی روم رخت زداید باز
شد چون مه لیلی آسمان گیر
ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب
چون کمند زلف گستاخ بر و دوشیم ما

(مشترک خارج ۱۴۰۰)

اگر بی‌گناهم رهایی مراسم
کآرام درون دشت شب خفته است
شمشاد خرامان کن تا باغ بیارایی
همت پیر خرابات کند تعمیرم

۳) ب - ج ۴) ج - د

(مشترک خارج ۱۴۰۰)

نروم جز به همان ره که توام راهنمایی
در وفایت جان ببازم تا کجا یابم وفات
من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو
باز پرسید خدا را که به پروانه کیست

(مشترک خارج ۱۴۰۰)

الا سری که سجده آن آستانه کرد (جناس، مجاز)
صبر پی گم کرد چون همدست دستانت نبود (ایهام، استعاره)
خورشید صباحت را طالع ز جبینش بین (جناس، ایهام)
اگر در گریه شبها دیده را فواره می‌کردم (اغراق، تشبیه)

(مشترک خارج ۱۴۰۰)

زان سسر مویی مکن خاطر پریشان غم مخور»

۲) استعاره، جناس، تضاد، واج‌آرایی

۴) جناس، استعاره، مراعات نظیر، حسن تعلیل

(انسانی خارج ۱۴۰۰)

(انسانی خارج ۱۴۰۰)

که هست همچو شکر مغز پسته دهنش (واج‌آرایی، حسن تعلیل)
«چون است حال بستان ای باد نوبهاری» (استعاره، تضمین)
نان عزیز است که شد یوسف گندم چاهی (ایهام تناسب، تشبیه)
استخوان جوی شده همچو سگ درگاهی (مجاز، استعاره)

۱۰۰- بیت زیر، به کدام «آرایه‌ها» آراسته شده است؟

«قامت یکتای من گشته دو تا چون هلال

(۱) تضاد، استعاره، جناس تام، ایهام

(۳) استعاره، واج‌آرایی، جناس ناقص، مجاز

(انسانی خارج ۱۴۰۰)

تا تو قرین قمر زلف دوتا کرده‌ای»

(۲) تشبیه، مجاز، تضاد، ایهام تناسب

(۴) تشبیه، واج‌آرایی، کنایه، جناس ناقص

۱۰۱- آرایه‌های «جناس، اسلوب معادله، استعاره، حسن تعلیل و ایهام تناسب» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

(انسانی خارج ۱۴۰۰)

قسمت از خوان قضا بنگر که چونم داده‌اند

زیرا که به هر ورطه نشیب است و فراز است

آن چه بود افسار در سر بعد از این افسر شود

سپند از آتش سوزان بلندآواز می‌گردد

در مسجد خرابی بت‌خانه‌ای بنا کرد

(الف) می‌خورم خون جگر تا می‌برم روزی به سر

(ب) زان عمر من و زلف تو کوتاه و بلند است

(ج) چون شود اخلاص کامل تر رسد سلطان عشق

(د) سخن را روی گرم از قید خاموشی برون آرد

(ه) آمد شبی خیالش در صدر سینه جا کرد

(۲) الف - د - ه - ج - ب

(۱) الف - ج - ه - ب - د

(۴) ج - د - ه - ب - الف

(۳) ج - ب - د - الف - ه

۱۰۲- آرایه‌های مقابل همه ابیات کاملاً درست هستند، به جز:

(علوم و فنون ۱۴۰۰)

ما رشته مهر از همه بگسیخته بودیم (مجاز، تضاد)

از شاخه سرو چمن آویخته بودیم (لف و نشر، مجاز)

خوش آتش و آبی به هم آمیخته بودیم (استعاره، ایهام)

آب رخی از شبنم و گل ریخته بودیم (استعاره مصرحه، استعاره مکنیه)

(۱) زان پیش که در زلف تو بندیم دل خویش

(۲) تا زلف و رخت بردم از سایه و روشن

(۳) دور از لب شیرین تو چون شمع سیه روز

(۴) با گریه خونین من و خنده مهتاب

۱۰۳- نوع استعاره در همه ابیات با شعر زیر یکسان است، به جز:

(علوم و فنون ۱۴۰۰)

«می‌تراود مهتاب، می‌درخشد شب تاب

نیست یکدم شکند خواب به چشم کس و لیک

غم این خفته چند، خواب در چشم ترم می‌شکند

(۱) کام حرص است که از شهد نگرده شیرین

(۲) باغ سلام می‌کند سرو قیام می‌کند

(۳) از ترشروی گلدون گله بی‌انصافی است

(۴) از لعل تو گر یابم انگشتری زنه‌ار

ور نه قانع ز نی خشک شکر می‌چیند

سبزه پیاده می‌رود غنچه سوار می‌رسد

خنده برق شنیدی به خس و خار چه کرد

صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد

۱۰۴- در کدام بیت، همه آرایه‌های «تشبیه، استعاره، ایهام تناسب و حس‌آمیزی» یافت می‌شود؟ (علوم و فنون ۱۴۰۰)

بند با عاشق بیدل چه تواند کردن

یادگاری که در این گنبد دوار بماند

نقش زخمی است که از تیشه فرهاد شکفت

در رهگذار باد نگهبان لاله بود

(۱) پای خوابیده به فریاد نگرده بیدار

(۲) از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر

(۳) بر لب کوه جنون خنده شیرین بهار

(۴) هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نچید

۱۰۵- در ابیات زیر چند وجه شبه مشهود است؟

- الف) روی چون خورشید بنمای از نقاب
 ب) بی آن لب چون شکر تنم را
 ج) روح ز تو خوبتر به خواب نبینند
 د) درفشان لاله در وی چون چراغی
- یک (۱) سه (۳) دو (۲) چهار (۴)

(علوم و فنون ۱۴۰۰)

- کآبم از سر همچو نیلوفر گذشت
 همچون شکر اندر آب دادی
 چشم فلک چون تو آفتاب نبینند
 ولیک از دود او بر جاننش داغی
- سه (۳) چهار (۴)

۱۰۶- آرایه‌های روبه‌روی کدام ابیات، درست است؟

- الف) عمری است که چون جام جگر تشنه عشقم
 ب) در بزم ز رخسار دو صد شمع برافروز
 ج) عشق را در پرده ناموس دیدن مشکبیل است
 د) شکوه تاج سلطانی که بیم جان در او درج است

(علوم و فنون ۱۴۰۰)

- و ایام به من جرعه جامت نرسانید (مجاز، تشخیص)
 وز لعل شکر بار می و نقل فرو ریز (لف و نشر، موازنه)
 شمع را در جامه فانوس دیدن مشکل است (موازنه، تشخیص)
 کلاهی دلکش است اما به ترک سر نمی‌آرزد (جناس، کنایه)

۱) الف - ب ۲) ج - د

۳) ب - ج ۴) الف - د

۱۰۷- در تمام ابیات همه ارکان تشبیه وجود دارد، به جز:

- ۱) در غمش چون دانه نار است آب چشم من
 ۲) مرغان چمن باز چو من عاشق و مستند
 ۳) خورشید را به روی تو تشبیه چون کنم
 ۴) پروای سرد و گرم خزان و بهار نیست

(علوم و فنون ۱۴۰۰)

- وز لبش کام روانم ناردانی بیش نیست
 کان نرگس مست و گل خندان من اینجاست
 کاو همچو بندگان بدهد بوسه بر جناب
 آن را که همچو سرو و صنوبر قبا یکی است

۱۰۸- آرایه‌های (کنایه - جناس - ایهام تناسب - استعاره - لف و نشر) به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- الف) بر آن سرم که جفای تو را به جان بخرم
 ب) من مات صورت تو که در کارگاه حسن
 ج) مژه و ابروی او دیدم و با دل گفتم
 د) کس مبادا به سیه‌روزی ما در ره عشق
 ه) بی‌زلف سرکشش سر سودایی از ملال

(علوم و فنون ۱۴۰۰)

- در این معامله گر عمر من وفا بکنند
 خورشید را گدا و تو را شاه می‌کشند
 که به جان از پی آن تیر و کمان باید رفت
 که فلک تیره شد از تیرگی کوکب ما
 همچون بنفشه بر سر زانو نهاده‌ایم

۱) الف - د - ج - ه - ب

۲) د - الف - ب - ه - ج

۳) د - ه - ج - الف - ب

۴) ه - د - ب - الف - ج

۱۰۹- در همه ابیات، آرایه مجاز به چشم می‌خورد، به جز:

- ۱) می‌رود صبح و اشارت می‌کند
 ۲) هزار نکته باریکتر ز مو اینجاست
 ۳) من و تو غافلیم و ماه و خورشید
 ۴) از تلاوت بر تو حق دارد کتاب

(علوم و فنون خارج ۱۴۰۰)

- کاین گلستان خنده‌واری بیش نیست
 نه هر که سر بتراشد قلندری داند
 بر این گردون گردان نیست غافل
 تو از او کامی که می‌خواهی بیاب

۱۱۰- آرایه‌های «جناس، استعاره، موازنه و اغراق» همگی در کدام بیت آمده است؟ (علوم و فنون خارج ۱۴۰۰)

که موران را قناعت خوش‌تر از سـور
نگاری کـز دو یاقوتش همی شهد و شکر ریزد
پرواز بـه آنجا که سرود است و سرور است
بوی تو نیـاورد و پیامت نرسانید

۱) بگفت از سـور کم‌تر گوی با مور
۲) بهاری کز دو رخسارش همی شمس و قمر خیزد
۳) پرواز بـه آنجا که نشاط است و امید است
۴) آمد نفس صـبح و سلامت نرسانید

۱۱۱- آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟ (علوم و فنون خارج ۱۴۰۰)

هنوز صورت او زیر پرده پنهان است»

«مهی که راز من از پرده آشکارا کرد

۱) استعاره - ایهام - کنایه - تضاد
۲) کنایه - ایهام تناسب - تکرار - متناقض نما
۳) تضاد - استعاره - کنایه - واج‌آرایی
۴) جناس هم‌سان - استعاره - پارادوکس - مجاز

۱۱۲- در همهٔ ابیات همهٔ ارکان تشبیه یافت می‌شود، به جز:

از تار سر زلف تو آموخته تـاری
شد حاصلم از چشم خمار تو خـماری
ای لعبت تنبوری و ای آفت تـاری
خورشید کشد آرزوی آینه‌داری

۱) گویی شب هجر تو چو بخت سیه من
۲) من از لب میگون تو مستی طلبیدم
۳) رقص آیدم از ساز تو چون زهرهٔ چنگی
۴) پیش رخ روشن‌تر از آینه‌ات ای ماه

۱۱۳- در کدام بیت، آرایه‌های ایهام و استعاره «هر دو» یافت می‌شود؟ (علوم و فنون خارج ۱۴۰۰)

داغ ناخن خورده‌ای از لاله‌زارِ حسنِ اوست
کس ندارد ذوق مستی می‌گساران را چه شد
یعنی طمع مدار وصال دوام را
فراش بوستان گشت نقاش گلستان شد

۱) آفتابی کز شفق، رخسار، در خون شسته است
۲) زهره سازی خوش نمی‌سازد مگر عودش بسوخت
۳) در بزم دور یک دو قدح درکش و برو
۴) فرش طرب بگستر چون باد نوبهاری

۱۱۴- آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات درست است، به جز:

کز حلقه‌های زلف تو تابي نداشتند (ایهام، پارادوکس)
که این معامله بیرون ز کفر و ایمان است (استعاره، لف و نشر)
دل من است که هم جمع و هم پریشان است (کنایه، پارادوکس)
طناب عمر من آن موی عنبر افشان است (جناس، تشبیه)

۱) از آشفتگی به حلقهٔ جمععی رسیده‌ام
۲) به عشق زلف و رخت فارغم ز دیر و حرم
۳) به یاد کاکل پرتاب و زلف پُرچینش
۴) چراغ چشم من آن روی مجلس افروز است

۱۱۵- آرایه‌های «استعاره، ایهام، تناسب و لف و نشر» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

(علوم و فنون خارج ۱۴۰۰)

که در هوای رخت چون به مهر پیوستم
پشت خمیده مرا قد کشیده تو را
ور برنجم خاطر نازک برنجانند ز من
از بلبل بی‌برگ و نوا بازگرفتی

(۳) د - الف - ج - ب (۴) د - ج - الف - ب

الف) چو ذره گر چه حقیرم بین به دولت عشق
ب) تیرو و کمان عشق را هر که ندیده، گو بین
ج) گر چو شمعش پیش میرم بر غم خندان شود
د) آخر چه شد ای برگ گل تازه که دیدار

(۱) الف - ب - د - ج (۲) الف - ج - ب - د

(ریاضی ۹۹)

طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست
و گر نه تشنگی افزاست آب شور تمنا
چشمی که یک نظر دید آن چشم سرمه‌سارا
که باشد عقد گوهر خوشه‌ای از خرمن دریا

(ریاضی ۹۹)

سودای کج مپیز، که نباشد مجال تو
کاشفته گفت باد صبا شرح حال تو
کاین گوشه، نیست در خور خیل خیال تو
همچو لاله، جگرم بی می و خم‌خانه بسوخت

۱۱۶ - تعداد تشبیهات کدام بیت بیشتر است؟

(۱) واله و شیداست دائم همچو بلبل در قفس
(۲) بمال بر لب خونخوار حرص، خاک قناعت
(۳) چون سنگ سرمه، خاکش پیرایه نظرهاست
(۴) به هر شورش مده چون موج از کف دامن دریا

۱۱۷ - در کدام بیت همه آرایه‌های «تشبیه، استعاره، جناس» به کار رفته است؟

(۱) حافظ در این کمند سر سرکشان بسی است
(۲) در چین زلفش ای دل مسکین چگونه‌ای؟
(۳) صحن سرای دیده بشستم، ولی چه سود؟
(۴) چون پیاله، دلم از توبه که کردم، بشکست

(ریاضی ۹۹)

۱۱۸ - آرایه‌های مقابل ابیات در همه گزینه‌ها تماماً درست است؛ به جز:

ناز چندانی که می ریزد ز سر تا پای تو (حسن تعلیل، واج آرایه)
کآب گلزار تو از اشک چو گلنار من است (ایهام، کنایه)
دیده آهو ز شرم نرگس شهلائی تو (استعاره، تشبیه)
هر که یک شب را به روز آورد در سودای تو (تلمیح، ایهام تناسب)

(۱) نازنین تر می‌شوی هر روز از روز دگر
(۲) باغبان همچو نسیم ز در خویش مران
(۳) در غبار خاطر مجنون حصارى گشته است
(۴) پرده‌های دیده‌اش پیراهن یوسف شود

(ریاضی ۹۹)

۱۱۹ - آرایه‌های «تشبیه، استعاره، حس آمیزی و ایهام تناسب» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

در خارزار از نظر پاک‌بین خویش
بندبندش گر پر از شکر نباشد گو مباحش
اگر می‌بود بر بالین من سیب زخندانش
که گردد آفتابی چهره از گلگشت مهتابش

(۳) ج، الف، ب، د (۴) ج، الف، د، ب

الف) چون شب‌نم است بستر و بالین من ز گل
ب) ناله نی راست صد تنگ شکر در آستین
ج) چرا از دست می‌رفتم چرا بیمار می‌بودم؟
د) کجا تاب نگاه گرم دارد سایه پروردی

(۱) ب، الف، د، ج (۲) ب، د، ج، الف

۱۲۰- آرایه‌های مقابل کدام دو بیت کاملاً درست است؟

(تجربی ۹۹)

خورشید مومیایی ماه شکسته است (تشبیه، اسلوب معادله)
سهیل سیب زرخدان شراب گلرنگ است (جناس، تشبیه)
روح بیمار زلیخا همزه پیراهن است (تلمیح، ایهام)
روح تلخ بحر از آب گهر شیرین تر است (ایهام تناسب، حس آمیزی)

الف) جام شراب مرهم دل‌های خسته است
ب) گره‌گشای دل تنگ نغمه چنگ است
ج) ای صبای بی مرّوت برق تازی واگذار
د) پیش ما دشنام جانان از شکر شیرین تر است

(۱) الف، ب (۲) الف، د (۳) ب، ج (۴) ب، د

۱۲۱- در کدام بیت «ایهام، تناسب، تشبیه و استعاره» وجود دارد؟

(تجربی ۹۹)

ای دیده نگه کن که به دام که درافتاد
که این معامله تا صبحدم نخواهد ماند
ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد
که زیر تیغ تو هر دم سری دگر دارد

(۱) از راه نظر مرغ دلم گشت هواگیر
(۲) غنیمتی شمر ای شمع، وصل پروانه
(۳) مرغ دل باز هوادار کمان ابرویی است
(۴) کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه

۱۲۲- آرایه‌های ادبی بیت زیر، در کدام گزینه درست آمده است؟

(تجربی ۹۹)

نمی‌داند که این شادی دم دیگر نمی‌ماند»

«به روز تیره ما صبح، شکرخنده‌ها دارد

(۱) مجاز، استعاره، تضاد، تشخیص
(۲) تشخیص، تشبیه، حس آمیزی، ایهام
(۳) پارادوکس، ایهام تناسب، مجاز، حس آمیزی
(۴) تشبیه، حس آمیزی، پارادوکس، استعاره

۱۲۳- آرایه‌های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز ...

(تجربی ۹۹)

کجا مرجان به زور پنجه دریا را نگه دارد؟ (اسلوب معادله، ایهام)
این است سوادى که به اصل است مطابق (ایهام تناسب، کنایه)
ندارد ورنه جنسی غیر یوسف کاروان ما (ایهام، استعاره)
زکات رنگ به گلشن دهد گدای قدح (مجاز، تشبیه)

(۱) چه سان مژگان خونین گریه ما را نگه دارد
(۲) پهلو به حیات ابدی می‌زند آن زلف
(۳) عزیز قدردانی نیست در مصر سخن‌سنجی
(۴) اگر چه تخم طمع زردرویی آرد بار

۱۲۴- آرایه‌های «تشبیه، مجاز، حسن تعلیل و ایهام» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

(انسانی ۹۹)

لباس حسن تو دیدم به قد هر یک راست
ز بهر چه شر و آشوب از جهان برخاست
به جستجوی نگاری که نور دیده ماست
ز عشق تو دل جمله جهان چرا شیداست

الف) به قامت خوش خوبان نگاه می‌کردم
ب) اگر جمال تو با عاشقان کرشمه نکرد
ج) دو اسبه پیک نظر می‌دوانم از چپ و راست
د) به غمزه گر نربودی دل همه عالم

(۱) الف، د، ب، ج (۲) الف، ج، د، ب (۳) ج، د، ب، الف (۴) ج، ب، د، الف

۱۲۵- آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است؛ به جز:

(انسانی ۹۹)

ور نه من آزادم از هر سرو بستانی که هست (استعاره، ایهام)
تو نیز به کشتنم میان درستی (مجاز، کنایه)
همچو ماه چارده در کنج ویران تافته است (تشبیه، ایهام)
چین درخم ابروی تو ای ترک ختا چیست؟ (حسن تعلیل، جناس)

(۱) راستی را بنده شمشاد بالای توام
(۲) دیدی که غمت به خون من می‌کوشد
(۳) مهر رخسار تو در جان من شوریده دل
(۴) گر زان که نرنجیده‌ای از ما به خطایی

۱۲۶ - آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

(انسانی ۹۹)

- «ز مهر روی او عمری است تا دم می‌زنی «سلمان»
 (۱) ایهام، استعاره، حس‌آمیزی، کنایه
 (۲) ایهام، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز
 (۳) حسن تعلیل، ایهام، ایهام تناسب، حس‌آمیزی
 (۴) حسن تعلیل، استعاره، ایهام تناسب، جناس ناقص

۱۲۷ - در بیت زیر، «چند ایهام تناسب و چند جناس» وجود دارد؟

(انسانی ۹۹)

- «می‌ساختم چو بریخت و می‌سوختم چو عود
 زیرا که چاره دل من سوز و ساز بود»
 (۱) دو - دو (۲) سه - سه (۳) یک - دو (۴) دو - سه

۱۲۸ - آرایه‌های «استعاره، حسن تعلیل، پارادوکس، کنایه و تضاد» به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟

(هنر ۹۹)

- الف) عمر چون باد به تعجیل از آن می‌گذرد
 ب) بر نمی‌آیم به تسکین دل خود کام خویش
 ج) عاشق چرا امید نبندد په عشق پاک
 د) حرص بر من دردهای نسیه را کرده است نقد
 هـ) آن زلف همچو دام که عمرش دراز باد
 (۱) الف، ج، د، ه ب (۲) الف، د، ب، ه ج
 (۳) ج، الف، ب، ه د (۴) ج، ب، د، ه الف

۱۲۹ - بیشترین مجاز در کدام بیت، یافت می‌شود؟

(هنر ۹۹)

- (۱) هر سروقد که بر مه و خور حسن می‌فروخت
 (۲) بنال بلبل اگر با منت سر یاری است
 (۳) یک سر بی‌کبر در نمروود زار خاک نیست
 (۴) می‌خواست گل که دم زند از رنگ و بوی دوست

۱۳۰ - آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

(هنر ۹۹)

- «ز بند حرص بر آهو چه تازی نفس را چون سگ
 به صحرای قناعت رو که بی‌آهوست آن صحرا»
 (۱) تشبیه، ایهام تناسب، استعاره، تضاد
 (۲) تشبیه، مجاز، کنایه، پارادوکس
 (۳) استعاره، ایهام تناسب، مجاز، تضاد
 (۴) استعاره، پارادوکس، ایهام تناسب، مراعات نظیر

۱۳۱ - آرایه‌های همه ابیات در مقابل آنها درست است؛ به جز:

(هنر ۹۹)

- (۱) گرت سودای آن باشد کزین سودا برون آیی
 (۲) به بزمگاه چمن دوش، مست بگذشتم
 (۳) چون دل شب می‌زنم صائب بر آهنگ فغان
 (۴) بیر زین خاکدان زنهار با خود سرمه بینش
 زهی سودا که خواهی یافت فردا از چنین سودا (جناس تام، مجاز)
 چو از دهان توام غنچه در گمان انداخت (مجاز، ایهام)
 می‌کشانم بر زمین از آسمان ناهید را (اغراق، استعاره)
 وگر نه کور هیهات است در محشر شود بینا (تشبیه، واج‌آرایی)

۱۳۲ - ترتیب ابیات زیر، با توجه به آرایه‌های «حسن تعلیل، ایهام، اغراق، مجاز و استعاره» کدام است؟ (زبان ۹۹)

حدیث چشم سیل‌افشان نراند گر حیا دارد
نکنند هیچ اثر در دل چون آهن او
کانجا که قاف عشق است دستان چه کار دارد
که می‌گردد دو بالا ناله در کهسار عاشق را
ای دل از چنبر این ماه کجا خواهی جست

(۳) د، ب، الف، هـ ج (۴) د، ج، الف، ب، هـ

الف) بر آنم که ابر گرینده از این پس پیش اشک من
ب) آهن سرد چه کویم که دم آتشم
ج) در داستان نیاید اسرار عشقبازان
د) ز کوه بیستون فرهاد از آن بیرون نمی‌آید
هـ) ماه نو چون ز لب بام بدیدم گفتم

(۱) الف، ج، ب، د، هـ (۲) الف، ج، د، ب، هـ

(زبان ۹۹)

کیست که مرغ دلش از دام برآمد
بلبل باغ سخن منطق گویای من است
تیغ جفای او را جز جان سپر نباشد
کز شب زلف تو چون شمع شبستان تافته است

(زبان ۹۹)

که چون در نقطه موهوم این سی‌پاره پنهان شد»

(۲) پارادوکس، تشبیه، کنایه، مجاز

(۴) حسن تعلیل، واج‌آرایی، استعاره، مجاز

(زبان ۹۹)

خسرو ایران نمود گوش به گفتار من (حس‌آمیزی، ایهام)
جز مایه قصور نگرده نماز من (جناس، حسن تعلیل)
هر شب آراسته در پرده نگار عجبی (جناس، واج‌آرایی)
راستی سرو کجا قامت موزون دارد (ایهام تناسب، تشبیه)

(مشترک خارج ۹۹)

گوشمالی نیست حاجت ساز سیر آهنگ را»

(۴) ساز، آهنگ

(۳) نوا، مخالف

(مشترک خارج ۹۹)

پسته از بس خجل از غنچه خندان تو شد»

(۲) کنایه، استعاره، تشخیص، حسن تعلیل

(۴) استعاره، جناس، مجاز، حسن تعلیل

۱۳۳ - در کدام بیت، تعداد تشبیه با دیگر ابیات تفاوت دارد؟

(۱) خال تو تا دانه و زلفین تو شد دام
(۲) گل بستان خرد لفظ دلارای من است
(۳) تیر بلای او را جز دل هدف نشاید
(۴) آن بناگوش دل‌افروز است یا مه یا چراغ

۱۳۴ - آرایه‌های ادبی بیت زیر، تماماً در کدام گزینه درست است؟

«در آن تنگ دهن زان عقد دندان حیرتی دارم

(۱) ایهام، اغراق، استعاره، کنایه

(۳) اغراق، استعاره، تشبیه، واج‌آرایی

۱۳۵ - آرایه‌های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز

(۱) تا سخنی گفته‌ام زان لب شیرین سخن
(۲) تا در خیال حورم و اندیشه قصور
(۳) دست نقاش فلک بهر تماشای ملک
(۴) هر کجا جلوه بالای تو باشد به میان

۱۳۶ - کدام دو واژه در بیت زیر «ایهام» دارند؟

«از نواهای مخالف می‌کشند آزار خلق

(۱) نوا، ساز (۲) آهنگ، نوا

۱۳۷ - آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه درست آمده است؟

«می‌کند خنده خونین به ته پوست نهان

(۱) تناقض، اغراق، مجاز، استعاره

(۳) اغراق، تشخیص، تشبیه، ایهام تناسب

۱۳۸ - آرایه «تشبیه» در کدام بیت بیشتر یافت می‌شود؟

- ۱) سرسبز گشت باغ رخت از بهار خط
- ۲) روی تو در آینه جان عکس بینداخت
- ۳) میوه عیش بسی چیده‌ام از آن نخل مراد
- ۴) حلقه دام نجات است خم طره دوست

(مشترک خارج ۹۹)

یعنی فزود مهر دلم از نگاه تو
تا تخته تن پاک بگشت از همه رنگم
کی دهد باغ محبت ثمری بهتر از این
وای بر حالت مرغی که در این دام نبود

۱۳۹ - آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است؛ به جز:

- ۱) اگر سنجی به میزان وفاکوه غم مارا
- ۲) بهار عمر خواه ای دل، وگرنه این چمن هرسال
- ۳) در آن دل از هلاک عشق‌بازان غم کجا ماند؟
- ۴) مسلسل چون شود امواج، می‌باشد ز هم کشتی

(مشترک خارج ۹۹)

تو را در پله انصاف، سنگ کم کجا ماند؟ (اغراق، جناس)
چو نسرين صدگل آرد بار و چین بلبل هزار آرد (ایهام تناسب، استعاره)
گره در خاطر خورشید از شب‌نم کجا ماند؟ (واج‌آرایی، استعاره)
به حال خویش دل در زلف خم در خم کجا ماند؟ (اسلوب معادله، ایهام)

۱۴۰ - در کدام گزینه ترتیب ابیات با در نظر گرفتن آرایه‌های: «تناقض، اغراق، مجاز، لف و نشر و ایهام» درست است؟

- الف) ما را ز خیال تو چه پروای شراب است
 - ب) پرتو روی چومه‌ام تو در آن زلف سیاه
 - ج) تا نپنداری که سلمان را نظر بر شاهد است
 - د) چنان کاندل پریشانی سرفرازی کند زلفش
 - هـ) سیل سرشکم را کجا مژگان تواند بست ره
- ۱) الف، ج، ب، هـ د
۲) الف، هـ، ج، ب، د

(انسانی خارج ۹۹)

خم گو سر خود گیر که خم‌خانه خراب است
راستی را چه شب تیره و خوش مهتابی است
مست جام عشق را با شاهد رعنا چه کار
توانایی چشم ساحرش در ناتوانی بود
با خار و خس کی می‌توان بستن ره سیلاب را

۳) د، هـ، ج، الف، ب
۴) د، هـ، ج، ب، الف

۱۴۱ - در همه ابیات، هر دو آرایه تشبیه و استعاره وجود دارد؛ به جز:

- ۱) دفتر گل را به آب چشم خواهد پاک شست
- ۲) هر خسی قیمت نداند نال شب خیز را
- ۳) خامشی دریا و گفت‌وگو خس و خاشاک اوست
- ۴) شوکت شاهی سبک سنگ است در میزان عدل

(انسانی خارج ۹۹)

گر ببیند بلبل آن رخسار شب‌نم خیز را
خسروی باید که داند قدر این شب‌دیز را
پاک کن از خار و خس این بحر گوهر خیز را
عشق می‌گیرد به خون کوهکن پرویز را

۱۴۲ - آرایه های بیت زیر کدامند؟

- «روشننت گردد اگر خال و خطش را بینی
- ۱) تشبیه، تضاد، مجاز، استعاره
 - ۳) استعاره، لف و نشر، مجاز، تضاد

(انسانی خارج ۹۹)

که چرا روز فراق و شب هجران تار است»
۲) حسن تعلیل، استعاره، ایهام، پارادوکس
۴) تشبیه، لف و نشر، ایهام تناسب، پارادوکس

۱۴۳ - در کدام بیت، آرایه «لف و نشر و ایهام» به چشم می‌خورد؟

- ۱) گرچه کامم ز لب نوش تو تلخ است اما
- ۲) ز سودای رخ و زلفش غمی دارم شب‌انروزی
- ۳) لب شیرین تو گویا به حدیث آمد باز
- ۴) با خیال روی و مویش غرق نور و ظلمتم

(انسانی خارج ۹۹)

گر کسی گوش دهد قصه شیرین دارم
مرا صبح وصال او نمی‌گردد شبی روزی
که برآورده بسی شور ز هر شیدایی
کو نظربازی که سیر صبح و شام من کند

۱۴۴ - کدام بیت فاقد تشبیه و دارای «مجاز و ایهام» است؟

- ۱) خواهیم ز پس پرده تقوا به درافتم
- ۲) چون بلبل دل سوخته را بال شکستند
- ۳) نه طرهات غم شب‌های تار من دارد
- ۴) من آن نیام که کند یار اجتناب از من

(علوم و فنون ۹۹)

چندی به زبان همه‌کس چون خبر افتم
برطرف چمن باز به پرواز نیاید
نه چشم مسست تو فکر خمار من دارد
همیشه صحبت آتش به شمع درگیرد

۱۴۵ - آرایه‌های بیت زیر کدام اند؟

- «ز باغ حسن خود بر خور که من در سایه سروت
۱) تشبیه، جناس، ایهام، کنایه
۳) تشبیه، استعاره، جناس، مجاز

(علوم و فنون ۹۹)

- جهانی را ز باغ عشق برخوردار می‌بینم»
۲) استعاره، مجاز، کنایه، ایهام
۴) کنایه، ایهام، مجاز، واج‌آرایی

۱۴۶ - آرایه‌های بیت زیر کدام اند؟

- «تو داری طاق ابرویی که جفتش نیست در عالم
۱) تشبیه، تضاد، ایهام، جناس تام
۳) پارادوکس، جناس ناقص، کنایه، اغراق

(علوم و فنون ۹۹)

- تویی آن کسی که در عالم به جفت ابروان طاقی»
۲) تشبیه، مجاز، ایهام تناسب، تضاد
۴) استعاره، ایهام، اغراق، پارادوکس

۱۴۷ - کدام بیت فاقد مجاز است؟

- ۱) گر بر سر خاک من بنشین و برخیزی
- ۲) به غمزه نرگس مسست بریخت خون‌دلم
- ۳) سر اگر در سر کار تو کنم دوری نیست
- ۴) سهل است به خون من اگر دست بر آری

(علوم و فنون ۹۹)

تا محشر از این شادی برخیزم و بنشینم
ولیکن از بر من جان به ناتوانی برد
کان که در دست تو افتاد ز سر نندیشد
جان دادن در پای تو دشوار نباشد

۱۴۸ - در همه ابیات آرایه‌های تشبیه، استعاره و جناس وجود دارد؛ به‌جز:

- ۱) نشد از گوش دلم زمزمه نغمه چنگ
- ۲) مگذار مطرب را دمی کز چنگ بنهد چنگ را
- ۳) ای تُرک آتش رخ بیار آن آب آتش‌فام را
- ۴) ای رخت آینه جان، می چون زنگ بیار

(علوم و فنون ۹۹)

تا عنان دل شیدا بشد از چنگ مرا
در آگون ساغر فکن آن آب آتش رنگ را
وین جامه نیلی ز من بستان و در ده جام را
تا ز آینه خاطر ببرد زنگ مرا

۱۴۹ - آرایه مقابل همه ابیات کاملاً درست است؛ به‌جز:

- ۱) مشو در هم رخت گر شد کبود از سیلی اخوان
- ۲) حرص در هنگام پیری از غلاف آید برون
- ۳) حرف حق گفتن به خون خویش فتوی دادن است
- ۴) تا روی کند عیش و طرب پشت به خُم ده

(علوم و فنون ۹۹)

که بی این نیل از چشم خریداران خطررداری (مجاز، تلمیح)
بال و پر پیدا کند چون مور ماند بیش‌تر (استعاره، اسلوب معادله)
پنبه چون حلاج از مستی ز مینا برمدار (ایهام، استعاره)
تا پشت کند محنت و غم روی به می کن (تضاد، حسن تعلیل)

۱۵۰ - آرایه‌های «اغراق، تشبیه، حس آمیزی، حسن تعلیل، کنایه» به ترتیب، در کدام گزینه آمده است؟ (علوم و فنون ۹۹)

که بر خار و خس ما هر کفی ساحل تواند شد
شیرین ز شکرخند تو چون کنج دهن شد
از تازگی خط تو تقویم کهن شد
هر وحشی که با من دیوانه رام شد
داغ جگر لاله ستان ناف ختن شد
(۳) د، ج، ب، ه الف (۴) ه ب، د، ج، الف

الف) تو کز سنگین رکابی لنگری، سامان کشتی کن
ب) کامت شکرین باد که هر رخنه‌ای از دل
ج) ریحان که رخ گلشن ازو تازه و تر بود
د) شد شوق من به الفت لیلی یکی هزار
ه) بوی خوش آهوی تو بر دشت گذر کرد
(۱) ج، د، الف، ب، ه (۲) د، ه ب، الف، ج

(علوم و فنون خارج ۹۹)

در دامگه عشقش بشکست پر و بال
از سر زلف و رخت لیـل و نهاری بوده است
خامه خون می‌گرید و خط خاک بر سر می‌کند
باز می‌گوید به مردم ماجرای چشم من

۱۵۱ - استعاره مکنیه در کدام بیت، تشخیص نیست؟

(۱) در شامگه هجرتش بگداخت تن و جانم
(۲) پیش از آن دم که زند خط شب از عارض روز
(۳) در فراقش می نویسم نامه‌ای از دست من
(۴) گرچه چشم بسته است اما سر شکم می رود

(علوم و فنون خارج ۹۹)

یوسف خود را به سیم قلب سودا کرد و رفت
(۲) استعاره، تشبیه، ایهام، ایهام تناسب
(۴) تشبیه، حسن تعلیل، مجاز، ایهام تناسب

۱۵۲ - آرایه های بیت زیر کدام اند؟

«هر که دل از دست داد و عشوه دنیا خرید
(۱) استعاره، کنایه، حسن تعلیل، ایهام
(۳) تشبیه، کنایه، مجاز، اسلوب معادله

(علوم و فنون خارج ۹۹)

باغ، پر گلچهر گشت و کاخ، پر اورنگ بود
مقیم بر در لیلی مقام خواهد بود
شادی از جان من غم زده بگریخته است
زاغی که بر کناره باغی نشسته است

۱۵۳ - کدام بیت، فاقد استعاره و دارای «تشبیه و جناس» است؟

(۱) آن زمان کان ماه رخشان خور آیین رخ نمود
(۲) چه غم ز حرب و حرب عرب چو مجنون را
(۳) تا زدی در دل من خیمه به اقبال غمت
(۴) دانی که بر عذار تو خال سیاه چیست؟

(علوم و فنون خارج ۹۹)

یا ز رخسار تو گویم که به جایی ماند
که عمر اگرچه عزیز است هم نمی‌ماند
شرط است بدین سر که به چوگان تو باشد
بر دل من مزن ای جان که تویی در دل من

۱۵۴ - وجه شبه در کدام بیت، محذوف است؟

(۱) مه چه باشد که به روی برابر کنم
(۲) نگویمت به تو می‌ماند از عزیزی عمر
(۳) خواهم سرخود گوی صفت باخت ولیکن
(۴) تیر مژگان تو از جوشن جان می‌گذرد

(علوم و فنون خارج ۹۹)

گل‌ها شنیده بوی خود را به باد داده (حس آمیزی، تشخیص)
نقل مجلس همه بادام و شکر بود مرا (لف و نشر، تشبیه)
چرا که جایگه گنج، کنج ویران است (اسلوب معادله، جناس)
گرچه بی روی تو ما را سر بازار نبود (مجاز، کنایه)

۱۵۵ - آرایه های مقابل همه ابیات درست است؛ به جز:

(۱) با باد بوده همره بوی تو در سحرگه
(۲) یادباد آن که ز چشم خوش و لعل لب تو
(۳) دل خراب من از عشق کی شود خالی
(۴) کوس بدنمایی ما بر سر بازار زدند

۱۵۶ - آرایه های بیت زیر، در کدام گزینه تماماً درست است؟

(علوم و فنون خارج ۹۹)

- «ما به خون خود دهان تیشه شیرین می‌کنیم تلخ ننشید عث معشوق شیرین کار ما»
- (۱) تشخیص، مجاز، تضاد، جناس
(۲) استعاره، حس آمیزی، ایهام، کنایه
(۳) جناس، استعاره، ایهام، تشخیص
(۴) حس آمیزی، مجاز، پارادوکس، ایهام

۱۵۷ - آرایه های «جناس تام، لف و نشر، تشبیه، ایهام تناسب» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می شود؟ (علوم و فنون خارج ۹۹)

- (الف) و لحظه‌ای به کوی تو ناگاه بگذرم
(ب) وز روی آن که رونق خوبان ز روی توست
(ج) ایمان و کفر همه رخسار و زلف توست
(د) بر بوی آن که بوی تو دارد نسیم گل
- (۱) ب، د، الف، ج (۲) ب، ج، الف، د (۳) د، ج، ب، الف (۴) د، ب، ج، الف

۱۵۸ - در کدام تشبیه وجه شبه ذکر نشده است؟

(ریاضی ۹۸)

- (۱) چون مار زخم خورده دل افتد به پیچ و تاب
(۲) چون رخ من شده است رنگ زمین
(۳) جهان چون نی هزاران ناله دارد
(۴) در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع
- هر گه که یاد طره پیچان کند تو را
چون دم من شده است طبع زمان
که یک نی دید از شگرسستانی؟
شب نشین کوی سربازان و رندانم چو شمع

۱۵۹ - آرایه های بیت زیر، کدام است؟

(ریاضی ۹۸)

- «جای خنده است سخن گفتن شیرین پیشت»
- (۱) استعاره، مجاز، کنایه، تلمیح
(۲) تشبیه، ایهام، مجاز، حسن تعلیل
(۳) استعاره، ایهام تناسب، تلمیح، تناقض
(۴) تشبیه، ایهام، استعاره، ایهام تناسب
- که آب شیرین چو بخندی برود از شکر

۱۶۰ - بیت زیر «فاقد» کدام آرایه های ادبی است؟

(ریاضی ۹۸)

- «شود از مهر خموشی دل خامش گویا»
- (۱) ایهام، حس آمیزی (۲) استعاره، تناقض
(۳) تشبیه، مراعات نظیر (۴) مجاز، اسلوب معادله
- جوش می در جگر خم ز سر بسته بود»

۱۶۱ - ترتیب آرایه های «استعاره، تشبیه، پارادوکس و حسن تعلیل» در ابیات زیر کدام است؟

(ریاضی ۹۸)

- (الف) دلم به پیش تو می‌خواست جان فرستادن
(ب) ز میوه گر چه در این بوستان سبکباریم
(ج) مگر ای زلف ز حال دلم آگه شده‌ای
(د) خواهم اندر پایش افتادن چو گوی
- (الف) ولی کبوتر جان را نبود قوت بال
همان چو سرو به آزادگی گرفتاریم
که پراکنده و شوریده و سرگردانی
ور به چوگانم زند هیچش مگوی
- (۱) الف، ب، د، ج (۲) الف، د، ب، ج (۳) ج، د، ب، الف (۴) د، ب، الف، ج

۱۶۲- تعداد تشبیهات کدام بیت، بیشتر است؟

(تجربی ۹۸)

- ۱) ای بهشتی‌رخ طوبی قد خورشید لقا
- ۲) از طاق ابروانت وز تار گیسوانت
- ۳) تو مهر درخشنده و من ذرّه محتاج
- ۴) گاهی از جلوّه شیرین روشی مجنونم

بشنو این بیت خوش از خسرو جاویدلقا
هم خسته کمانیم هم بسته کمنیدیم
تو خانه‌فروزنده و من خانه به دوشم
گاهی از خنده شیرین‌منشی فرهادم

۱۶۳- آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

(تجربی ۹۸)

«چو غنچه بر سرم از کوی او گذشت نسیمی

که پرده بر دل خونین به بوی او بدریدم»

- ۱) تشبیه، مجاز، تلمیح، تضاد
- ۲) ایهام، تشبیه، جناس، کنایه
- ۳) کنایه، تشبیه، حس‌آمیزی، مجاز
- ۴) مجاز، ایهام، مراعات نظیر، حس‌آمیزی

۱۶۴- آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است؛ به جز:

(تجربی ۹۸)

- ۱) لاله، دل در دم جان بخش سحر می‌بندد
- ۲) از آن دلبستگی دارد دل ما با سر زلفش
- ۳) به روز حشر چو بوی تو بشنود خواجه
- ۴) چنان کاندراپیشانی سرافرازی کند زلفش

غنچه جان پیشکش باد صبا می‌آرد
که هرتاری زگیسپوش رگی با جان مادارد
ز خاک مست برون افتد و کفن بدرد
توانایی چشم ساحرش در ناتوانی بود

- (استعاره، اسلوب معادله)
(حسن تعلیل، مراعات نظیر)
(حس‌آمیزی، مجاز)
(تناقض، استعاره)

۱۶۵- ترتیب آرایه‌های «جناس، تشخیص، مجاز، تضاد» در کدام ابیات است؟

(تجربی ۹۸)

- الف) پیش رفتار تو پا برنگرفت از خجلت
 - ب) ای نسیم کوی معشوق این چه باد خرم است
 - ج) پی دیدن خرامش سر کوجه‌ها ستادم
 - د) چگونه از خط حکم تو سر بگردانم
- ۱) الف، ب، د، ج ۲) ب، الف، ج، د

سرو سرکش که به ناز از قد و قامت برخاست
تا کجا بودی که جانم تازه می‌گردد به بوی
پی جلوّه جمالش در خانه‌ها نشستم
که من مطیعم و حکم تو پیش بنده مطاع

۳) ب، الف، د، ج ۴) د، ب، ج، الف

۱۶۶- در کدام بیت، هر دو تشبیه گسترده و فشرده وجود دارد؟

(انسانی ۹۸)

- ۱) هر که از مهر تو چون ذره شود سرگردان
- ۲) من که با زلف چو چوگان تو گویی زنم
- ۳) چند چون مرغ کنی سوی گلستان پرواز
- ۴) تو که یک ذره نداری خبر از آتش مهر

دورش از روی چو خورشید درخشان مگذار
بیش از این گوی دلم در خم چوگان مگذار
راه آمد شد بستان به صبا باز گذار
ذره بی‌سر و پا را به هوا باز گذار

۱۶۷- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

(انسانی ۹۸)

«آب آتش می‌برد خورشید شب‌پوش شما

می‌رود آب حیات از چشمه نوش شما»

- ۱) استعاره، تشخیص، تلمیح، تضاد
- ۲) مجاز، جناس تام، تضاد، تلمیح
- ۳) ایهام، استعاره، جناس تام، پارادوکس
- ۴) مجاز، ایهام، تشخیص، پارادوکس

۱۶۸- هر دو آرایهٔ مقابل کدام بیت، درست است؟

(انسانی ۹۸)

- ۱) پیمانۀ حیاتم پر شد فغان که نتوان
 - ۲) برخیز تا به پای شود روز رستخیز
 - ۳) شد چمن انجمن از بوی خوشش پنداری
 - ۴) اسباب پریشانی جمع است برای من
- (حسن تعلیل جناس) پیمان از او گرفتن پیوند از او بریدن
 وانگه بین شهید غمت در چه حالت است (تلمیح - ایهام)
 که سمن در بغل و گل به گریبان دارد (جناس - حس آمیزی)
 جمعیت اگر خواهی زان طرهٔ پریشان باش (پارادوکس - مجاز)

۱۶۹- آرایه‌های «اسلوب معادله، تلمیح، تشبیه، حس آمیزی» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می‌شود؟

(انسانی ۹۸)

- الف) وصل، هجران است اگر دل‌ها ز یکدیگر جداست
 - ب) آبی که زندگانی جاوید می‌دهد
 - ج) نیست پروا عاشقان را از نگاه تلخ یار
 - د) از تهی مغزی است امید گشاد از ماه عید
- ۱) ج، ب، الف، د ۲) ج، ب، د، الف
 ۳) د، ب، الف، ج ۴) د، ج، ب، الف
- هجر باشد وصل اگر دل‌ها به هم پیوسته است
 دارد اگر وجود، شراب شبانه است
 دود خشک شمع ریحان تر پروانه است
 ناخن تنها برای پشت سر خریدن است

۱۷۰- کدام بیت، دارای «تلمیح، تضمین و حسن تعلیل» است؟

(هنر ۹۸)

- ۱) نیازی نیست با شعرم تخلص خواجه خود فرمود
 - ۲) شهر ری خالی شد از مهر و محبت خواجه گفت
 - ۳) نگین ملک سلیمان چراغ عرش خداست
 - ۴) لاله چون تاج فریدون بدرخشد کز کوه
- که چرخ، این سگّهٔ دولت به نام شه‌ریاران زد
 مهربانی کی سرآمد شه‌ریاران را چه شد
 گرش نه حلقه برانگشت اهرمن باشد
 پسرچم کواوهٔ نوروز پدیدار آمد

۱۷۱- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

(هنر ۹۸)

- «ساز هستی غیر آهنگ عدم چیزی نداشت
- ۱) استعاره، مجاز، ایهام، تضاد، حسن تعلیل
 - ۳) تشبیه، تضاد، ایهام، پارادوکس، حس آمیزی
- هر نوایی را که وادیدم خموشی می‌سرود»
 ۲) تشبیه، مجاز، پارادوکس، کنایه، حسن تعلیل
 ۴) استعاره، اغراق، ایهام تناسب، جناس، حس آمیزی

۱۷۲- آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات تماماً درست است، به جز:

(هنر ۹۸)

- ۱) این عالم پرشور که آرام ندارد
 - ۲) از نرگس بیمار بود تازگی حُسن
 - ۳) در دل فکند شور جزا گریهٔ تلخش
 - ۴) مجنون چه کند مست نگرده، که در این دشت
- از دامن صحرای تو یک موج سراب است (تشبیه، مجاز)
 معموری آفاق ز دل‌های خراب است (تناقض، استعاره)
 از آتش رخسار تو هر دل که کباب است (حس آمیزی، ایهام تناسب)
 هر موج سرابی که بود موج شراب است (تلمیح، جناس)

۱۷۳- ترتیب ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های «مجاز، تشبیه، استعاره، ایهام تناسب و تلمیح» در کدام گزینه است؟ (هنر ۹۸)

نتوان با سر زلف تو به جانی در بست
نتوان گفت که در دور تو هشیاری هست
تا نشد در تن خم‌خانه چو دُردی به نشست
نشئه‌ای هست هنوز از می باقی الست
هر که زین دست خورد می برود زود ز دست

(۳) ه الف، ب، د، ج (۴) ه ج، الف، ب، د

الف) می‌زند حلقه زلف تو در غارت جان
ب) گر بدین شیوه کند چشم تو مردم را مست
ج) جان صوفی نشد از جام کدورت صافی
د) می به هشیار ده ای ساقی مجلس که مرا
ه) خوردم از دست تو جامی که جهان جرعه اوست

(۱) ج، الف، د، ب، ه (۲) ج، ب، ه الف، د

(زبان ۹۸)

عالمی تشنه و عالم همه پر آب زلال»
(۲) ایهام، مجاز، مراعات نظیر، تشبیه
(۴) استعاره، ایهام تناسب، مجاز، اغراق

(زبان ۹۸)

شیرازۀ گلزار بود خار و خس ما»
(۲) استعاره، پارادوکس، مجاز، حسن تعلیل
(۴) استعاره، حسن تعلیل، اسلوب معادله، مجاز

(زبان ۹۸)

بالا گرفت کارم در منتهای پستی (پارادوکس، مجاز)
که جام باده شد سرچشمه آب بقای من (تلمیح، استعاره)
غنچه چون افتاد بازگوش خود وا می‌شود (حسن آمیزی، تشخیص)
کس به هیچ نستاند، بار نافه چین را (جنس تام، حسن تعلیل)

(زبان ۹۸)

عجب مدار که آن عین آب حیوان است
که بشنوم ز لب لعل یار بوی شراب
مردم چشمم فرو برده است دایم سر در آب
نه چنان پایه چینی بی‌سروپایی برسد
کشید قامت و چون سرو در چمن بنشست
(۳) د، ج، ب، ه الف (۴) د، ه ب، الف، ج

(علوم و فنون ۹۸)

لعل شیرین تو را دید و شکر گرد آورد»
(۳) شکر (۴) وصال

۱۷۴- آرایه‌های بیت زیر، کدامند؟

«شکرت شور جهانی و جهانی مشتاق
(۱) استعاره، ایهام، تضاد، مراعات نظیر
(۳) تشبیه، ایهام تناسب، جناس تام، تضاد

۱۷۵- آرایه‌های بیت زیر کدامند؟

«بی‌برگی ما برگ نشاط است چمن را
(۱) تشبیه، استعاره، پارادوکس، مجاز
(۳) تشبیه، تضاد، کنایه، اسلوب معادله

۱۷۶- آرایه‌های مقابل کدام بیت، «هر دو» درست است؟

(۱) بر آستان یارم بر آسمان غبارم
(۲) سکندروار در ظلمت بسی لب‌تشنه گردیدم
(۳) آن لب رنگین‌سخن بی‌خواست گویا می‌شود
(۴) چون به چهره بفشانی، چین زلف مشک‌افشان

(زبان ۹۸)

۱۷۷- ترتیب ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های: «مجاز، حسن تعلیل، حسن آمیزی، استعاره و ایهام» کدام است؟

الف) چو چشمه خضر ار شعر من روان افزاست
ب) گل امید من آن روز رنگ می‌گیرد
ج) مردم دریا نیندیشد ز طوفان زان سبب
د) سر پابوس تو دارم من و هیهات کجا
ه) فشاند سنبل و چون گل ز غنچه رخ بنمود
(۱) ب، ج، الف، ه د (۲) ب، د، ه ج، الف

۱۷۸ - همه واژه‌ها در بیت زیر آرایه ایهام یا ایهام تناسب دارند؛ به جز:

«خسرو آن است که چون ملک وصال دریافت
(۱) خسرو (۲) شیرین

۱۷۹- آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟

(علوم و فنون ۹۸)

تشنه روی توأم باز مدار از من آب»
 ۲) استعاره، تشبیه، کنایه، جناس همسان
 ۴) استعاره، ایهام تناسب، مجاز، جناس همسان

«زنده به بوی توأم بوی ز من وا مگیر
 ۱) کنایه، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز
 ۳) کنایه، تشبیه، ایهام، جناس ناهمسان

۱۸۰- در همه ابیات، آرایه «تشبیه و استعاره» یافت می‌شود؛ به جز:

(علوم و فنون ۹۸)

تا بر سیمین تو احوال ما زرین کند
 بوی خود را واهلد در حال و زلفش بو کند
 چون دل خیال آن بت شیرین‌دهمان کند
 کس نداند حالت من ناله من او کند

۱) پرده بردار ای قمر پنهان مکن تنگ شکر
 ۲) مشک و عنبر گر ز مشک زلف یارم بو کند
 ۳) تنگ شکر شود همه کام و دهان من
 ۴) چنگ را در عشق او از بهر آن آموختم

۱۸۱- کدام بیت، فاقد «ایهام» است؟

(علوم و فنون ۹۸)

که هیچ فایده نبود اگر هزار بگوید
 سر بر کنار نسترن و ارغوان نهاد
 چنین در دام غم تا کی به سوی دانه بنشیند
 بنواز باری نوبتی چون می‌زنی عشاق را

۱) چه سود نرگس سرمست را نصیحت بلبل
 ۲) در تابم از دو سنبیل هندوت کز چه روی
 ۳) دلی کز خرمن شادی نشد یک دانه‌اش حاصل
 ۴) در پرده از ناراستی راه مخالف می‌زنی

۱۸۲- در کدام بیت تشبیه، استعاره و مجاز «همگی» وجود دارد؟

(علوم و فنون ۹۸)

غنچه از شاخ به صد آه و فغان برخیزد
 من از عشق، مجنون صحرا نشینم
 یک عمر از این تمنا خون در جگر توان زد
 برخیز پی جلوه که برداریم از خاک

۱) گر بدین پسته خندان به چمن بنشینی
 ۲) تو در حسن، لیلای خرگه نشینی
 ۳) گر بوسه‌ای توان زد یاقوت آن دو لب را
 ۴) خاک سر راحت شدم ای لعبت چالاک

۱۸۳- آرایه‌های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز گزینه‌ی ...

(علوم و فنون ۹۸)

۱) گر چه در مصر فراموشی مقید مانده‌ایم می‌رسد چون جامه یوسف به کنعان بوی ما (تلمیح، ایهام)
 ۲) حسرت برم از خسرو و فرهاد که در عشق نه زر به ترازویم و نه زور به بازو (لف و نشر، واج‌آرایی)
 ۳) نظر لطف ز مهر و مه کم‌کاسه مجوی خواب آسودگی از چشم نگهبانان مطلب (ایهام تناسب، اسلوب معادله)
 ۴) معنی رنگین به نازکدل رساند خویش را باده گلگون ندارد بهتر از مینا نقاب (تشبیه، حس‌آمیزی)

۱۸۴- آرایه‌های «مجاز، ایهام، حسن تعلیل و استعاره» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

(علوم و فنون ۹۸)

الف) به خون از نعمت الوان قناعت کن که مشک تر
 ب) زمین قابل اگر بهر فکر می‌طلبی
 ج) غنچه دلگیر ما را برگ شکرخند نیست
 د) تا دور از آن لب شکرین همچو نی شدیم
 ۱) الف، ج، د ۲) ب، د، الف، ج ۳) ج، الف، د، ب ۴) ج، د، ب، الف

۱۸۵- ترتیب آرایه‌های «استعاره، حس آمیزی، حسن تعلیل، ایهام و لف و نشر» در کدام ابیات است؟ (علوم و فنون ۹۸)

تا ننازد فلک سفله به خورشید و مهش
آستین بر رخ نهد با دامن تر آفتاب
که از خماری سحر حالتی دژم دارد
چه شاهدی تو که بهتر ز جان شیرینی
گلبن تر سرخ‌روی از گریه رنگین من
(۳ ج، د، الف، ب، هـ ۴ ج، هـ ب، د، الف

الف) کاش در پرده شب و روز بپوشی رویت
ب) ابر از آن پیدا شود کز رشک خورشید رخت
ج) مگر ز چشم تو دم زد به گلستان نرگس
د) همه فدای تو کردند جان شیرین را
هـ) تنگ شکر تلخکام از خنده شیرین او
(۱ ب، د، هـ ج، الف ۲ ب، هـ الف، د، ج

(علوم و فنون خارج ۹۸)

این نه هاله است که بر گرد قمر گردیده است
ساده لوحی که به خورشید تو را سنجیده است
گل بی‌درد به روی که دگر خنده است؟
هرکه را فکر سر زلف به پیچیده است

۱۸۶- کدام بیت، فاقد «تشبیه» است؟

(۱) ماه از شرم عذار تو حضاری شده است
(۲) غافل از خال و خط و زلف و دهان تو شده است
(۳) شور مرغان چمن حوصله سوز است امروز
(۴) تا قیامت گرهش باز نگردد چون خال

(علوم و فنون خارج ۹۸)

رشته جان من از شمع رخت یافته تاب
گر میر نهد بندم و گر پیر دهد پند
خارم اندر پای و پا در گل بماند
و او از دم دود من دل‌سوخته در تاب

۱۸۷- تعداد جناس در کدام بیت، بیشتر است؟

(۱) چشمه چشم من از سرو قند یافته آب
(۲) تا جان بود از مهر رخس برنکنم دل
(۳) دل به دست یار و غم در دل بماند
(۴) من با غم دل ساخته و سوخته در تب

(علوم و فنون خارج ۹۸)

در خون خویش بنشانند از تیر دل نشینم»
(۲) تشبیه، جناس، کنایه، ایهام
(۴) جناس، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز

۱۸۸- آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟

«تا با کمان ابرو بنشست در کمینم
(۱) استعاره، مجاز، تلمیح، ایهام
(۳) استعاره، اغراق، جناس، پارادوکس

(علوم و فنون خارج ۹۸)

چو در محبت شیرین هلاک شد فرهاد»
(۳) اغراق، تشخیص
(۴) تلمیح، حسن تعلیل

۱۸۹- بیت زیر، «فاقد» کدام آرایه‌های ادبی است؟

«به خون لعل فرو رفت کوه سنگین دل
(۱) تشبیه، کنایه (۲) مجاز، جناس

(علوم و فنون خارج ۹۸)

فرق من و خاک کف پای تو (جناس تام، تشبیه)
ای کاش که مرغ دلم از بال و پر افتد (تشبیه، مجاز)
اول نظرش یوسف مصر از نظر افتد (اغراق، کنایه)
ز نار بندی را نگر تسبیح‌خوانی را ببین (لف و نشر، تضاد)

۱۹۰- آرایه‌های مقابل همه ابیات کاملاً درست است؛ به جز:

۱- گر تو زنی تیغ هلاکم به فرق
۲- از گوشه بامت سر پرواز ندارم
۳- یعقوب چو چشمش به تو زیبا پسر افتد
۴- زان زلف و رخ‌شام و سحر در کفر و دین بردم به سر

۱۹۱- آرایه‌های مقابل همه ابیات کاملاً درست است؛ به جز؛

(علوم و فنون خارج ۹۸)

- ۱- ای رقیب ار نگشایی در دلبنده به رویم
 ۲- نه من انگشت نمایم به هواداری رویت
 ۳- گر تو خواهی که یکی را سخن تلخ بگویی
 ۴- در اندیشه بیستم قلم وهم شکستم
- این قدر بازنمایی که دعا گفت فلانت (ایهام تناسب، حسن تعلیل)
 که تو انگشت نمایی و خلائق نگرانت (ایهام، کنایه)
 سخن تلخ نباشد چو برآید به دهانت (اغراق، حس آمیزی)
 که تو زیباتر از آنی که کنم وصف و بیانت (لف و نشر، استعاره)

۱۹۲- ترتیب آرایه‌های «جناس، تشبیه، حسن تعلیل و پارادکس» در کدام ابیات است؟ (علوم و فنون خارج ۹۸)

- الف) ز رشک قامت او ناله خاست از دل سرو
 ب) کشتی عقل فکنندیم به دریای شراب
 ج) شادی امروز دل از غم رویش رسید
 د) بیگانه رحمت آورد بر زحمت دل ما
- ز شرم عارض او هاله بست بر رخ ماه
 تا ببینیم چه از آب برون می‌آید
 دیده امید من در ره فردای اوست
 کی آنقدر تطاول با آشنا توان کرد
- ۱) ب، الف، ج، د (۲) ب، د، الف، ج (۳) د، ب، الف، ج (۴) د، ب، ج، الف

۱۹۳- ترتیب قرارگرفتن ابیات با توجه به آرایه‌های: «ایهام تناسب، حسن تعلیل، استعاره، حس آمیزی» در کدام گزینه درست است؟ (علوم و فنون خارج ۹۸)

- الف) بام آن کعبه مقصود بلند است ای کاش
 ب) از آن از اشک خالی نیست چشمم
 ج) چو سرو، میل چمن کن که صبحدم در باغ
 د) هشیاری سری کز می سودای تو مست است
- عشق می‌داد مرا بال و پری بهتر از این
 که پندارم شراب لاله رنگ است
 سماع بلبل شیرین کلام خواهد بود
 آباد دلی کز غم دلدار خراب است
- ۱) ج، الف، ب، د (۲) ج، ب، د، الف (۳) د، الف، ب، ج (۴) د، ب، الف، ج

۱۹۴- ترتیب ابیات زیر، بر مبنای داشتن آرایه‌های «حسن تعلیل - تضاد - استعاره - تناقض» در کدام گزینه آمده است؟ (تالیفی ۹۸)

- الف) دل چو از پیر خرد نقل معانی می‌کرد
 ب) سازگاری چرخ را با من نبود از راه لطف
 ج) خاک بغداد به مرگ خلفا می‌گرید
 د) من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست
- عشق می‌گفت به شرح آن چه بر او مشکل بود
 چند روزی بهر ویرانی مرا آباد داشت
 ورنه این شط‌روان چیست که در بغداد است؟
 کی طمع در گردش گردون دون‌پرور کنم؟
- ۱) ب - د - ج - الف (۲) ج - د - الف - ب (۳) د - ب - الف - ج (۴) ج - ب - الف - د

۱۹۵- در کدام بیت همه آرایه‌های «تشبیه، کنایه، استعاره، حسن تعلیل» وجود دارد؟ (تالیفی ۹۸)

- ۱) تا کی می صبوح و شکرخواب بامداد
 ۲) دی در گذار بود و نظر سوی ما نکرد
 ۳) اندیشه از محیط فنا نیست هر که را
 ۴) در هر طرف ز خیل حوادث کمین‌گهی است
- هشیار گرد، هان که گذشت اختیار عمر
 بیچاره دل که هیچ ندید از گذار عمر
 بر نقطه دهان تو باشد مدار عمر
 زان رو عنان‌گسسته دواند سوار عمر

۱۹۶- در بیت زیر کدام آرایه‌ها دیده می‌شوند؟

(تالیفی ۹۸)

«گر چو چنگم در برآیی زلف در دامن، کشان
 (۱) تشبیه، استعاره، تناسب، اغراق
 (۳) مجاز، ایهام، تناسب، کنایه»

از مژه یک دامن لعل روان خواهم فشاند
 (۲) کنایه، تشبیه، ایهام، مجاز
 (۴) ایهام، تشبیه، استعاره، مجاز

۱۹۷- در تمام گزینه‌ها هر دو آرایه‌ی «حس آمیزی و جناس» وجود دارد به جز گزینه‌ی....

(تالیفی ۹۸)

(۱) ز طبع خسته‌ی من عذر خامشی مپذیر
 (۲) ما گر چه مرد تلخ‌شنیدن نه‌ایم لیک
 (۳) چه شد که از همه جا بوی درد می‌آید
 (۴) هر خسی از رنگ گفتاری بدین ره کی رسد

سخن گره نگشاید چو طبع بسته بود
 تلخی که از زبان تو آید شنیدنی است
 ز هر که می‌شنوم آه سرد می‌آید
 درد باید پرده‌سوز و مرد باید گامزن

۱۹۸- اگر ابیات زیر را با توجه به آرایه‌های «تناقض - کنایه - جناس - اغراق - واج‌آرایی» مرتب کنیم، کدام گزینه این ترتیب و

(تالیفی ۹۸)

توالی را به درستی نشان می‌دهد؟

(الف) بیا که قصر امل سخت سست‌بنیاد است
 (ب) نشسته خیل غمش در دل شکسته‌ی من
 (ج) سفر دراز نباشد به پای طالب دوست
 (د) کسی را که آمد زمانش به سر
 (هـ) تا ابد از دو جهان بی‌خبر افتد مدهوش
 (۱) الف - د - ه - ب - ج
 (۳) الف - ه - ب - د - ج

بیار باده که بنیاد عمر بر باد است
 درست شد همه کاری از این شکست مرا
 که خار دشت محبت گل است و ریحان است
 ز مردی به گفتار جوید هنر
 هر که یک جرعه می از ساغر ما نوش کند
 (۲) ج - د - ب - ه - الف
 (۴) ج - ه - ب - د - الف

۱۹۹- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه تماماً درست آمده است؟

(تالیفی ۹۸)

«محرورم اگر شدم ز سر کوی او چه شد
 (۱) تشبیه، حس آمیزی، تناسب، مجاز
 (۳) اغراق، حس آمیزی، استعاره، حسن تعلیل»

از گلشن زمانه کیه بوی وفا شنید
 (۲) تناسب، استعاره، ایهام، حسن تعلیل
 (۴) مجاز، اغراق، ایهام، تشبیه

۲۰۰- در کدام گزینه «کنایه، تشخیص، تشبیه، حس آمیزی» وجود دارد؟

(تالیفی ۹۸)

(۱) ز آن لب که مژه‌ی نفسش آب زندگی است
 (۲) ای گل که موج خنده‌ات از سر گذشته است
 (۳) تا نباید گشتنم گُرد در کس چون کلید
 (۴) دل در طلب خنده‌ی شیرین تو خون شد

دشنام تلخ هم به دعاگو نمی‌رسد
 آماده باش گریه‌ی تلخ گلاب را
 بر در دل ز آرزو قفل شکیبایی زدم
 جان در طمع لعل شکرخای تو افتاد

۲۰۱- در کدام گزینه، هر ۳ آرایه‌ی مقابل آن، به درستی نوشته نشده است؟ (تالیفی ۹۸)

- (۱) به تیه حرص چون آهو، چه تازی نفس همچون سگ
 (۲) برف پیروی می‌نشینند بر سرم
 (۳) عجب نیست از گل که خندد به سروی
 (۴) مگوی آن سخن کاندرو سود نیست
 به صحرای قناعت شو که بی آهوست آن صحرا (تشبیه، ایهام، تناسب)
 همچنان طبعم جوانی می‌کند (تشخیص - استعاره - تضاد)
 که در این چمن پای در گل نشینند (جناس - تشخیص - مراعات نظیر)
 کز آن آتشت بهره جز دود نیست (جناس - استعاره - تشبیه)

۲۰۲- کدام گزینه ابیات زیر را به لحاظ داشتن آرایه‌های «استعاره - تشبیه - اسلوب معادله - تلمیح» به ترتیب نشان می‌دهد؟

- (الف) دل چو شد غافل ز حق فرمان‌پذیر تن بود
 (ب) تا ابد بوی محبت به مشامش نرسد
 (ج) نگاه دار گرت چوق عقیق آبی هست
 (د) چه ناله‌ها که رسید از دلم به خرمن ماه
 (۱) ج - د - ب - الف
 (۲) الف - ب - د - ج
 (۳) ب - د - الف - ج
 (۴) د - ب - الف - ج
 می‌برد هر جا که خواهد اسب، خواب‌آلوده را
 هر که خاک در میخانه به رخساره نرفت
 که خضر بادیه‌ی عشق، آتشین جگر است
 چو یاد عارض آن ماه خرگهی آورد

۲۰۳- در کدام گزینه هر دو آرایه‌ی مقابل آن به درستی نیامده است؟ (تالیفی ۹۸)

- (۱) سرشک من که ز طوفان نوح دست برد
 (۲) بگذار تا به داغ رهایی شود کباب
 (۳) چون سایه دویدیم به سر در عقبش لیک
 (۴) گر خون من و جمله‌ی عالم تو بریزی
 ز لوح سینه نیارست نقش مهر تو شسست (کنایه - تشبیه)
 صیدی که همچو تاب نیچد بر آن کمند (تناسب - تشبیه)
 در سایه آن سرو خرامان نرسیدیم (کنایه - استعاره)
 اقرار بیاریم که جرم از طرف ماست (مجاز - کنایه)

۲۰۴- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه به درستی آمده است؟ (تالیفی ۹۸)

- «عنان باد نخواهم ز دست داد کنون
 (۱) جناس تام - استعاره - کنایه - واج‌آرایی
 (۲) جناس ناقص - واج‌آرایی - تشبیه - تکرار
 (۳) کنایه - واج‌آرایی - مجاز - تشبیه
 (۴) جناس ناقص - تشبیه - کنایه - مجاز»

۲۰۵- در کدام گزینه هر دو آرایه مقابل بیت به درستی آمده است؟ (تالیفی ۹۸)

- (۱) خبر از درد ندارند طبیبان زنه‌ار
 (۲) سوی ما از یار ما با آن که می‌آید خبر
 (۳) ما شعله‌ی شوق تو به صد حیل‌ه نشان‌دیم
 (۴) صبح است ساقیا قدحی پر شراب کن
 چاره زان جوی که کرده است چنین بیمارت (مراعات نظیر - ایهام)
 ما در این ره خویشتن را بی‌خبر افکنده‌ایم (استعاره - مجاز)
 دامن مزن این آتش پوشیده‌ی ما را (تشبیه - کنایه)
 دور فلک درنگ ندارد شتاب کن (تضاد - پارادوکس)

۲۰۶- ابیات زیر، به لحاظ داشتن «حسن تعلیل - ایهام - حس آمیزی - مجاز» در کدام گزینه آمده است؟ (تالیفی ۹۸)

- الف) شاید کسه به خون بر سر خاکم بنویسند
 ب) از آن دندان ز پیران گـردش افلاک می‌گیرد
 ج) در این ماتم‌سرا تا یک نفس چون صبح مهمانی
 د) ز سوز شوق دلم شد کباب، دور از یار
- ۱) ج - ب - الف - د
 ۲) ج - د - ب - الف
 ۳) ب - ج - الف - د
 ۴) ب - د - ج - الف

۲۰۷- در کدام گزینه هر دو آرایه‌ی مقابل آن به درستی آمده است؟ (تالیفی ۹۸)

- ۱) آدمی گر خون بگریسد از گرانباری رواست
 ۲) باغبان گر پنج روزی صحبت گل بآیدش
 ۳) ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی
 ۴) هر گلی نو که در جهان آید
- کان چه نتوانست بردن آسمان، بر دوش اوست (کنایه - تلمیح)
 بر جفای خار هجران صبر بلبل بآیدش (مراعات نظیر - حسن تعلیل)
 از این باد ار مدد خواهی، چراغ دل برافروزی (پارادوکس - ایهام)
 ما به عشقش هزاردستانیم (استعاره - حس آمیزی)

۲۰۸- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟ (تالیفی ۹۸)

- «خورشیدی و آن گسه به شب آبی عجب این است»
 ۱) تضاد - تکرار - اغراق - حسن تعلیل
 ۲) تضاد - اغراق - تشبیه - پارادوکس
 ۳) تکرار - تشبیه - حسن تعلیل - ایهام
 ۴) ایهام - تشبیه - تکرار - پارادوکس
- شب روز نماید چو تو دیدار نمایی»

۲۰۹- در کدام بیت هر دو آرایه‌ی ایهام و حس آمیزی دیده می‌شود؟ (تالیفی ۹۸)

- ۱) با لبی و صد هزاران خنده آمد گل به باغ
 ۲) شیرینی گفتار تو افکند در آفاق
 ۳) هرگز نمیرد آن که دلش زنده شده به عشق
 ۴) ز اضطراب دل و لکننت زبان پیداست
- از کریمی گویند در گوشه‌ای بویی شنید
 شوری ز چه ز آن روی که شهد است و نمک هم
 ثبت است بر جریده عالم دوام ما
 که شمع هم دم مردن وصیّتی دارد

۲۱۰- ابیات زیر را بر پایه‌ی «پارادوکس - تناسب - ایهام - استعاره» مرتب کنیم، کدام گزینه درست است؟ (تالیفی ۹۸)

- الف) ماه آمده به دیدن خورشید، صبح زود
 ب) لبریز زندگی است نفس‌های آخرت
 ج) شاهد نیاز نیست که در محضر آورند
 د) از دور دست می‌رسد آیا کدام پیک
- خورشید رفته است سر شب سراغ ماه
 آورده مرگ، گرم به آغوش تو پناه
 در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه
 ای مُسلم شرف، به کجا می‌کنی نگاه؟
- ۱) ب - الف - د - ج
 ۲) ب - د - الف - ج
 ۳) الف - ب - د - ج
 ۴) ج - الف - ب - د

۲۱۱- آرایه‌های کدام گزینه، تماماً در بیت زیر دیده نمی‌شود؟

- «دل در طلب خنده‌ی شیرین تو خون شد
جان در طمع لعل شکرخای تو افتاد»
- (۱) تشخیص - تناسب - حس آمیزی - کنایه
(۲) تشخیص - تناسب - سجع - استعاره
(۳) حس آمیزی - کنایه - سجع - ایهام
(۴) ایهام - استعاره - سجع - تناقض

۲۱۲- در تمام گزینه‌ها هر دو آرایه ی مقابل بیت صحیح است به جز گزینه‌ی (تالیفی ۹۸)

- (۱) با من آمیزش او الفت موج است و کنار
دم به دم با من و پیوسته گریزان از من (تناسب - تناقض)
- (۲) اگر ملول شوی یا ملامتم گویی
اسیر عشق نیندیشد از ملال و ملام (جناس - استعاره)
- (۳) آه از زنگ کدورت پاک سازد سینه را
می‌شود روشن ز خاکستر سواد آینه را (اسلوب معادله - مجاز)
- (۴) گو شمع میارید در این جمع که امشب
در مجلس ما ماه رخ دوست تمام است (تشبیه - ایهام)

۲۱۳- در کدام گزینه همه‌ی آرایه‌های «کنایه - حسن تعلیل - تشبیه - مراعات نظیر» وجود دارد؟ (تالیفی ۹۸)

- (۱) بر طرب حمل مکن سرخی رویم که چو جام
خون دل عکس برون می‌دهد از رخسارم
- (۲) نخواستم که بگویم حدیث عشق و چه حاجت
که آب دیده‌ی سرخ‌م بگفت و چهره‌ی زردم
- (۳) نقش من عاشقی و در خط و خال رخ توست
همه چون زلف تو آشفتن و شیدا گشتن
- (۴) چه حاجت است به اظهار عشق پیش تو ما را
که اشک گوید و رخسار زرد و رنگ پریده

۲۱۴- در کدام گزینه ترتیب قرار گرفتن ابیات بر مبنای آرایه‌های «استعاره - تشبیه - حسن تعلیل - اسلوب معادله» به درستی آمده است؟ (تالیفی ۹۸)

- (الف) بی‌قراران هر نفس در عالمی جولان کنند
همچو بوی گل به یک‌جا آرمیدن مشکل است
- (ب) مخور فریب جهان کاین نه کار هشیاراست
که این عجز به هر روز با کسی یار است
- (ج) بنیاد خاک بر سر آب است از این سبب
خالی نباشد از خللی یا تزلزلی
- (د) دوام پرورش اندر کنار مادر دهر
طمع مکن که در او بوی مهربانی نیست
- (۱) الف - د - ج - الف
(۲) د - ب - ج - الف
(۳) ب - الف - د - ج
(۴) الف - ب - د - ج

۲۱۵- آرایه‌های «کنایه - حسن تعلیل - استعاره - جناس» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟ (تالیفی ۹۸)

- (الف) ببردند و پوشید روشن برش
نهاد آن کلاه کی ای بر سرش
- (ب) شقایق بر یکی پای ایستاده
چو بر شاخ زُمرّد جام باده
- (ج) تا چشم بشر نبیندت روی
بنهفته به ابر چهر دلبنند
- (د) چو ننمود رخ، شاهد آرزو
به هم حمله کردند باز از دو سو
- (۱) الف - ب - ج - د
(۲) د - ب - ج - الف
(۳) ج - الف - د - ب
(۴) د - ج - ب - الف

۲۱۶- در کدام بیت دو کنایه و دو تشخیص وجود دارد؟

- ۱) پرید از رخ کفر در هند رنگ
- ۲) دل من آب شد از غیرت اقبال حباب
- ۳) ز دست رفتم و بی‌دیدگان نمی‌دانند
- ۴) مهلت عمر کم و فرصت خدمت تنگ است

(تالیفی ۹۸)

تپیدند بت خانه‌ها در فرنگ
که به یک چشم زدن غوطه به عمان زد و رفت
که زخم‌های نظر بر بصیر می‌آید
مگر از خاک چونی بسته میان برخیزم

۲۱۷- در کدام بیت اضافی تشبیهی نیامده است؟

- ۱) ای مهربان‌تر از برگ در بوسه‌های باران
- ۲) آینه نگاهت، پیوند صبح و ساحل
- ۳) پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند
- ۴) وین نغمه محبت، بعد از من و تو ماند

(تالیفی ۹۸)

بیداری ستاره در چشم جویباران
لبخند گاه‌گاهت، صبح ستاره باران
دیوار زندگی را زمین‌گونه یادگاران
تا در زمانه باقی است آواز باد و باران

۲۱۸- در مصراع اول بیت زیر کدام آرایه نیامده است؟

- چو ننمود رخ شاهد آرزو
- ۱) تشبیه
 - ۲) استعاره
 - ۳) کنایه
 - ۴) ایهام

(تالیفی ۹۸)

به هم حمله کردند باز از دو سو

۲۱۹- در کدام گزینه هر چهار آرایه «حس آمیزی - تشبیه - کنایه - تناسب» دیده می‌شود؟

- ۱) آن بلبلم که چون کشم از دل صفیر گرم
- ۲) چه شد که از همه‌جا بوی درد می‌آید
- ۳) از جواب تلخ گوشم چون دهان مار شد
- ۴) ما گرچه مرد تلخ شنیدن نه‌ایم لیک

(تالیفی ۹۸)

بوی محبت از نفسم می‌توان شنید
ز هر که می‌شنوم آه سرد می‌آید
من همان از ساده‌لوحی حلقه بر در می‌زنم
تلخی که از زبان تو آید شنیدنی است

۲۲۰- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- «دولت عشق بین که چون از سر فقر و افتخار
- ۱) تشبیه - ایهام - حسن تعلیل - تشخیص
 - ۲) تشبیه - ایهام - کنایه - تناسب
 - ۳) تشبیه - پارادوکس - کنایه - تناسب
 - ۴) تشبیه - پارادوکس - کنایه - تناسب

(تالیفی ۹۸)

گوشه‌ی تاج سلطنت می‌شکند گدای تو»

- ۱) تشبیه - ایهام - حسن تعلیل - تشخیص
- ۲) کنایه - پارادوکس - حس آمیزی - اغراق
- ۳) تشبیه - پارادوکس - کنایه - تناسب
- ۴) تشخیص - ایهام - اغراق - تشبیه

۲۲۱- در کدام گزینه آرایه‌ای وجود دارد که در بیت زیر نیامده است؟

- گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد
- ۱) جناس - کنایه - ایهام
 - ۲) تشبیه - استعاره - مراعات نظیر
 - ۳) حسن تعلیل - کنایه - پارادوکس
 - ۴) تشبیه - استعاره - ایهام

(تالیفی ۹۸)

اکسیر عشق بر مسمم افتاد و زر شدم

۲۲۲- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

(تالیفی ۹۸)

- ناله برآد ز کوه از اثر زاری‌ام
 (۱) اغراق - تشخیص - کنایه
 (۲) اغراق - تشبیه - کنایه
 (۳) مجاز - تشبیه - تناسب
 (۴) تناسب - تشخیص - مجاز

۲۲۳- در تمام گزینه‌ها، هر دو آرایه‌ی مقابل بیت به درستی آمده است به جز گزینه‌ی...

(تالیفی ۹۸)

- (۱) زلف دلدار چو زَنار همی فرماید برو ای شیخ که شد بر تن ما خرقه حرام (تشخیص - تشبیه)
 (۲) درویش را که مُلک قناعت مسلم است درویش نام دارد و سلطان عالم است (پارادوکس - تشبیه)
 (۳) بهره صورت پرست از حسن معنی، حسرت است تشنه‌ی دیدار گل را، تشنه‌تر سازد گلاب (اسلوب معادله - واج‌آرایی)
 (۴) این مقرر شد که هرگز نیست راحت در جهان راحتی گر هست در ترکِ امیدِ راحت است (پارادوکس - تشخیص)

۲۲۴- به ترتیب در کدام ابیات آرایه‌های «مجاز - تشبیه - ایهام - کنایه» دیده می‌شود؟

(تالیفی ۹۸)

- الف) چون شوم خاک، به خاکم گذری کن چو صبا
 ب) قومی هوای نعمت دنیا همی پزند
 ج) نه در این عالم دنیا که در آن عالم عقبی
 د) چنان به دام تو الفت گرفت مرغ دلم
 (۱) د - ج - ب - الف
 (۲) ج - د - ب - الف
 (۳) ج - د - الف - ب
 (۴) د - ج - الف - ب

۲۲۵- در کدام گزینه‌ها «تشبیه و استعاره» هر دو وجود دارد؟

(تالیفی ۹۸)

- الف) چو بت پرست به صورت چنان شدی مشغول
 ب) غلام همّت آنم که زیر چرخ کبود
 ج) خیمه‌ی انس مزین بر در این کهنه رباط
 د) دل در جهان مبنند که این نونهال را
 (۱) ب - ج
 (۲) الف - ج
 (۳) الف - د
 (۴) ب - د

۲۲۶- آرایه‌های به کار رفته در بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

(تالیفی ۹۸)

- «دارد اسارت تو به زینب اشارتی»
 (۱) تلمیح، ایهام، جناس
 (۲) تلمیح، کنایه، جناس
 (۳) ایهام، تلمیح، کنایه
 (۴) ایهام، کنایه، جناس

۲۲۷- هر دو قسمت مشخص شده در کدام گزینه تشبیه هستند؟

(تالیفی ۹۸)

- (۱) به تیه حرس چون آهو چه تازی نفس هم چون سگ
 (۲) دل آزاد من از گرد تعلق هیهات
 (۳) حریم گلشن کویت نشد نشیمن ما
 (۴) برای گردن جان کسم ز طوق لعنت نیست
- به صحرای قناعت شوکه بی‌آهوست آن صحرا
 بارهای سیل تهی دست از این خانه گذشت
 نیافتیم دریغ اعتبار خار و خسی
 ز بار منت کس گر قدت خمیده شود

۲۲۸ - در کدام گزینه آرایه‌های استعاره، تناسب و تشبیه دیده می‌شود؟

(تالیفی ۹۸)

- ۱) گر بلند و پست نفروشد تمیز
 - ۲) مبحث سود و زیان در خانه نیست
 - ۳) کاری از تدبیر نتوان پیش برد
 - ۴) دود نتوان بست بر دوش شرار
- از زمین تا چرخ، هموار است و بس
شور این سودا به بازار است و بس
هرکه در کار است، بیکار است و بس
چون ز خود رستی نفس بار است و بس

۲۲۹ - در کدام بیت هم «مجاز»، داریم و هم «تشبیه»؟

(تالیفی ۹۸)

- ۱) گر دهم شرحش بسوزد نامه‌ام
 - ۲) همچو ابر از چشم گوهربار خویش
 - ۳) بر که یار ب نرگس مستم فتاد؟
 - ۴) گر هزاران دام باشد هر قدم
- زان که آتش باز باید خامه‌ام
گوهرافشان شد ز هجر یار خویش
کز نگاه او دل از دستم فتاد
چون تو با مایی نباشد هیچ غم

۲۳۰ - یکی از آرایه‌های مقابل کدام بیت نادرست است؟

(تالیفی ۹۸)

- ۱) ای کاش ناله‌های چو من بلبلی حزین
 - ۲) برخیز لاله، بند گلویند خود بتاب
 - ۳) لب دوخت هر که را که بدو راز گفت دهر
 - ۴) راه عدم نرفت کس از رهروان خاک
- بیدار کردی آن گل در خاک خفته را (تشبیه-تشخیص)
آورده‌ام به دیده گهرهای سفته را (استعاره - ایهام)
تا باز نشنود ز کس این راز گفته را (کنایه - تشبیه)
چون رفت خواهی این همه راه نرفته را (تشبیه - تضاد)

۲۳۱ - یکی از آرایه‌های مقابل کدام بیت، نادرست است؟

(تالیفی ۹۸)

- ۱) بلبلی از فیض گل آموخت سخن ورنه نبود
 - ۲) چه شب است یا رب امشب که ستاره‌ای برآمد
 - ۳) پاسخ تلخ تو و خنده شیرین با هم
 - ۴) آب روان چو آینه گردیده است خشک
- این همه قول و غزل تعبیه در منقارش (حُسن تعلیل، تشخیص)
که دگر نه عشق خورشید و نه مهر ماه دارم (استعاره، ایهام تناسب)
نوش در نیش نهان گشته و نیش اندر نوش (حسن آمیزی، جناس تام)
از حیثرت نظاره گل‌ها در این چمن (حُسن تعلیل، استعاره)

۲۳۲ - آرایه‌های «ایهام، نغمه حروف، تشبیه، تضمین» همگی در کدام بیت یافت می‌شود؟

(تالیفی ۹۸)

- ۱) تو شور کوه‌کن آور نه قصه شیرین
 - ۲) به بوی زلف تو در پیشگاه باد سحر
 - ۳) به زیر زلف پرنسپین بامداد وصال
 - ۴) به شهر عشق منم شهریار و چون حافظ
- که کوه عشق به ناخن توان تراشیدن
به سان شمع شبستان خوش است لرزیدن
تویی چو چشمه خورشید در درخشیدن
منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن

۲۳۳ - آرایه‌های ذکر شده در کدام بیت نادرست است؟

(تالیفی ۹۸)

- ۱) به رحمت سر زلف تو واثقم ورنه
 - ۲) به آن لب هر که بازد عشق از کشتن نیندیشد
 - ۳) چون صدف هرکس که دندان بر سر دندان نهد
 - ۴) یک دل آبادان نپندارم که مانند در جهان
- کشش چو نبود از آن سو، چه سود کوشیدن (جناس)
مگس گر فکر این کردی، نکردی با شکر بازی (تناقض)
سینه‌اش بی‌گفت‌وگو گنجینه دریا شود (حُسن تعلیل)
زان خرابی‌ها که آن چشم خماری می‌کند (اغراق)

۲۳۴- آرایه‌های بیت «ای مهربان‌تر از برگ، در بوسه‌های باران / بیداری ستاره، در چشم جویباران» در کدام گزینه آمده‌اند؟

(تالیفی ۹۸)

- (۲) استعاره، تناسب، کنایه، واج‌آرایی
(۴) تناسب، تشخیص، ایهام، کنایه

- (۱) تناسب، واج‌آرایی، تشخیص، اسلوب معادله
(۳) تشخیص، واج‌آرایی، تشبیه، جناس

(تالیفی ۹۸)

شاید از اکسیر عشقت این مس من زر شود (استعاره - تشبیه)
هشیار چون نخورده است او را خبر چه باشد؟ (ایهام - تضاد)
پیش نخل قد رعناى تو از پستان است (جناس - مجاز)
شمع خاکستر چرا در انجمن بر سر کند؟ (تشخیص - تلمیح)

۲۳۵- آرایه‌های مقابل تمام ابیات درست آمده است؛ به جز:

- (۱) دانشی را لطف کن کز وی محبت سرزند
(۲) سر شراب عشقش مست مدام داند
(۳) سرو اگر چند بلند است ز اشجار چمن
(۴) گر نه صائب داغدار از رفتن پروانه است

(تالیفی ۹۸)

هم چون قلم بیاید، او را زبان بریدن
که کوه درد به دل صاحب سخن دارد
خواست هر صبح به پای تو نثاری بکند
زان روی جهانی به جمالش نگران شد

۲۳۶- در همه ابیات به جز بیت «..... آرایه‌های «تشبیه و تشخیص و حسن تعلیل» مشهود است.

- (۱) گر بر زبان براند، جز ذکر دوست عاشق
(۲) ز ناله‌ای که کنند خامه می‌توان دانست
(۳) هیچ دانی ز چه دامان فلک پُرگهر است
(۴) ماه از اثر مهر رخت یافت نشانی

(تالیفی ۹۸)

از نظر مگریز کان باران ز ابر رحمت است
خوان رنگارنگ حسرت، نعمت الوان ماست
چون گشت راهرو فکند مهد یک طرف
که بر بنات نبات از طریق لطف ببار

۲۳۷- در همه ابیات به جز «.....»، «تشبیه و استعاره» وجود دارد.

- (۱) گر ببینی عاشقی در گریه، ای زاهد چو اشک
(۲) بر سر خوان هوس عمری است مهمان خودیم
(۳) طفلی است جان و مهد تن او را قرارگاه
(۴) و یا به ابر گهر بار درفشان گفتن

(تالیفی ۹۸)

چندان زره و حلقه و چندان شکن و چین؟
این حکایت نه به عهد تو و دوران من است
دام دل‌ها بر گل از سنبل به اندام آورد
قانع ز خوان رزق به هر تلخ و شور باش

۲۳۸- در کدام بیت هر دو آرایه «ایهام تناسب و جناس» وجود دارد؟

- (۱) در زلف تو گویی که فکند، ای صنم چین
(۲) رسم عشاق، وفا، خوی بتان، بدعهدی است
(۳) سرو سیم‌اندام چون دعوی صیادی کند
(۴) شیر و شکر به طفل مزاجان سبیل کن

۲۳۹- چنانچه بخواهیم ابیات زیر را به لحاظ داشتن آرایه‌های «مراعات نظیر، حس آمیزی، تشبیه و کنایه» مرتب کنیم، کدام

(تالیفی ۹۸)

از خجلی سر به گریبان برد
ماه ببیند رخ خود را به من
کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند
داده تنش بر تن ساحل یله

گزینه درست است؟

- (الف) در بر من ره چو به پایان ببرد
(ب) چون بگشایم ز سر مو شکن
(ج) لیک چنان خیره و خاموش ماند
(د) راست به مانند یکی زلزله

(۱) ب - الف - د - ج (۲) الف - ب - د - ج (۳) ب - ج - د - الف (۴) الف - د - ج - ب

۲۴۰- آرایه‌های «جناس تام» و «کنایه» را در همه ابیات زیر می‌توان یافت به جز بیت گزینه‌ی (تالیفی ۹۸)

زندگــــی را با دم تیغش ز سر خواهیم گرفت
پدرم نیــــز بهشت ابد از دست، بهشت
ولی به چین دو زلفت شکست شانه‌ی ما
چون باغ تو نیست باغ در عالم

۱) بر سرم قاتل اگر بار دگر خواهد گذشت
۲) نه من از پرده‌ی تقوی به در افتادم و بس
۳) هزار عقده‌ چین را یک انقلاب گشود
۴) خرم شده باغ از تو چون جنت

(تالیفی ۹۸)

زلف تو گرفت رنگ ماتم
من موی از مصیبت پیری کنم سیاه
کس از دروغ سیه‌روی گشت صبح نخست
زیرا که چون تو شاهی، کس در جهان ندارد

۲۴۱- در کدام گزینه، آرایه «حسن تعلیل» به کار نرفته است؟

۱) تا چشم تو ریخت خون عشاق
۲) چون جامه‌ها به وقت مصیبت سیه کنند
۳) به صدق کوش که خورشید زاید از نفسست
۴) کس در جهان ندارد، یک بنده هم چو حافظ

۲۴۲- ترتیب توالی ابیات زیر، از جهت داشتن آرایه‌های «حسن آمیزی، حسن تعلیل و تناقض» کدام است؟ (تالیفی ۹۸)

آستین بر رخ نهد با دامن تر، آفتاب
در آغاز رفتن به پایان رسیدم
طفل بازیگوش را آتش به چنگ افتاده است
هر چه خواهی سخنش شیرین است
۳) د - ج - ب
۴) د - الف - ب

الف) ابر از آن پیدا شود کز رشک خورشید رخت
ب) برای رسیدن چه راهی پریدم
ج) دل به دست آن نگار شوخ و شنگ افتاده است
د) گر چه جز تلخی از ایام ندید
۱) الف - ج - د
۲) د - الف - ج

(تالیفی ۹۸)

همچو نسیم از این چمن پای برون کشیده‌ام
جانی و لطیفه‌ی جهانی
همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کنند
رو به پیش سگان کوی، انداز

۲۴۳- در کدام بیت «شیوه بلاغی» به کار رفته است؟

۱) بس که جفا ز خار و گل دید دل رمیده‌ام
۲) ای سرو حدیقه‌ی معانی
۳) سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند؟
۴) این که دل نام کرده‌ای به مجاز

(تالیفی ۹۸)

به خال هندویش بخشم، سمرقند و بخارا را
خاک، بر سر کن غم ایام را
من نیز دل به باد دهم هر چه باد باد
رویست همه‌ساله لاله‌گون باد

۲۴۴- در کدام بیت شیوه بلاغی به کار نرفته است؟

۱) اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
۲) ساقیا برخیز و در ده جام را
۳) دوش آگهی ز یار سفر کرده داد باد
۴) حسن تو همیشه در فزون باد

(تالیفی ۹۸)

خوردن خون دل خلق به دستان تا چند؟
صبر پیدا و جگر خوردن پنهان تا چند؟
تشنه باز آمدن از چشمه‌ی حیوان تا چند؟
تو ز ما فارغ و ما از تو پریشان تا چند؟

۲۴۵- در کدام بیت «ایهام و واج‌آرایی» به کار رفته است؟

۱) رنگ دستت نه به حناست که خون دل ماست
۲) بیم آن است دمادم که برآرم فریاد
۳) خار در پای گل از دور به حسرت دیدن
۴) آخر ای سنگدل سیم‌زنخندان تا چند

۲۴۶- ترتیب ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های «جناس تام - حسن تعلیل - تشخیص - تشبیه» کدام است؟ (تالیفی ۹۸)

(الف) تا تماشای وصال خود کند
 (ب) جهان چاهی است بی بن بر سر راه
 (ج) نه هر درخت تحمل کند جفای خزان
 (د) بیا و بزرگ سفر ساز و زاده برگیر

(۱) د - الف - ج - ب (۲) د - ج - الف - ب (۳) الف - ب - ج - د (۴) الف - ب - د - ج

۲۴۷- در کدام بیت هر سه آرایه «استعاره - تشبیه - جناس» دیده می‌شود؟ (تالیفی ۹۸)

(۱) هر که دودی نرسیده است بدو ز آتش عشق
 (۲) صبر است مرا چاره‌ی هجران تو لیکن
 (۳) مرد ثابت قدم آن است که از جا نرود
 (۴) مرد حق را چون شناسد زاهد خود ناشناس

۲۴۸- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟ (تالیفی ۹۸)

«گر آن شیرین‌دهن لب را به شگرخنده بگشاید
 کف خسرو به خاک تیره ریزد خون شیرین را»

(۱) کنایه، پارادوکس، حس آمیزی، استعاره
 (۲) مجاز، استعاره، تناسب، پارادوکس
 (۳) تلمیح، ایهام، مجاز، حس آمیزی
 (۴) تناسب، تلمیح، ایهام، اسلوب معادله

۲۴۹- در کدام بیت هر دو آرایه‌ی مقابل آن به درستی آمده است؟ (تالیفی ۹۸)

(۱) حدیث عشق اگر گویی گناه است
 (۲) لبی خامش تر از گوش صدف آماده می‌باید
 (۳) چشم چپ خویشستن برآرم
 (۴) نه همین می‌رمد آن نو گل خندان از من

گناه اول ز حوا بود و آدم (تشبیه - تلمیح)
 طلبکار وصال در شهوار معانی را (تشخیص - استعاره)
 تا روی نبیندت به جز راست (ایهام - پارادوکس)
 می‌کشد خار در این بادیه دامن از من (تکرار - استعاره)

۲۵۰- در کدام گزینه هر دو آرایه کنایه و ایهام به کار رفته است؟ (تالیفی ۹۸)

(۱) آتش از خانه‌ی همسایه‌ی درویش مخواه
 (۲) مرا به هر چه کنی دل نخواهی آزدن
 (۳) گرچه با دلق ملمع (رنگارنگ) می‌گلگون عیب است
 (۴) هنر بیار و زبان آوری مکن سعدی

کآنچه از روزن او می‌گذرد دود دل است
 که هر چه دوست پسندد به جای دوست رواست
 می‌کنم عیب کز او رنگ ریا می‌شویم
 چه حاجت است که گوید، شکر که شیرینم

***توجه:** تمام جزوات مبحثی بنده (آرایه، دستور، قرابت و عروض و قافیه) به صورت ویدئویی و با حل تست کافی

تدریس شده است. مباحث آرایه و دستور و قرابت هر کدام ۸ ساعت و با قیمت ۶۰ هزار و مبحث عروض و قافیه در ۱۵ ساعت و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد (به همراه آموزش عروض سمعی). در صورت تمایل می‌توانید برای بهتر یادگرفتن، فیلم تدریس این جزوات را تهیه کنید. این فیلم‌ها در تلگرام ارسال می‌شود و در سریع‌ترین زمان ممکن به دستتان خواهد رسید. برای تهیه فیلم‌ها و به‌روزترین جزوات به آیدی بنده در تگرام (@aboozar_ahmadi63) و یا به شماره ۰۹۱۲۳۷۰۸۴۷۶ در واتساپ پیام بدهید.

همچنین می‌توانید این جزوات را به صورت پرینت تمام رنگی با قیمت صفحه‌ای ۸۰۰ تومان تهیه کنید.

